

این کتاب از پایگاه علمی المنیر <http://www.almoneer.ir> دانلود شده است.

كل نفس ذائقة الموت

هر نفسی خواه نا خواه مرگ بسرغش خواهد آمد.

ثم الى الله المرجع والمآب

بعد بازگشت همه بسوی خدا است.

فلينظر الانسان ماذا يقدم لغده

پس انسان باید مواظب باشد که چه برای فردای خود میفرستد.

من عمل صالحاً فلنفسه و من اساء فعليها

کسیکه عمل صالح انجام دهد بر نفعش انجام داده و اگر عمل غیر صالح

انجام دهد بر ضررش انجام داده.

خدا رحمت کند کسی را که در طبع و نشر این کتاب شریف شرکت کند.

کتاب دخل و خرج یا وارد و صادر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى خلق لعباده ما فى الارض جميعا و جعل لاكتسابه
حدوداً لا يرضى بالتعدى عنها ولا نفاقه وظايف لا يرخص فى التخلف
عنها والصلوة والسلام على محمد و على وآلهما ورحمة الله و بركاته
على مواليتهم و محبيهم و لعنة الله على اعدائهم و مبغضيتهم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلى العظيم.

اما بعد

چون بیشتر مردم را دیدم که بواسطه ی کسب مال و دخل آن از راه
غیر مشروع یا خرج و صرف آن در غیر راه مشروع خود را بدست خود
بهاکت انداخته مشمول ولا تلقوا بایدیکم الى التهلكة خواهند بود؛ لهذا
بخاطرم رسید که وجیزه ای راجع به کیفیت کسب مال و طور خرج آن
تألیف نموده، بعنوان هدیه در دسترس مؤمنین و طالبان سعادت و
نیکبختی قرار دهم و اینک تألیف نموده تقدیم مینمایم. امید آنکه خداوند

متعال این خدمت ناقابل را قبول فرموده و مؤمنین را از آن بهره مند فرماید و این وجیزه مشتمل است بر یک مقدمه و دو باب.

اما مقدمه پس در آن چند فصل است

فصل اول

در حقیقت و کنه دنیا

از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که برای مرد سه خلیل و دوست می باشد. یک خلیل میگوید من با تو هستم در حال حیات و هم در حال ممات و آن خلیل عمل او است و یک خلیل میگوید من با تو هستم تا وقتی که بمیری و آن خلیل، مال و ثروت او است پس چون مرد منتقل شود بوارث و خلیل دیگر به او میگوید من با تو هستم تا لب قبر بعد و امیگذارم تو را و آن خلیل فرزند شخص است. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که مرا با دنیا چه کار، مثل من و مثل دنیا، مثل سواره ایست که در روز گرمی گذارش به درختی بیافتد، پس ساعتی در سایه آن درخت استراحت نماید، پس آن درخت را بگذارد و برود و از حضرت عیسی علی نبینا وآله _ وعلیه الصلوة والسلام روایت شده که بالای کوهی رفته شخصی را دیدند که در میان آفتاب، عبادت خداتعالی را میکرد. پس حضرت گفتند چرا برای خود سایه ای تهیه نمیکنی عرض کرد یا نبی الله من از انبیاء علیهم -

السلام شنیده ام که از هفتصد سال بیشتر عمر نمیکنم، پس عقل بمن اجازه نمیدهد که خود را مشغول کنم بساختن بنائی. پس جناب عیسی علیه السلام فرمود: خبر بدهم تو را به آنچه تعجب کنی از آن عرض کرد چیست آن فرمود: در آخرالزمان مردمی باشند که عمرشان از صد سال بیشتر نباشد معذک خانه ها وقصرها بنا کنند و باغ ها و بوستانها برای خود تهیه کنند و آرزوی کسی را در دل داشته باشند که هزار سال عمر کند.

حکایت شده که اعرابی وارد شد بر قومی، پس طعام برایش آوردند. طعام خورد و در سایه خیمه شان خوابید. پس آن قوم خیمه شان را کنده و رفتند. پس چون آفتاب بر اعرابی تابید، از خواب بیدار شده میگفت الا انما الدنيا كظل تبيته ولا بد يوما ان ظلك زائل. یعنی آگاه باش که مثل دنیا مثل سایه ایست که در آن استراحت کنی ولا بد روزی بیاید که آن سایه برطرف شود.

و نیز حکایت شده که مردی از طایفه نجران که دویست سال عمرش بود، بر معویه وارد شد. معویه از او از حال دنیا سؤال نمود که چگونه یافتی آن را. گفت: بعضی از سالها ناراحتی و بعضی از سالها راحتی، روزی بروزی و شبی بشبی، بعضی بدنیا می آیند و بعضی می روند، اگر بچه بدنیا نیاید هرآینه خلق تمام میشوند و اگر از دنیا نروند هرآینه دنیا

برایشان تنگ میشود. معویه گفت: هرچه میخواهی از من بخواه. گفت: عمر گذشته مرا برگردان یا وقتی که اجل من رسید آن را از من دفع کن. معویه گفت: این کارها از دست من برنمی آید. آن مرد گفت: پس من بتو حاجتی ندارم. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که من دنیا را رها کردم برای سه چیز؛ یکی پستی شرکاء آن یعنی اهل دنیا و دیگر برای بسیاری ناراحتی های آن سوم برای کمی بقای آن.

و از حضرت عیسی بن مریم علی نبینا وآله وعلیهما الصلوة والسلام روایت شده که کیست آن کسی که بر موج دریا خانه بسازد این دنیا است پس آن را جایگاه خود قرار ندهید.

و نقل شده که پادشاهی از بنی اسرائیل شهری مافوق شهرها بنا کرد، بعد ولیمه ای تهیه نمود برای مردم و کسی را بر در شهر گماشت که از مردم سؤال کند آیا دراین شهر عیب و نقصی می بینید، پس کسی عیبی نگرفت مگر سه نفر که گفتند ما دو عیب در این شهر میبینیم پس سؤال شدند از آن دو عیب، پس گفتند: یکی آنکه آخرش خراب میشود و دیگر آنکه صاحبش میمیرد. پس پادشاه گفت: خانه ای سراغ دارید که از این دو عیب سالم باشد، گفتند: آری آن خانه، خانه آخرتست. پس پادشاه دست از سلطنت برداشته مدتی با آنها مشغول عبادت شد، بعد خواست با آنها وداع کند. گفتند: مگر از ما مکروهی دیده ای که میخواهی از ما جدا

شوی؛ گفت: نه ولكن چون شما مرا میشناسید و برای من احترام قائل میشوید، میخواهم با کسی مصاحبت کنم که مرا نشناسد.

و از بعض اکابر و بزرگان نقل شده که سنگی را دید که بر آن نوشته شده بود ای فرزند آدم اگر ببینی کمی آنچه از اجلت باقی مانده، هرآئینه زهد خواهی ورزید از طول امل و آرزوی خود و هرآئینه رغبت خواهی کرد در زیادتی عمل خود و حرص و حيله خود را نسبت به دنیا کم خواهی کرد.

از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که، دنیا خانه کسی است که خانه نداشته باشد و مال کسی است که مالی برای او نباشد. و برای دنیا جمع میکند کسی که عقلی برایش نباشد و بر دنیا دشمنی میکند کسی که یقین ندارد.

فصل دوم

در مذمت حب دنیا و انس به آن

بسم الله و له الحمد. روایت شده که مردی خدمت حضرت علی علیه السلام رسیده عرض نمود سؤال میکنم تو را از چهار مسئله. فرمود: سؤال کن اگر از چهل مسئله باشد. عرض کرد واجب چیست و واجبتر کدام است، نزدیک چیست و نزدیکتر چیست، عجیب کدام است و عجیبتر چیست، دشوار چیست و دشوارتر چیست؛ حضرت فرمود: اما واجب

پس طاعت خدا است و واجبت تر گناهانست. و اما نزدیک پس قیامت است و نزدیکتر از آن مرگ است. و اما عجیب پس دنیا است و عجیب تر از آن دوستی دنیا است. و اما دشوار پس قبر است و دشوارتر از آن دست خالی وارد قبر شدن.

و از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده که هیچ چیز دوست تر نیست بسوی خدای تعالی از ایمان به او و ترک آنچه امر فرموده به ترک آن. یا باذر بدرستیکه خدای تعالی وحی فرمود بسوی برادرم عیسی علیه السلام یا عیسی دنیا را دوست مدار زیرا که من دنیا را دوست نمیدارم و آخرت را دوست بدار چه آنکه آخرت دار معاد و خانه بازگشت است.

و از حفص بن غیاث علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که والله دوست ندارد خدا را آنکسی که دنیا را دوست داشته باشد.

و از قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از حضرت عیسی بن مریم علی نبینا وآله وعلیهما الصلوة والسلام روایت شده که قساوت قلب از خشکی چشم است و خشکی چشم از بسیاری گناه است و بسیاری گناه از حب دنیا است و حب دنیا سرهر خطا و لغزش است. و روایت شده که خداوند متعال وحی فرمود بسوی جناب داوود علی نبینا

وآله وعلیه الصلوة والسلام که اگر مرا دوست داری حب دنیا را از قلب خود بیرون کن چه آنکه دوستی من و دوستی دنیا در یک قلب جمع نمیشود.

از کتاب روح الاحباب از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که صبح و شام کند در حالیکه همتش زیادکردن دینار و درهم باشد، روز قیامت با یهود و نصاری محشور خواهد شد.

از کتاب خصال مسنداً از حرث علیه الرحمة از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که دینار و درهم هلاک نمودند کسانی را که قبل از شما بودند و این دو شما را نیز هلاک خواهند کرد.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که در تفسیر قول خدای تعالی یوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم، میفرماید قلب سلیم قلبی است که سالم باشد از حب دنیا.

فصل سوم

در مذمت اشتغال به دنیا

بسم الله و له الحمد. از رسول خدا تعالی صلی الله علیه و آله روایت شده که به علی علیه السلام میفرماید: : یا علی ششصد هزار گوسفند میخواهی یا ششصد هزار دینار یا ششصد هزار کلمه یعنی در علم و دانش؛ عرض میکند یا رسول الله ششصد هزار کلمه میخواهم.

حضرت میفرماید: ششصد هزار کلمه را جمع میکنم در شش کلمه؛ یا علی هرگاه مردم را دیدی خود را مشغول کرده اند به مستحبات، تو مشغول باش به تمام و کامل بجا آوردن فرائض و واجبات و چون دیدی مردم مشغول بعمل دنیا میباشند، تو به عمل آخرت مشغول باش و هرگاه مردم را دیدی که به عیوب یکدیگر مشغولند، تو به عیوب خود مشغول باش و هرگاه دیدی مردم به زینت دادن دنیا مشغولند، تو به زینت دادن آخرت مشغول باش و هرگاه مردم را دیدی که مشغول به بسیاری عمل میباشند، تو مشغول باش به خوب و بی عیب بجا آوردن عمل. و هرگاه دیدی مردم را که بخلق متوسل میشوند، تو به خالق متوسل شو.

از بعضی از حکما و دانشمندان نقل شده که دنیا خانه ایست خراب و خرابتر از آن قلب کسی است که به آبادی آن مشغول شود. و بهشت خانه ایست آباد و آبادتر از آن، قلب کسی است که طلب کند آن را.

و از جمله وصیتهای جناب لقمان علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام
بفرزند خود ای پسرک من بدرستیکه مردمان پیش از تو مال جمع
نمودند برای اولاد خود، نه مال باقی ماند و نه اولاد. و بدانکه فردای
قیامت هنگامیکه در محضر مقدس خدا بایستی از چهار چیز سؤال
خواهی شد. از جوانیت که در چه راهی از دست دادی و از عمرت که
در چه کار فانی کردی و از مالت که از چه راهی بدست آوردی و در
چه راهی انفاق نمودی.

پس خود را مهیا کن برای جواب.

و از حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله
روایت شده که در طلب دنیا ضرر رساندن به آخرت است. و در طلب
آخرت ضرر رساندن به دنیا است. پس به دنیا ضرر برسانید چه آنکه
دنیا احق و سزاوارتر است به آن.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسیکه علاقه اش به دنیا
زیاد شود، حسرتش نزد مفارقت از آن شدیدتر خواهد بود.

فصل چهارم

در مذمت ثروت و مال دنیا

بسم الله و له الحمد. روایت شده که خداوند عالم جل و علا به حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام میفرماید عطا نمودم به تو چیزی را که برای آن قدری نزد من نیست و فرستادی آنچه را که برای او قدری نزد من هست. عرض کرد پروردگارا چگونه است آن حق تعالی فرمود به تو دادم دنیا را و حال آنکه در نزد من بقدر بال پشه ای ارزش ندارد و تو فرستادی نزد من حمد و ستایش را که معادل است نزد من بهشت را.

و از جناب عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیهما الصلوة والسلام روایت شده که در مال دنیا یکی از سه خصلت لامحاله هست. عرض کردند آن خصلتها کدام است یا روح الله؛ فرمود: کسب میکند آن را از غیر حلال. عرض کردند اگر از حلال کسب کند، فرمود: وضع میکند آن را در غیر حقش، عرض کردند اگر درحقش وضع کند، فرمود: مشغول میکند شخص را از عبادت پروردگارش.

و از جناب سلمان رضی الله عنه روایت شده که شش چیز مرا بعجب درآورده؛ سه چیز مرا می خنداند و سه چیز مرا می گریاند. اما آن سه که

مرا می‌گریاند فراق دوستان یعنی محمد صلی الله علیه وآله و پیروان آن جناب و دیگر هول مطلع و سیم ایستادن در محضر حقتعالی. و اما آن سه که مرا می‌خنداند یکی طالب دنیا و حال آنکه مرگ در طلب او است و دیگر غافلیکه از او غفلت ندارند و سوم کسیکه میخندد و حال آنکه نمیداند خداوند عالم از او راضی است یا بر او سخطناک است.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که میفرماید: یا علی (ع) خدا تعالی وحی فرمود بسوی دنیا که خادم کسی باش که مرا خدمت کند و بتعب بیانداز کسی را که خادم تو است. یا علی اگر دنیا نزد خدا بقدر بال پشه ای ارزش میداشت هر آئینه از دنیا یک شربت آبی به کافر نمیداد.

و روایت شده که چهار نفر از رهبانان برای امتحان خدمت حضرت علی علیه الصلوة والسلام رسیده با هم گفتند که از یک مطلب، به یک عبارت سؤال میکنیم اگر یک جور جواب داد که معلوم میشود ناقص است.

پس یکی از آنها داخل شده عرض کرد آیا جمع مال افضل است یا جمع علم؛ پس حضرت فرمود: جمع علم، به جهت آنکه مال بانفاق کم میشود و علم زیاد. بعد دیگری وارد شده عرض نمود جمع مال بهتر

است یا جمع علم، حضرت فرمود: جمع علم، زیرا که علم صاحب خود را حفظ میکند و مال باید صاحبش آن را حفظ کند.

سومی وارد شد همین سؤال را کرد. حضرت فرمود: جمع علم، برای آنکه تواضع صاحبش را زیاد میکند و جمع مال تکبر صاحبش را.

چهارمی داخل شده همان سؤال را کرد. حضرت فرمود: جمع علم، چه آنکه کسیکه جمع کند علم را دوستانش زیاد میشود و کسیکه مال جمع کند دشمنانش زیاد میشود.

و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که علم به هفت جهت از مال افضل و بهتر است. اول آنکه علم میراث انبیاء علیهم الصلوة والسلام است و مال میراث فرعون ها.

دوم علم بانفاق کم نمیشود و مال بخرج کردن کم میشود.

سوم مال محتاج بحافظ است، اما علم صاحب خود را حفظ میکند.

چهارم علم داخل میشود کفن صاحب خود را و مال داخل نمیشود.

پنجم مال حاصل میشود برای مؤمن و کافر، لکن علم حاصل نمیشود

مگر برای مؤمن. ششم همه مردم در امور دین خود محتاجند بصاحب

علم و بصاحب مال احتیاج ندارند. هفتم علم قوی میکند صاحب خود را

به عبور از پل صراط و مال صاحب خود را منع میکند از آن.

و از بعض بزرگان نقل شده که بعضی از ائمه علیهم الصلوة والسلام را

در خواب دید که می فرمود: خمول یعنی گمنامی نعمت است و تمام

مردم از آن ابا و امتناع دارند. و رفعت و بلندی تقمت و بلا است و مردم طالب آن میباشند. و غنی و دارائی فتنه است و مردم آرزوی آن را دارند. و فقر عصمت است و مردم از آن دوری میکنند. و مرض موجب ریختن گناهان است و مردم از آن پرهیز میکنند. و شخص برای خودش میباشد مادامیکه شناخته نشده و هرگاه شناخته شود برای غیر خود خواهد بود.

فصل پنجم

در مدم بغض دنیا و حسن تنفر از آن

بسم الله و له الحمد. روایت شده که خداوند عالم عزوجل در شب معراج فرمود یا احمد(ص) آیا نمیدانی بنده چه وقت عابد میشود؛ عرض کرد نه؛ فرمود وقتیکه در او هفت خصلت جمع شود.

ورعی که حاجز و مانع شود او را از محارم خدا یعنی معاصی و خاموشی ای که باز بدارد او را از سخنان بیهوده و بی فائده. و خوفی که به واسطه آن گریه اش زیاد شود. و حیائیکه، حیا کند از من در خلوت. و خوردن آنچه لابد است از آن. و دشمن بدارد دنیا را بواسطه ی دشمن داشتن من آن را و دوست بدارد اخیار و خوبان را.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هیچ عملی نزد خدا تعالی بعد از معرفت خدا و رسول و اهل بیت او، افضل و بهتر از دشمنی دنیا نیست. و از آن حضرت نیز روایت شده که به آخرت نخواهید رسید مگر بترک دنیا و دوری از آن؛ وصیت میکنم شما را اینکه

دوست بدارید آنچه را که خدا دوست میدارد و دشمن بدارید آنچه را که خدا دشمن میدارد.

فصل ششم

در مدح زهد از دنیا و فضیلت کنار رفتن از آن

بسم الله و له الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده که اطفال را دوست دارم بواسطه پنج خصلت؛ اول آنکه بسیار گریه میکنند. دوم آنکه در میان خاک غلط میزنند یعنی از خاک پرهیز ندارند. سوم آنکه از یک طرف با یکدیگر جنگ میکنند و جدال مینمایند و از طرف دیگر با هم آشتی میکنند و حقد و کینه ای ندارند. چهارم آنکه برای فردای خود چیزی ذخیره نمیکند. پنجم آنکه از یک طرف چیزی میسازند و از طرف دیگر خراب میکنند یعنی علاقه به آن ندارند و نیز از آن بزرگوار صلی الله علیه وآله روایت شده که چهار خصلت است که خدا عطا نمیفرماید آن را مگر بکسی که دوست دارد. اول صمت و خاموشی که اول عبادتست، دوم توکل بر خدا، سوم تواضع، چهارم زهد در دنیا. و از بعضی زهاد و عباد بنی اسرائیل نقل شده که بملکی از

ملائیکه که به دیدنش آمده بود و درخواست موعظه از او نموده بود گفت: وصیت میکنم تو را به ده چیز، پس بفهم آنها را، بوده باش عالم جاهل، محب مبغض، راغب زاهد، سخی بخیل، شجاع عاجز. ملک گفت چیست اینها؛ عابد گفت: عالم باش به خدای تعالی و جاهل باش به غیر خدا. دوست باش نسبت به دوستان خدا، دشمن باش با دشمنان خدا. زاهد باش در دنیا، راغب و مایل باش نسبت به آخرت. سخی باش به دنیا، بخیل باش به دین. شجاع باش در طاعت خدا، عاجز باش از معصیت خدا تعالی. برخیز خدا تو را حفظ کند مرا از عبادت پروردگارم بازداشتی.

و از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام روایت شده که جناب عیسی بن مریم علی نبینا وآله وعلیهما الصلوة والسلام به حواریین فرمود: ای بنی اسرائیل ناراحت نشوید بر آنچه از دنیاتان فوت میشود و از دستتان میروود هرگاه دینتان سالم بماند کما اینکه اهل دنیا ناراحت نمیشوند از آنچه از دینشان فوت میشود هرگاه دنیایشان سالم بماند.

و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده است کسی که نسبت به دنیا زهد بورزد، خدا تعالی حکمت را در قلبش ثابت می گرداند و زبان او را به حکمت گویا میگرداند و عیوب دنیا را به او می نمایاند و بیرون میبرد او را سالمأ به سوی دارالسلام یعنی بهشت.

از کتاب روضة الواعظین نقل شده که می فرماید روایت شده که مردی به رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله عرض کرد چیزی به من تعلیم بفرما که هرگاه آن را بجا بیاورم خدا از آسمان مرا دوست بدارد و مردم از زمین؛ حضرت فرمود: راغب و مایل باش به آنچه نزد خدا تعالی هست تا خدا تو را دوست داشته باشد. و زهد بورز در آنچه نزد مردم است تا مردم تو را دوست بدارند.

و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام در نهج البلاغه روایت شده است که دنیا خانه ایست به عنوان گذرگاه و آخرت خانه ای است قرارگاه از دنیا که گذرگاه است توشه بردارید برای آخرت که قرارگاه شما است تا آنکه میفرماید و بیرون ببرید از دنیا دلهای خود را پیش از آنکه بدنهای شما را بیرون ببرند.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که تمام خیر و خوبی در خانه ای قرار داده شده و کلید آن خانه زهد در دنیا است.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که شخص حلاوت و شیرینی ایمان را نمییابد تا آنکه طوری باشد که باک نداشته باشد که کی دنیا را خورد و برد.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که حرام است بر دلهای شما اینکه درک کنید حلاوت ایمان را تا زاهد شوید در دنیا.

و از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که دنیا
میخواهد پس باید تجارت کند. و کسیکه آخرت میخواهد باید زاهد
شود. و هرکس هر دو را میخواهد، پس باید تحصیل علم کند.

فصل هفتم

در مدح فقر و قلت مال

بسم الله و له الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده چهار چیز است که نمیرسد به آن مگر مؤمن. اول صمت و خاموشی و آن اول عبادتست. دوم تواضع و فروتنی برای خدای عزوجل. سوم ذکر و یاد خدا بر هر حال. چهارم قلت و کمی مال. و نیز میفرماید احدی از اولین و آخرین نیست مگر اینکه در روز قیامت آرزو خواهد کرد که داده نمیشد از دنیا مگر قوتی.

و نیز از آن حضرت علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده کسی که در دنیا حظ و بهره اش فراوان باشد، در آخرت بهره اش کم خواهد بود هرچند کریم یعنی آدم خوبی باشد. فقرا عرض کردند اغنیاء بهشت را بردند حج و عمره بجا می آورند، صدقه میدهند، حضرت فرمود: کسی که از شما برای رضای خدا صبر کند، بر فقرش سه چیز برای او خواهد بود و اغنیاء آن سه چیز را نخواهند داشت: اول آنکه در بهشت غرفه هائی هست که اهل بهشت نظر میکنند بسوی آن غرفه ها کما اینکه اهل زمین نظر میکنند بسوی ستارگان آسمان و داخل آن غرفه ها نمیشود مگر نبی فقیر یا شهید فقیر یا مؤمن فقیر، دوم آنکه فقراء پانصد سال پیش از اغنیاء داخل بهشت میشوند، سوم آنکه اگر غنی بگوید سبحان

الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر و فقير نیز همین ذکر را بگوید غنی به فقیر نمیرسد اگرچه با این ذکر ده هزار درهم انفاق کند و باقی اعمال خیر نیز چنین است.

فقراء عرض کردند راضی شدیم. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فقراء ملوک و پادشاهان اهل بهشت خواهند بود، تمام مردم مشتاق بهشتند و بهشت مشتاق فقراء.

و نیز از آن جناب روایت شده که از خدا سؤال میکرد و عرض مینمود خدایا مرا مسکین زنده بدار و مسکین بمیران و محشور بفرما مرا با مساکین. و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که فقر بر دو قسم است؛ یک فقر، فقری است که ثواب بر آن هست و علامت آن سه چیز است اول آنکه با وجود فقر خلقتش را نیکو کند. دوم آنکه اطاعت کند پروردگار خود را. سوم آنکه از خدا شکایت نکند بر فقرش. و فقر دیگر فقریست که عقوبت پشت سر دارد و علامت آن نیز سه چیز است اول سوء خلق. دوم معصیت خدا. سوم بسیار شکایت نمودن و راضی نبودن به قضا و قدر.

فصل هشتم

در تفسیر و معنای زهد

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که زهد در دنیا پوشیدن لباس خشن و خوردن طعام غلیظ و درشت نیست بلکه زهد در دنیا قصر امل و کوتاهی آرزو است.

و از حضرت علی علیه السلام سؤال شد از زهد، فرمود: از حرام دنیا اعراض و دوری کردن. و نیز میفرماید: زهد کوتاهی امل و آرزو و پاک نمودن قلب است و اینکه بثنا و مدح مردم خوشحال نشود و از مذمت مردم غمناک نگردد و طعامی نخورد و آشامیدنی نیاشامد و جامه نباشد تا آنکه بداند اصل آن طیب و حلال است. و اینکه سخن بیهوده و بی فائده نگوید. و بر دنیا با کسی حسد نورزد. و اینکه علم و علما را دوست ندارد. و طالب رفعت و بلندی نباشد.

و روایت شده که از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام از زهد سؤال کردند فرمود زاهد آن کسی است که حلال را ترک کند بواسطه خوف از حساب و حرام را به جهت خوف از عقاب. و از علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که زاهدون در دنیا جماعتی میباشند که چون کسی آنها را موعظه کند متعظ میشوند یعنی قبول میکنند و دارای یقینند پس

حذر میکنند و دانایند پس به علم خود عمل میکنند. چون آسانی به آنها برسد، شکر میکنند و اگر سختی به آنها برسد صبر میکنند.

فصل نهم

در اینکه زهد در دنیا از نتایج علم است

و رغبت به آن از نادانی

بسم الله و له الحمد. از حضرت علی علیه السلام روایت شده کسی که جمع کند بین شش خصلت آنطور که باید و شاید در طلب بهشت برآمده و از آتش فرار نموده: اول آنکه خدا را بشناسد پس اطاعت کند او را، دوم بشناسد شیطان را پس نافرمانی کند او را، سوم حق را بشناسد پس متابعت نماید آنرا، چهارم باطل را بشناسد پس از آن بیرهیزد، پنجم دنیا را بشناسد پس آن را دور بیاندازد، ششم بشناسد آخرت را پس طلب کند آن را.

و از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده که عقلاء زهد ورزیدند در دنیا و راغب و مایل شدند بسوی آخرت برای اینکه دانستند که دنیا هم طالب است و هم مطلوب و همچنین آخرت.

پس کسیکه در طلب آخرت باشد، دنیا در طلب او خواهد بود تا آنکه روزی خود را از دنیا بگیرد. و کسیکه در طلب دنیا باشد، آخرت به طلب او خواهد آمد پس مرگ درخواهد یافت او را پس فاسد خواهد کرد بر او دنیا و آخرتش را.

و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که در مناجات
موسی علیه السلام است که یا موسی بدرستی که بندگان صالح من زهد
میورزند نسبت به دنیا به قدر علم و معرفتشان نسبت به من و سایر خلق
رغبت و میل دارند به دنیا به قدر جهلشان.

باب اول
در کیفیت کسب مال و به دست آوردن آن و در این
باب چند مقصد است
مقصد اول
در طلب حلال و در این مقصد چند فصل است:
فصل اول
در مدح و فضیلت آن

بسم الله وله الحمد.

از امدی علیه الرحمة درکتاب غرر از حضرت علی علیه السلام روایت شده که از توفیق مرد است کسب مال از راه حلال. و روایت شده که مردی از حضرت صادق علیه السلام درخواست کرد که از خدا بخواهد که روزی بدهد به او، حضرت فرمود: دعا میکنم برای تو ولکن طلب کن آن را از راهی که امر شده ای. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که طلب کننده روزی حلال مانند جهاد کننده در راه خدا است.

و از عمر بن سیف اسدی روایت شده که حضرت صادق به من فرمود که ترک نکن طلب رزق را از راه حلال، مرکب خود را ببند و توکل کن بر خدا.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که عبادت ده جزء است، نه جزء آن در طلب حلال است. و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که طلب کند دنیا را برای آنکه محتاج به مردم نباشد و امر معاش اهل و عیال خود را روبراه کند و بتواند به همسایه خود احسان کند، ملاقات خواهد نمود خدای عزوجل را روز قیامت در حالی که صورتش مانند ماه شب چهارده باشد. و از آن حضرت (ص) نیز روایت شده کسی که روز را به شب بیاورد در حالتیکه به واسطه طلب حلال خسته و مانده باشد، آمرزیده شده باشد.

و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده که بی نیازی خوب عون و یآوری است بر تقوی. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که دنیا نیکو عونی است بر آخرت.

و از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه مسرور کند او را اینکه دعایش مستجاب شود، پس باید کسب خود را طیب و پاکیزه کند و نیز میفرماید خوشا بحال کسی از مؤمنین که مالی را بدون معصیت کسب کند. و نیز میفرماید که خدای تعالی در شب معراج فرمود یا احمد عبادت ده جزء است، نه جزء آن طلب حلال است. و نیز از آن حضرت روایت شده که یا علی برای سعید و نیکبخت سه علامت است قوت حلال در بلدش و مجالست با علماء و خواندن نمازهای پنجگانه با

جماعت و از برای شقی نیز سه نشانه است قوت حرام و دوری از علماء و نماز را فرادا خواندن.

و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که مؤمن کسی است که آنچه کسب میکند طیب و پاکیزه باشد و خلقش نیکو باشد و باطنش صحیح و سالم باشد و زیادتی مال خود را انفاق کند و از سخنان زیادی خودداری نماید و شر خود را از مردم نگاه دارد.

و روایت شده که علی علیه الصلوة والسلام سه سؤال از رسول خدا صلی الله علیه وآله نمود اول آنکه چگونه دعا کنم حضرت فرمود: بصدق و وفاء یعنی از روی حقیقت با وفای به عهد. دوم عرض نمود چه چیز سؤال کنم فرمود: عافیت. سوم عرض نمود برای نجات خود چه کار بکنم فرمود: حلال بخور و راست بگو.

فصل دوم

در مذمت ترک کسب با احتیاج به آن

بسم الله و له الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که ملامت نکن انسانی را که مایحتاج خود را طلب میکند. چه آنکه کسی که مایحتاج خود را نداشته باشد، خطاهای او زیاد میشود.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خیری نیست برای کسی که دوست نداشته باشد جمع مال را از حلال برای آنکه آبروی خود را حفظ کند و دین خود را ادا کند و صله رحم بجا آورد.

از آن حضرت علیه السلام نیز روایت شده است که احوال مردی را سؤال نمودند عرض شد فقر و احتیاج به او رسیده، فرمود: امروز چه میکند، گفتند در خانه نشسته مشغول عبادت است، فرمود: پس مایحتاجش از کجا تأمین میشود گفتند بعضی از برادرانش متحمل میشوند فرمود: قسم بخدا آنکسی که مایحتاج او را میدهد اشد عبادة مییابد از او.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که مردم نسبت به رزق و روزی پنج دسته میباشند. اول کسی است که رزق را از کسب میداند نه از خدا، پس این جور آدم کافر است. دوم کسی است که رزق را از خدا و کسب میداند، این طور آدم مشرکست. سوم کسی است که رزق را از

خدا و کسب را سبب میداند لکن نمیداند خدا روزی به او خواهد داد یا نه پس او منافق و شاک است. چهارم کسی است که رزق را از خدا و کسب را سبب میداند لکن حقش را ادا نمیکند و در کسبش معصیت میکند خدا را پس چنین کسی فاسق است. پنجم کسی است که رزق را از خدا و کسب را سبب میداند و حقش را ادا میکند و برای خاطر کسب معصیت نمیکند خدا را، این چنین کسی مؤمنی است با اخلاص.

فصل سوم

در میانه روی در کسب روزی

بسم الله وله الحمد. از عبدالله بن سلیمان از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خدای عزوجل وسعت میدهد در رزق مردمان کم عقل برای اینکه عقلا بدانند که بعمل و حيله به دنیا نمیتوان رسید. و از حضرت علی علیه السلام روایت شده چه بسیار کسانی که خود را در طلب روزی به زحمت و تعب می اندازند و گیرشان نمی آید مگر اندکی و چه بسیار کسانی که در طلب روزی میانه روی میکنند و قضا و قدر با آنها مساعدت میکند و روزی شان زیاد میشود.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که باید در طلب رزق بالاتر باشی از کسی که خود را ضایع میگذارد و دنبال کسب و کار نمیرود و پائین تر باشی از کسی که حرص میورزد در طلب دنیا و به آن خوشنود و خاطر جمع است.

و از ابی القاسم کوفی علیه الرحمة در کتاب اخلاق از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که ندانستم چیزی را که شما را به بهشت نزدیک و از آتش دور کند، مگر آنکه شما را به آن امر کردم و ندانستم چیزی را که شما را به آتش نزدیک و از بهشت دور کند، مگر آنکه نهی کردم شما را از آن و هیچ نفسی نمیرد مگر آنکه برسد به او از رزق آنچه

را که خدا نوشته است برای او پس از خدا بیرهیزید و در طلب رزق نیکوکار باشید و دیر رسیدن روزی به شما، وادار نکند شما را به دخالت در آنچه حلال نیست برای شما، چه آنکه نمیتوان رسید به آنچه نزد خدا هست مگر به طاعت او و بازداشتن خود از محرّمات و معاصی.

و از جناب سدیر علیه الرحمة روایت شده که به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد وظیفه مرد در طلب روزی چیست، فرمود: هرگاه در دکان خود را باز کنی و بساط خود را پهن کنی یعنی جنس خود را در منظر مردم قرار دهی پس بتحقیق که آنچه بر تو لازم است انجام داده ای.

و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای تبارک و تعالی به جناب موسی علی نبینا وآله و علیه الصلوة والسلام فرمود یا موسی وصیت میکنم تو را به چهار چیز، پس حفظ کن آن را، اول آنکه تا ندانی گناهانت آمرزیده شده به عیوب غیر خود مپرداز؛ دوم مادامیکه نبینی گنجهای من تمام شده به سبب رزق خود غمناک مباش؛ سوم تا نبینی ملک من زائل شده به احدی غیر از من امیدوار مباش؛ چهارم آنکه مادامیکه شیطان را مرده نبینی از مکر او ایمن مباش.

فصل چهارم

در مذمت حرص

بسم الله و له الحمد. از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که چون جناب نوح علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام از کشتی بیرون آمد شیطان نزد ان جناب آمده گفت در روی زمین کسی که منتش از تو بر من بزرگتر باشد نیست چه آنکه تو دعا کردی بر این فساق و هلاک شدند پس مرا راحت کردی از آنها، آگاه باش من به تو دو خصلت یاد میدهم اول آنکه از حسد بیرهیز زیرا که حسد کرد به من آنچه کرد یعنی مانع شد مرا از سجده حضرت آدم و بر اثر آن مطرود درگاه خدا و ملعون شدم.

دوم آنکه از حرص بر حذر باش چه آنکه حرص کرد نسبت به آدم آنچه کرد یعنی حرص وادار نمود بخوردن از شجره منهیه و بر اثر آن از بهشت خارج شد. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که بطور یقین بدانید که خدای تعالی قرار نمیدهد برای بنده هرچند حيله اش عظیم باشد و طلبش شدید و کیدش قوی زیاده‌تر از آنچه در ذکر حکیم نام برده برای او و حایل نمیشود بین بنده با ضعف و قلت حيله اش و بین اینکه برسد به او آنچه نام برده شده برای او در ذکر حکیم.

و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که مثل حریص بر دنیا، مثل کرم پیله است که هرچه بیشتر دور خود بتند، بیرون آمدنش از آن دشوارتر میشود تا آنکه از غم و اندوه بمیرد.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که بهترین بی نیازی را کسی دارد که اسیر حرص نباشد. و از بعض حکما و دانشمندان نقل شده که از عجیب امر انسان آن است که اگر به او بگویند همیشه در دنیا خواهی بود، هرآینه بیشتر از این در طلب دنیا سعی و کوشش نمیکرد با این کوتاهی مدت و توقع زوال.

و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که اگر پنج خصلت درمردم نمیبود، هرآینه همه شان صالح و نیک بودند. اول قناعت به جهل و نادانی، دوم حرص بر دنیا، سوم بخل نسبت به زیادتی مال، چهارم ریای در عمل و پنجم عجب به رأی.

فصل پنجم

در مدح قناعت و فضیلت اکتفای به قدر کفایت

بسم الله و له الحمد. از مجموعه شهید علیه الرحمة نقل شده که شخصی از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام از افضل اعمال سؤال نمود. حضرت چهار چیز گفتند. اول قناعت به قوت یعنی مایحتاج، دوم طول سکوت یعنی خاموشی، سوم صبر بر اذیت یعنی اگر کسی او را اذیت کرد صبر کند، چهارم ندامت و پشیمانی بر خطا و لغزش. و از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام روایت شده که قرائت نمودم توریة و انجیل و زبور و فرقان یعنی قرآن را و از هر کتابی یک کلمه اختیار نمودم. از توریة کسی که خاموش بود نجات یافت و از انجیل کسی که قانع بود همیشه سیر است و از زبور کسی که ترک کند شهوات نفسانی را از آفتها سالم میماند و از قرآن کسی که توکل کند بر خدا پس خدا کفایت میکند امور او را.

و از بعض فرمایشات حضرت علی علیه السلام بدست می آید که هیچ خلیل و دوستی افضل از حفظ زبان نیست و هیچ لباسی افضل از ورع و تقوی نیست و هیچ مالی بهتر از قناعت نیست و هیچ بر و خوبی از شفقت و رحمت افضل نیست و هیچ طعامی لذیذتر از صبر نیست.

روایت شده که خدای تعالی وحی فرمود بسوی موسی علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام یا موسی من شش چیز را در شش موضع قرار داده ام و مردم در شش جای دیگر طلب میکنند و هرگز به مطلوب خود نمیرسند.

اول راحت را در بهشت قرار داده ام و مردم آن را در دنیا طلب مینمایند. دوم علم را در گرسنگی قرار داده ام و مردم آن را در سیری می طلبند. سوم عزت را در قیام شب به عبادت قرار داده ام و مردم طلب میکنند آن را در ابواب سلاطین. چهارم رفعت و بلندی را در تواضع قرار داده ام و مردم آن را طلب میکنند در تکبر. پنجم اجابت دعا را در لقمه حلال قرار داده ام و مردم طلب میکنند آن را در قیل و قال. ششم غنی و بی نیازی را در قناعت قرار داده ام و مردم آن را طلب میکنند در بسیاری مال و هرگز نخواهند یافت آن را.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که بمردی میفرماید قناعت کن به آنچه خدا برای تو قسمت نموده و نظر نکن به آنچه نزد کسان دیگر هست و چیزی که به آن نمیرسی آرزوی آن مکن، چه آنکه کسی که قناعت نمود سیر میشود و کسی که قناعت نداشته باشد سیر نمیشود و بگیر بهره خود را از آخرت.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که قناعت مالی است که تمام نمیشود. و نیز میفرماید قناعت گنجی است که فانی نمیشود. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هنگام غروب خورشید، ملکی که موکل بر آنست میگوید یا ندا میکند ایها الناس رو بیاورید بسوی پروردگار خود آنچه کم باشد و کفایت کند بهتر است از آنچه بسیار باشد و شخص را غافل کند و هنگام طلوع خورشید ملکی که موکل بر آنست میگوید ای فرزند آدم بزای برای مردن و بناکن برای خراب شدن و جمع کن برای فانی شدن. و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که اگر بی نیازی میخواهی آن را طلب کن در قناعت.

فصل ششم

در مذمت بی کاری

بسم الله و له الحمد.

از ابی بصیر علیه الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای عزوجل دشمن میدارد بسیار خوابیدن و بسیار بیکار بودن را. و به روایت دیگر میفرماید بسیار خوابیدن دنیا و دین را از بین میبرد. و از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام روایت شده که خدای تعالی دشمن میدارد بنده ای را که بسیار بخوابد و بنده ای را که بیکار باشد و از زراة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که کسالت بوزد در طهارت و نماز خود، پس خیری در او برای امر آخرتش نیست و کسیکه کسالت بوزد از آنچه امرمیشتش به آن روبراه میشود، پس در او برای امر دنیایش خیری نیست.

از بعض حکما نقل شده که چهار چیز است که منجر به چهار چیز میشود. اول عاقبت غیظ، ندامت و پشیمانی است. دوم عاقبت لجاج و لج بازی، افتضاح و رسوائی است. سوم عاقبت سخن زشت، عداوت و دشمنی است. چهارم عاقبت کسل بودن ذلت و خواری است.

مقصد دوم

در کسب حرام و خوردن آن و در این مقصد چند فصل است فصل اول

در مذمت تحصیل مال حرام و خوردن آن

بسم الله و له الحمد. از حضرت صادق از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که دو گرسنه هستند که سیر نمیشوند، یکی گرسنه دنیا و دیگری گرسنه علم و دانش. پس هرکس اکتفا کند از دنیا برآنچه خدا حلال فرموده برای او سالم می ماند و کسی که بدست بیاورد آن را از غیر حلال، هلاک میشود مگر آنکه توبه کند و برگردد و کسی که اخذ کند علم را از اهلش و عمل کند به آن، نجات می یابد و کسی که اخذ کند علم را برای دنیا، پس همان دنیا حظ و بهره او خواهد بود.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که در روز قیامت جماعتی بیایند که برای آنها باشد از حسنات مانند کوهها پس خداوند عالم آن حسنات را هباء منثورا بگرداند یعنی باطل و پراکنده؛ جناب سلمان رضی الله عنه عرض کرد وصف کن آنها را برای ما یا رسول الله (ص)، فرمود: این جماعت نماز میخواندند، روزه میگرفتند و یک مقداری از شب را هم به عبادت بسر میبردند، لکن طوری بودند که چون حرامی پیش آمد میکرد جستن میکردند بر آن یعنی می قاییدند آن را.

و از آن حضرت نیز روایت شده که کسی که عارض شود برای او دنیا و آخرت، پس دنیا را بر آخرت اختیار کند، خدا را ملاقات کند در حالتیکه نباشد برای او حسنه ای که آتش را به آن دفع کند از خود و کسی که آخرت را بگیرد و دنیا را ترک کند، روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالتیکه خدا از او راضی باشد.

و از جناب ابی ذر علیهما الرحمة روایت شده کسی که دنیای خود را آباد کند به خراب کردن آخرتش، خاسر و زیانکار خواهد بود و کسیکه امر معاش خود را اصلاح کند، به فاسد کردن دینش خاسر خواهد بود. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که شرار مردم کسی است که آخرت خود را به دنیا بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرت خود را بفروشد به دنیای کس دیگر. از خداوند عالم جل و علا روایت شده کسیکه باک نداشته باشد که درهم و دینار را از چه راهی بدست بیاورد، من نیز باک نخواهم داشت که از چه دری از درهای جهنم او را داخل آتش کنم.

و از عبید بن زرارۃ علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسب حرام در ذریه و اولاد شخص اثر می گذارد. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که شقی و بدبخت سه علامت دارد اول خوردن لقمه حرام، دوم ترک صحبت و مجالست علماء، سوم رحم

نکردن بر ضعفاء. و از آن حضرت صلی الله علیه و آله نیز روایت شده که پنج چیز است که دل را میمیراند اول بسیار خوردن، دوم بسیار خوابیدن، سوم بسیار خنده کردن، چهارم بسیار غصه خوردن، پنجم خوردن حرام که ایمان را طرد می کند یعنی از بین میبرد.

فصل دوم

در مدح اجتناب از حرام

بسم الله و له الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که سؤال نمودند از آن جناب از علامت و نشانه ایمان؛ فرمود: چهار چیز است اول اینکه پاک و پاکیزه کند قلب خود را از کبر و عداوت نسبت به بندگان خدا، دوم پاکیزه کند زبان خود را از دروغ و غیبت، سوم پاکیزه کند دل خود را از ریا و سمعه، چهارم پاکیزه کند شکم خود را از حرام و شبهه.

و نیز از آنجناب علیه السلام روایت شده که سزاوار است از برای بنده اینکه پنج وضوء بگیرد؛ اول وضوی قلب از مکر و خدعه و کبر و حسد و بغض و عداوت، دوم وضوی زبان از کذب و غیبت و بهتان و زور، سوم وضوی شکم از شبهه و حرام، چهارم وضوی پشت از پوشیدن لباس حرام، پنجم وضوی ظاهر کما اینکه خدای تعالی میفرماید اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الى المرافق.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که ترک کلمه ای از حرام یا لقمه ای از حرام بهتر است برای شخص از هزار هزار رکعت نماز و نیز میفرماید یا علی برای عالم سه علامت است صدق کلام و اجتناب از حرام و تواضع نسبت به تمام مردم.

و از علی علیه السلام روایت شده نگاه دار دین خود را به دنیا که از هر دو بهره خواهی برد و دنیای خود را به دینت نگاه ندار که از هیچ کدام بهره نخواهی برد.

و از جناب ابی بصیر علیه الرحمة روایت شده که مردی به حضرت باقر علیه الصلوة والسلام عرض نمود که عمل من ضعیف است و روزه ام قلیل ولكن امیددارم که غیر از مال حلال نخورم. حضرت فرمود: کدام جهاد بهتر و افضل است از عفت شکم و فرج یعنی نگاه داری شکم و فرج از حرام.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که عابدترین مردم کسی است که بپا بدارد فرائض و واجبات را و در نسخه دیگر قرآن را و زاهدترین مردم کسی است که از حرام بگذرد و باتقوی ترین مردم کسی است که حق بگوید چه بر نفعش تمام شود چه بر ضررش و با ورع ترین مردم کسی میباشد که ترک کند مجادله را اگرچه حق با او باشد و شدیدترین مردم از حیث اجتهاد کسی است که ترک کند گناهان را و

گرامی ترین مردم با تقوی ترین ایشانست و بزرگترین مردم از حیث قدر و مقام کسی است که ترک کند کار و گفتار بی فائده را و نیکبخت ترین مردم کسی است که خلطه و آمیزشش با مردمان کریم باشد.

فصل سوم

در قبح ظلم و مذمت آن و حسن ترک و مدح آن

بسم الله و له الحمد. از نهج البلاغه از امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام روایت شده که بد زاد و توشه ای است برای معاد، عدوان و ظلم بر بندگان. و از کتاب عوالی از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که ظلم، ظلمات و تاریکیها است در روز قیامت.

و از ابن عباس علیهما الرحمة روایت شده که خدای عزوجل وحی فرمود بسوی داوود علی نبینا وآله و علیه الصلوة_ والسلام که بگو به ظالمین که مرا یاد نکنند چه آنکه حق است بر من اینکه یاد کنم کسی را که مرا یاد کند و اینکه یاد من آنها را به این است که لعن کنم آنها را.

و از امدی علیه الرحمة در کتاب غرر و درر از حضرت علی علیه السلام روایت شده که ظلم جرمی است که فراموش نمیشود و نیز میفرماید از ظلم و ستم دور باشید، چه آنکه ظلم، اعظم جرمها و اکبر گناهان میباشد. و نیز میفرماید بدترین مردمان کسی است که بر مردم ظلم کند و از رسول خدا_ صلی الله علیه وآله نقل شده که از ظلم دوری کنید چه آنکه ظلم دلها را خراب میکند. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که از شیعه ما نیست آن کسی که بر مردم ظلم کند.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده کسی که از قصاص بترسد، از ظلم بر مردم خودداری میکند. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله

روایت شده که بهترین جهاد آن است که شخص صبح کند در حالتیکه قصد ظلم بر کسی نداشته باشد. و از کتاب تحف العقول نقل شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند از صفت عدالت، فرمود: هرگاه چشم خود را از آنچه حرام است بپوشد و زبانش را از سخنان ناپسند و دستش را از ظلم و ستم نگاه دارد.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که از ظلم و دروغ خودداری کند، و چون وعده ای بدهد، خلف وعده نکند مروتش کامل و عدالتش ظاهر و غیبتش حرام و برادری با او واجب است. و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که ناگوار نباشد بر تو ظلم کسی که بر تو ظلم میکند چه آنکه او سعی میکند بر ضرر خود و نفع تو.

و از جناب ابن بصیر علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که ظفر نمییابد به خیر آن کسی که ظفر بیابد بر ظلم؛ بدرستیکه مظلوم اخذ میکند از دین ظالم بیشتر از آنچه ظالم از مال مظلوم اخذ نموده.

فصل چهارم

در وجوب رد مظالم

بسم الله و له الحمد.

از وهب بن عبدربه نقل شده که مردی به حضرت باقرعلیه الصلوة والسلام عرض نمود که من از زمان حجاج تاکنون والی بودم و مالی از آن دستگاه بدست آورده ام آیا توبه ام قبول میشود حضرت سکوت کردند. آن مرد کلام خود را اعاده نمود حضرت فرمود نه تا وقتی که حق هرکسی را به او رد کنی.

و از جناب ابی بصیر علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که مالی را بخورد ظلماً و رد نکند آن را به صاحبش، در قیامت پاره ای از آتش را خواهد خورد.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که چهار نفر میباشند که عذابشان از عذاب باقی اهل جهنم زیاده است. اول مردیکه بمیرد و در گردن او مال مردم باشد. دوم کسیکه از بول اجتناب نکند. سوم کسیکه از زنا لذت ببرد. چهارم کسیکه از غیبت و خبرکشی اجتناب نکند. و نیز از آن جناب (ص) روایت شده کسی که حق دیگری به گردنش باشد و با اینکه میتواند ادا کند، ادا نکند، پس بر او باشد در هر روز گناه گمرک چی و نیز میفرماید کسیکه راضی کند صاحبان حق را

از خود، واجب میشود برای او بهشت و خواهد بود رفیق جناب اسماعیل علیه السلام.

و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که هیچ عملی افضل و بهتر از رد مظالم نیست. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه رد کند کمتر حقی را بسوی صاحبان حق، قرار میدهد خدا بین او و بین آتش مانعی را و خواهد بود در عداد شهداء و نیز میفرماید پس بدرستی که درهمی را که بنده رد کند بسوی خصماء، بهتر است برای او از روزه روز و قیام در شب به عبادت و کسی که رد کند آن را، ملکی از زیر عرش ندا کند او را که یا عبدالله عمل خود را از سر بگیر که گناهان گذشته ات آمرزیده شد.

و از نهج البلاغه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که ظلم بر سه قسم است؛ یک ظلم، ظلمی است که آمرزیده نمیشود و آن ظلم شرک به خدا است، خود خدای تعالی میفرماید ان الله لا یغفران یشرک به. دوم ظلمی است که واگذاشته نمیشود و آن ظلم بندگان است بعضی بر بعض دیگر قصاص در آنجا شدید است. سوم ظلم بنده است بر نفس خودش در نزد بعضی از خطاها و لغزشها که آمرزیده میشود.

فصل پنجم

در اینکه کسی که در مال حرام دخالت کند، به همان اندازه از روزی حلالش کاسته میشود و حساب کرده خواهد شد نسبت به مال حرامی که در آن دخالت نموده

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خدای تعالی رزقها را از حلال بین خلقش تقسیم فرموده و رزق را از حرام قسمت نفرموده، پس کسیکه پیرهیزد و صبر کند، خدا رزق او را از حلال میرساند و کسی که تعجیل کند و از حرام بدست بیاورد، به همان اندازه از روزی حلالش کسر میشود و بعلاوه در یوم قیامت حساب کرده خواهد شد بر آن و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خدای عزوجل خلق فرمود خلق را و خلق فرمود با آنها ارزاقشان را از حلال، پس کسیکه بدست بیاورد از روزی بوجه حرام، از روزی حلالش به همان اندازه کاسته خواهد شد.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که رزق دو قسم است؛ یک قسم رزقی است که به صاحبش میرسد ولو طلب نکند آن را و قسم دیگر رزقی است که موقوف به طلب او است پس آنچه قسمت شده برای بنده بر هر حال به او میرسد اگرچه سعی نکند در طلب آن و آنچه قسمت شده به سعی پس سزاوار است اینکه طلب کند آنرا از راهش

یعنی از راه حلال پس اگر طلب کند آنرا از حرام، پس عوض رزق حلال بر او حساب میشود و بعلاوه مسئولیت نیز دارد.

و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که هیچ نفسی نیست مگر آنکه فرض فرموده خدا برای او رزق حلال که خواهد رسید به او در عافیت و حرام اگر پیش آمد کرد و شخص دخالت در آن نمود، از روزی حلالی که فرض شده برای او تقاضا خواهد شد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: آیا میدانید مفلس یعنی دست خالی کیست عرض کردند در میان ما آن کسی است که نه درهم دارد و نه دینار و نه متاعی؛ حضرت فرمود مفلس از امت من کسی است که روز قیامت می آید با نماز و زکوة و روزه و لکن به بعضی فحش داده و به بعضی نسبت ناروا داده و مال بعضی را خورده و خون بعضی را ریخته و بعضی را کتک زده و صاحبان حق می آیند و از حسنات او میگیرند و اگر حسناتش پیش از آنکه حقوق مردم ادا شود، تمام بشود، از گناهان صاحبان حق بر او طرح میشود و افکنده میشود در آتش و از آن حضرت نیز روایت شده کسی که از برای برادرش نزد او حقی هست از او حلیت بطلبد پیش از آنکه بیاید روزی که در آن روز درهم و دیناری نیست که حق او را ادا کند، بلکه از حسناتش به صاحب حق میدهند و اگر حسناتی نداشته باشد، از گناهان صاحب حق گرفته میشود و بر گناهان او افزوده میشود.

فصل ششم

در عدم جواز انفاق مال حرام ولو در راه خیر

بسم الله وله الحمد. از سماعه علیه الرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد از مردی که از دستگاه بنی امیه علیهم اللعنة مالی بدست آورده و از آن مال صدقه میدهد و صله رحم بجا می آورد، حج میکند بخیال اینکه آمرزیده شود نسبت به مالیکه بدست آورده و میگوید حسنات سیئات را از بین میبرد.

حضرت فرمود: گناه، گناه را از بین نمیبرد، بلکه حسنه گناه را از بین میبرد، یعنی خود انفاق مال حرام ولو در راه خیر گناهست. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه شخص مالی را از حرام کسب کند، بعد به آن مال حج برود، چون تلبیه بگوید یعنی لبیک، ندا کرده شود لالبیک یعنی نه لبیک ولاسعدیک و اگر از حلال کسب کند، چون بگوید لبیک، ندا کرده شود لبیک وسعدیک و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام نقل شده که شخص اگر مال حرامی بدست بیاورد، قبول نخواهد شد از او حجی و نه عمره و نه صله رحمی.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خدا لعنت فرموده خمر و شارب و درست کننده آن را و کسی را که ساقی آنست و فروشنده و کسی را که بهای آن را میخورد پس اعرابی ای برخواسته عرض نمود یا رسول الله من مردی هستم که شغل من همین بوده و مالی

از این راه بدست آورده ام آیا اگر این مال را در راه خیر خرج کنم نفعی برای من دارد، حضرت فرمود اگر اتفاق کنی چنین مالی را در حج یا جهادی در نزد خدا بقدر بال پشه ای ارزش نخواهد داشت چه آنکه قبول نمیفرماید مگر طیب و پاکیزه را و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که اگر مردم اخذ کنند آنچه را که خدا امر به آن فرموده پس اتفاق کنند آنرا در آنچه خدا نهی فرموده از آن قبول نخواهد فرمود از ایشان و اگر اخذ کنند آنچه را که خدا نهی از آن فرموده پس اتفاق کنند آنرا در آنچه خدا امر به آن فرموده قبول نخواهد فرمود آنرا از ایشان تا اخذ کنند از حق و اتفاق کنند آنرا در حق.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که مالی را از حرام بدست بیاورد خدا قبول نفرماید از او نه صدقه ای و نه عتق و نه حج و نه عمره ای را و مینویسد خدا برای او بعدد اجزاء آن مال وزر و وبال و آنچه از آن مال بعد از موتش باقی بماند زاد و توشه او خواهد بود بسوی آتش.

مقصد سوم

در اقسام کسب و در آن چند فصل است

فصل اول

در مدح کسب و تجارت و فضیلت آن

بسم الله وله الحمد.

از حضرت باقر از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که برکت ده جزء است، نه جزء آن در تجارت است و جزء دیگرش در جلود. از جناب صدوق علیه الرحمة نقل شده که مراد از جلود گوسفند است. و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که خود را در معرض تجارت و خرید و فروش قرار دهید چه آنکه تجارت شما را بی نیاز میکند از آنچه در دست مردم است.

و از فضیل بن یسار علیهما الرحمة روایت شده که به حضرت صادق علیه السلام عرض میکنند من تجارت را ترک کرده ام، حضرت فرمود: این کار را نکن در دکان خود را باز کن و بساط خود را پهن کن و از پروردگارت روزی بخواه.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که تجارت عقل را زیاد میکند و نیز میفرماید ترک تجارت عقل را میبرد.

و از محمد زعفرانی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که دنبال تجارت برود، از مردم بی نیاز میشود، عرض کرد اگرچه عیالمند

باشد، فرمود: اگرچه عیال وار باشد زیرا نه جزء رزق و روزی در تجارت است و از حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که روزی ده جزء است، نه جزء آن در تجارت است و یک جزء آن در غیر تجارت.

فصل دوم

در مذمت ترک تجارت

بسم الله وله الحمد. از جناب فضیل بن یسار علیهما الرحمة نقل شده که حضرت صادق علیه السلام از من سؤال فرمود که چه شغل داری عرض کردم نقداً هیچ شغلی ندارم فرمود این جور اموال شما از بین می‌رود و سخن من دشوار آمد بر آن حضرت. و از اسباط بن سالم نقل شده که داخل شدم بر حضرت صادق علیه السلام پس از حال عمر بن سالم از ما سؤال فرمود که چه میکند گفتم مردی است صالح ولكن تجارت را ترک کرده پس حضرت سه مرتبه فرمود این کار شیطان است. و از فضل بن ابی قره روایت شده که حضرت صادق علیه السلام از حال مردی سؤال فرمود گفتند تجارت را ترک کرده حضرت تکیه کرده بودند پس نشستند بعد گفتند بحاضرین تجارت را ترک نکنید که خوار میشوید تجارت کنید تا خدا به شما برکت دهد.

و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده کسی که ملکی را بفروشد پولش از بین میرود و کسیکه بخرد استفاده میکند. و نیز از آنحضرت علیه السلام روایت شده که در توریة نوشته شده کسی که زمین با آبی را بفروشد و پول آن را زمین با آب نخرد، آن پول از بین میرود.

فصل سوم

در مدح کار کردن

بسم الله وله الحمد. از فضل بن ابی قره روایت شده که داخل شدیم بر حضرت ابی عبدالله علیه السلام در حایطی که مال حضرت بود دیدیم که مشغول کار است عرض کردیم فدایت شوم بگذار تا ما یا غلامان کار کنیم فرمود: نه، مرا بحال خود وابگذارید من میل دارم که خدا مرا ببیند که بدست خود کار میکنم و خود را اذیت میکنم در طلب حلال.

از کتاب مجمع البیان نقل شده که میفرماید روایت شده که حواریین با حضرت عیسی علی نبینا وآله وعلیه السلام بودند هر وقت گرسنه میشدند، میگفتند یا روح الله گرسنه ایم پس عیسی علیه السلام دست بر زمین میزد برای هر کدام دو قرص نان بیرون می آمد، میخوردند و هرگاه تشنه میشدند میگفتند یا روح الله تشنه ایم پس دست خود را بر زمین میزد آب بیرون می آمد، می آشامیدند عرض کردند یا روح الله کیست که از ما بهتر باشد هر وقت بخوایم به ما طعام میدهی و هر وقت بخوایم به ما آب میدهی و ایمان آورده ایم به تو و با تو میباشیم. فرمود: بهتر از

شما کسی است که بدست خود کار میکند و از کسب خود نان میخورد پس حواریون رفتند دنبال کار و لباس شوئی میکردند و از اجرت آن امر خود را میگذرانیدند.

و از جامع الاخبار از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که از کدیمین و عرق جبین نان بخورد، از صراط مانند برق خاطف میگذرد.

و نیز از آنجناب صلی الله علیه وآله روایت شده است که کسیکه به کدیمین از حلال بخورد، درهای بهشت بروی او باز شود که از هر دری که بخواهد داخل شود.

و نیز از آن حضرت روایت شده کسی که از کدیمین نان بخورد، خدا نظر رحمت به او بفرماید و ابداً او را عذاب نفرماید. و نیز از آن بزرگوار روایت شده کسی که نان بخورد از کدیمین روز قیامت در عداد انبیاء علیهم السلام خواهد بود و ثواب انبیاء علیهم الصلوٰة والسلام خواهد گرفت.

مقصد چهارم

**در کسبهای حرام و ما در این وجیزه اکتفا میکنیم به
ذکر آنچه نوعاً محل ابتلائی مردم است و در این مقصد
چند مطلب است**

مطلب اول

**در خمر و آنچه در حکم آن است و در این مطلب
چند فصل است**

فصل اول

**در حرمت تکسب به خمر و باقی مسکرات و حرمت آنچه به ازای
آن گرفته شود**

بسم الله وله الحمد.

از جامع الاخبار از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده راجع به
خمر، آگاه باشید که شارب خمر و ساقی آن و درست کننده آن و بایع و
مشتري آن و حمل کننده آن و کسی که حمل میشود بسوی او و کسی که
ثمن و بهای آنرا میخورد، در عار و گناه آن مساویند و خدای تعالی از
هیچکدام قبول نمیفرماید نمازی را و نه روزه و حج و عمره ای را تا
آنکه توبه کند. و نیز از آنجناب روایت شده که خدا لعنت فرمود خمر
و شارب آن و ساقی و بایع و مشتري و حمل کننده آن را و کسی را که

حمل میشود بسوی او و کسی که ثمن و بهای آن را میخورد. و نیز از آن بزرگوار علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که خمر حرام است و خدا لعنت فرموده خمر را بعینه و کسیکه ثمن و بهای آن را میخورد و سازنده آن و بایع و مشتری و شارب و ساقی و حمل کننده آن را و کسی را که بسوی او حمل میشود.

فصل دوم

در حرمت شراب و مذمت آن

بسم الله وله الحمد. از جناب یونس بن ظبیان نقل شده که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود، یا یونس از جانب من بعطبه برسان کسی که یک جرعه شراب بنوشد، خدا و ملائکه و پیامبران و مؤمنان او را لعنت میکنند، کسیکه شراب بنوشد به اندازه ای که مست شود، روح ایمان از جسدش گرفته میشود و روح سخیف و خبیث و ملعونی جای آنرا میگیرد.

و از سلیمان بن خالد علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که شربتی از شراب بیاشامد، تا چهل روز نمازش قبول نخواهد شد.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که بیاشامد شربتی از خمر را مبتلا میفرماید خدا او را به پنج چیز. اول قساوت

قلب. دوم بیزاری میجویند از او جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و جمیع ملائکه. سوم بیزار میشوند از او جمیع انبیاء و ائمه علیهم الصلوٰة والسلام. چهارم بیزار میشود از او خداوند جبار جل جلاله. پنجم داخل میشود در قول خدای تعالی و اما الذین فسقوا فماوٰیهم النار کلما ارادوا ان یخرجوا منها اعیدوا فیها و قیل لهم ذوقوا عذاب النار الذی کنتم بها تکذبون. یعنی و اما کسانی که فاسق شدند، پس جایگاه ایشان آتش خواهد بود هر زمانی که بخواهند از آتش خارج شوند آنها را برمیگردانند در آتش و به آنها گفته میشود بچشید عذاب آتشی را که تکذیب میکردید آنرا.

و از زید شحام علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که شراب کلید هر شری است و مدمن خمر یعنی کسی که هر وقت شراب گیرش بیاید از خوردنش مضایقه نمیکند، مانند بت پرست است. بدرستی که شراب سر هر گناهی است و شارب الخمر، تکذیب کننده کتاب خدا است؛ اگر کتاب خدا را صدق و راست میدانست، هر آینه حرام آنرا حرام میدانست.

و از حضرت صادق علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که خدا برای شر قفل هائی قرار داده و کلید آن قفلها را شراب قرار داده و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده قسم به آن کسی که مرا به نبوت مبعوث

گردانیده شراب نمی آشامد مگر آن کسی که ملعونست هم در توریة و هم در انجیل و قرآن و نیز میفرماید از من نیست آنکسی که نماز را سبک بشمارد، نیست از من کسی که بیاشامد مسکری را

فصل سوم

در مذمت شارب الخمر

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که سه طایفه اند که داخل بهشت نمیشوند. اول آدم خونریز، دوم شارب الخمر، سوم خبرکش. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده است که از شراب دوری کنید چه آنکه شراب کلید هر شری است. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسانی که در دنیا از شراب سیر بخورند، تشنه خواهند مرد و تشنه محشور خواهند شد و تشنه داخل آتش خواهند شد.

و از ابی امامه علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که چهار طایفه اند که خداوند عالم جل و علا روز قیامت به ایشان نظر نخواهد فرمود اول عاق والدین، دوم کسی که چون بر دیگری احسانی کند، بسیار بر او منت بگذارد، سوم کسی که قضا و قدر را دروغ بداند، چهارم کسی که هروقت شراب گیرش بیاید بخورد.

و از سعد بن زیاد علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که سه طایفه اند که داخل بهشت نخواهند شد اول عاق والدین، دوم مدمن خمر یعنی کسی که هروقت شراب گیرش بیاید میخورد، سوم کسی که چون عمل خیری را انجام دهد، بسیار منت بگذارد.

و از فضیل بن یسار علیهما الرحمة از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که شراب بخورد و مست شود، تا چهل روز نمازش قبول نشود و اگر نماز را ترک کند، در آن ایام عذابش بواسطه ترک نماز، مضاعف شود. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مدمن خمر کسی نیست که هر روز بخورد، بلکه آن کسی است که چون بیابد آن را بخورد.

فصل چهارم

در مدم و فضیلت ترک شرب خمر

بسم الله وله الحمد.

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که به علی علیه السلام میفرماید یا علی کسیکه شراب را ترک کند برای غیر خدا، از شراب خالص که مهری از مشک بر ظرفهای آن نهاده شده باشد عوض کل به او خواهد چشاند. عرض کرد برای غیر خدا؛ فرمود: بلی والله ترک کند آنرا برای حفظ نفس خود پس خدا شکر کند او را بواسطه آن ترک.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که ترک کند شرب خمر را برای غیر خدا، بیاشاماند به او از شراب خالص که ظرف آن مختوم باشد به مشک. راوی عرض میکند برای غیر خدا؛ میفرماید بلی برای حفظ نفس خود و نیز میفرماید کسیکه ترک کند شرب خمر را برای حفظ جان خود، خدا از رحیق مختوم به او خواهد چشاند.

فصل پنجم

در اقسام خمر و اینکه هر مسکری خمر و حرام است

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده نوشیدنی که عاقب آن، عاقبت خمر باشد حرام است.

و از جناب فاطمه علیها الصلوٰۃ والسلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هر مسکری خمر و حرام است. از جناب علی بن یقطین علیه الرحمة از جناب ابی الحسن علیه الصلوٰۃ والسلام روایت شده که خدای عزوجل خمر را برای اسمش حرام نفرموده، بلکه بواسطه عاقبت آن، یعنی ضررش حرام فرموده؛ پس هرچه عاقبت آن، عاقبت خمر باشد، پس او خمر است.

و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوٰۃ والسلام روایت شده که خمر از شش چیز درست میشود؛ از خرما و کشمش و گندم و جو و عسل و ذرت.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خمر از شش چیز تهیه میشود؛ از خرما و از انگور و از کشمش و از عسل و از گندم و از جو.

و از آن جناب نیز روایت شده که آگاه باشید ای مردم من نهی میکنم شما را از هر مسکری.

فصل ششم

در اینکه هرچیزی که بسیار آن مسکر باشد کم آن هم حرام است اگرچه مسکر نباشد

بسم الله وله الحمد.

از کتاب فقه الرضا علیه الصلوة والسلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هرآشامیدنی که عقل بواسطه آن تغییر کند، زیاد آن و کم آن حرام است.

از کتاب دعائم از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله حرام فرموده مسکر را از هر نوشیدنی که باشد و آنچه را که رسول خدا حرام کرده خدا نیز حرام فرموده و هر مسکری حرام است و آنچه زیادش سکرآور باشد، پس کم آن نیز حرام است.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده آنچه که زیاده مسکر باشد، پس یک جرعه آن هم حرام است.

و از حضرت باقر علیه _ الصلوة والسلام راجع به قول خدای تعالی انما الخمر و المیسر... میفرماید: اما خمر، پس هر مسکری از نوشیدنی که شخص را خمار کند، پس او خمر است آنچه زیاده مسکر باشد پس کم آن هم حرام است الی غیر ذلک من الاخبار.

فصل هفتم

در ذکر بعضی از نتایج و مفاسد شرب خمر

بسم الله وله الحمد. از اسماعیل بن یسار روایت شده که مردی از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام سؤال کرد که آیا خوردن شراب بدتر است یا ترک نماز؛ فرمود: خوردن شراب؛ بعد فرمود: آیا میدانی چرا شرب خمر بدتر است از ترک نماز، برای اینکه شارب خمر حالتی پیدا میکند که در آن حال پروردگار خود را نمیشناسد.

و از جناب مفضل بن عمر علیه الرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام سؤال کرد که چرا خدا شراب را حرام فرموده؛ فرمود: برای فعل و فساد آن، چه آنکه مدمن خمر، رعشه بر اندام او عارض میشود و نورانیتش میرود و مروتش خراب میشود و این

شراب او را وادار میکند بر ارتکاب محارم و ریختن خونها و مرتکب شدن زنا الحدیث.

و از کتاب احتجاج نقل شده که زندیقی از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد که چرا خدا شراب را حرام کرده و حال آنکه لذتی بهتر از آن نیست؛ فرمود: برای اینکه شراب ام الخبائث و رأس هر شری است، ساعتی بر شارب خمر میگذرد که عقلش سلب میشود، بطوریکه پروردگار خود را نمیشناسد و از هیچ معصیتی باک ندارد و آدم مست افسارش بدست شیطان است؛ اگر شیطان امر کند او را به سجده بتها، سجده میکند و میرود به هر راهی که شیطان او را ببرد.

فصل هشتم

در عدم جواز خوراندن شراب بکس دیگر

بسم الله وله الحمد. از عجلان بن صالح روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال میکند از دادن به بچه حضرت میفرماید نه؛ کسی که مسکری به بچه بدهد خدا از حمیم جهنم باو خواهد چشاند اگرچه پیامزد او را.

واز حضرت علی علیه السلام روایت شده که کراهت داشتند از اینکه به حیوان شراب داده شود.

واز حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خداوند عالم می فرماید کسیکه بیاشامد مسکری را، یا بیاشاماند به بچه ای که هنوز بعقل نیامده خواهم چشانید باو از آب حمیم، چه آمرزیده باشد یا معذب باشد. وکسیکه ترک کند شراب را برای رضای من داخل خواهم کرد او را دربهشت و خواهم چشانید باو از رحیق مختوم. ورفتار خواهم کنم باو مانند رفتار خود نسبت باولیاء خود.

واز کتاب جامع الاخبار از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که راجع به خمر میفرماید، آگاه باشید کسیکه بچشاند شراب را بکس دیگر، یهودی باشد آنکس یا نصرانی یا زن یا بچه یا غیر این ها پس بر اوست از وزر و وبال مانند وزر و وبال کسی که بیاشامد آن را.

واز ابی امامه علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خدای تعالی میفرماید، قسم بعزت خودم که احدی نیست که بچشاند ازخمر به بچه یا ضعیفی شربتی مگر آنکه بچشانم باو مثل آن را از صدید که چرک و خون یا چرکی رنگ خون داشته باشد در روز قیامت معذب باشد یا آمرزیده.

فصل نهم

در کیفیت رفتار مردم با شارب الخمر

بسم الله وله الحمد. از کتاب جامع الاخبار از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که با شارب الخمر مجالست نکنید و مریضهای آنها را عیادت نکنید و به تشییع جنازه شان حاضر نشوید و بر امواتشان نماز نخوانید چه آنکه ایشان سگهای اهل آتشند و نیز میفرماید مجاورت با یهود و نصاری بهتر است از مجاورت با شارب الخمر.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که سخن شارب الخمر را باور نکنید و با شارب الخمر ازدواج نکنید و هرگاه مریض شود به عیادتش نروید و چون بمیرد، تشییع جنازه اش نکنید و او را بر هیچ امانتی امین قرار ندهید.

پس کسیکه او را بر امانتی امین قرار دهد و آن امانت از بین برود، بر خدا نیست که عوض آنرا به شما بدهد یا اجری بواسطه آن به شما بدهد چه خدا فرموده ولا تؤتوا السفهاء اموالکم و کدام سفیه از شارب الخمر سفیه تر است.

و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که پیوسته بنده در سعه است از طرف خدا تا اینکه شراب بخورد. پس چون شراب خورد، خدا او را رسوا کند و شیطان صاحب اختیار و برادر و گوش و چشم و

دست و پای او شود و او را براند بسوی هر شری و بازدارد از هر
خیری.

مطلب دوم

در قمار است و در این مطلب دو فصل است

فصل اول

در حرمت بیع آلات آن و حرمت آنچه به ازای آن

گرفته میشود

بسم الله وله الحمد.

از جناب ابی بصیر علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که بیع شطرنج حرام است و خوردن ثمن و بهای آن سحت است، یعنی اکل آن حرام است و کسیکه بنشیند در جائیکه با آن بازی میکنند، پس به تحقیق که مهیا نموده برای خود جایگاهی در آتش و عیش و کیف او حسرت خواهد بود بر او در روز قیامت و از مجالست با این قوم پرهیز، چه آنکه این مجلس از مجالسی است که اهل آن در معرض سخط و غضب میباشند و در هر ساعت متوقع آن میباشند پس تو را هم با آنها فرا میگیرد.

و از ابی الجارود علیه الرحمة از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که در حدیثی میفرماید: اما خمر، پس هر مسکری از آشامیدنی و اما میسر پس نرد و شطرنج و هر اسباب قماری میسر است تا آنکه میفرماید تمام آنها خرید و فروش و بهره بردن از آنها از طرف خدا حرام و محرم است

و رجسی است از عمل شیطان و خدا خمر و میسر را قرین با بتها قرار داده.

فصل دوم

در حرمت قمار بازی و حرمت آنچه برده میشود

بسم الله وله الحمد. از اسحاق بن عمار علیهما الرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام از جوز و تخم مرغ که بچه ها قمار بازی میکنند پرسید؛ حضرت فرمود: از آن نخور چه آنکه آن حرام است. و از سکونی روایت شده که حضرت صادق علیه السلام نهی فرمود از خوردن جوزیکه بچه ها از قمار بازی بدست می آورند. و میفرمود که آن سحت است یعنی حلال نیست.

از کتاب عوالی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که بازی کننده به شطرنج مشرک است و سلام بر او معصیت است.

از حماد بن عیسی علیهما الرحمة روایت شده که مردی وارد شد بر حضرت ابی الحسن علیه السلام و عرض کرد فدایت شوم من مینشینم با قومیکه شطرنج بازی میکنند و من با آنها در آن کار شرکت نمیکنم لکن نظر میکنم. فرمود تو را چه کار به مجلسی که خدا به اهل آن مجلس نظر نمیفرماید.

و از زید شحام روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام از تفسیر قول خدای تعالی فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور حضرت فرمود: رجس از اوثان شطرنج است و قول زور، غنا و خوانندگی.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله نهی فرموده از بازی با نرد و شطرنج.

و از عبدالله بن مختار روایت شده از حضرت صادق علیه السلام از بازی کردن با شطرنج سؤال کرد، حضرت فرمود: مؤمن هرآنینه مشغول است از لعب و بازی یعنی کارهای دیگر دارد که به بازی نمیرسد.

مطلب سوم

در آلات لهو و در این مطلب چند فصل است

فصل اول

در حرمت خرید و فروش آن و حرمت آنچه به ازای آن گرفته

شود

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خدای تعالی مرا مبعوث فرموده برای اینکه هدایت و رحمت باشم برای همه ی جهانیان تا آنکه میفرماید: بدرستیکه خرید و فروش آلات قمار حرام است و آنچه به ازای آن گرفته میشود نیز حرام است.

فصل دوم

در حرمت استفاده از آلات لهو

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که در خانه اش بربط زده شود، چهل روز مسلط فرماید خدا شیطانی را بر تمام اعضا و جوارحش. چون چنین شود، حیا و شرم از او گرفته شود پس باک نخواهد داشت از آنچه بگوید و از آنچه بشنود.

نقل شده حضرت علی علیه السلام مردی را شنیدند که طنبور میزند. او را منع کردند و طنبورش را شکستند و او را وادار نمودند به توبه. پس توبه کرد. بعد فرمودند آیا میدانی که طنبور وقتیکه زده میشود چه

میگوید؛ گفت وصی رسول خدا بهتر میداند. فرمود: میگوید ستندم ستندم ایا صاحبی ستدخل جهنم ایا ضاری، یعنی زود است که پشیمان شوی زود است که پشیمان شوی ای صاحب من زود است که داخل جهنم شوی ای زننده من.

و از کتاب عوالی اللثالی از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که ملائکه داخل نمیشوند در خانه ای که در آن خانه خمر یا دف یا طنبور یا نردی باشد و دعای اهل آن خانه مستجاب نشود و برکت از آنها برطرف شود.

فصل سوم

در حرمت گوش دادن به صدای آلات لهو

بسم الله وله الحمد. از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام روایت شده که گوش دادن به صدای اوتار که یکی از آلات لهو و لعب است، از گناهان کبیره است.

و روایت شده که مردی از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود از شنیدن غناء و خوانندگی. حضرت نهی کردند و این آیه را تلاوت نمودند ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا یعنی گوش و چشم و قلب مورد بازخواست واقع میشود؛ بعد فرمود: گوش سؤال کرده

میشود از آنچه شنیده و قلب از آنچه عقیده به آن پیدا کرده و چشم از آنچه دیده.

و از حضرت صادق از آباء گرامش از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که یا علی(ع) سه چیز است که قلب را قسی میکند گوش دادن به آواز لهُو و دنبال صید رفتن و در خانه سلاطین رفتن.

و از عتبه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که استماع لهُو و غنا میرویانند نفاق را کما اینکه آب میرویانند زراعت را یعنی موجب نفاق میشود. و از یاسر علیه الرحمة از حضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام روایت شده که در بهشت درختی هست که خدای عزوجل امر میفرماید باد را که آن درخت را به حرکت در بیاورد پس از آن درخت صدای خوشی شنیده شود که مانند آن شنیده نشده باشد. هرکس که در دنیا از شنیدن غناء خودداری کرده باشد، آن صدا را میشنود و هرکس خودداری نکرده باشد، نمیشنود.

تخويف

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه السلام نقل شده کسانی که بواسطه گناهان میمیرند، بیشتر از کسانی میباشند که به اجلها میمیرند و کسانی که بواسطه کارها و گفتارهای خوب زندگانی میکنند، بیشتر از کسانی هستند که به عمرهایشان زندگی میکنند.

و از حفص مؤذن از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که از معاصی دوری کنید چه آنکه کسی که مرتکب معاصی شود، پس به تحقیق که مبالغه نموده در اسائه و بدی نسبت به خود و بین خوبی و بدی فاصله ای نیست پس برای اهل احسان در نزد پروردگارشان بهشت است و برای اهل اسائه نزد پروردگارشان آتش است.

و از نوف بکالی از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که دروغ میگوید کسی که گمان میکند خدا را شناخته و حال آنکه هر شب و روز بر معاصی خدا جریست.

و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که عجب از کسیکه از طعام خودداری میکند از ترس درد و الم چگونه از معاصی خودداری نمیکند از ترس آتش.

از جناب جابر علیه الرحمة از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه بنده صبح کند در معصیت خدا، اگر سواره باشد از خیل ابلیس است و اگر پیاده باشد، پس از رجاله او است.

و از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة _ والسلام روایت شده که خدا وحی فرمود بسوی داوود علیه السلام که بترسان و برحذر بدار اصحاب خود را از حب شهوات چه آنکه کسانی که قلوبشان علاقمند به

شهوات باشد، یعنی شهوت پرست باشند، دلهای آنها از من در حجاب باشد.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده در تفسیر قول خدای تعالی که فما اصبرهم علی النار یعنی چه چیز باعث شده ایشان را بر صبر بر آتش، میفرماید یعنی چه چیز وادار کرده بر فعل آنچه میدانند که آنها را میکشاند بسوی آتش.

از جناب ابی بصیر علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مرد چون مرتکب گناه شود، نکته سیاهی در قلبش پیدا شود، پس اگر توبه کرد آن نکته برطرف بشود و اگر بر گناهش افزود آن نکته سیاه زیاد شود تا غالب شود بر قلبش، چون چنین شد صاحب چنین قلبی هرگز رستگار نخواهد شد.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که مرتکب گناهی شود و خندان باشد، داخل آتش شود در حالتیکه گریان باشد.

و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که به جناب محمد بن مسلم علیهما الرحمة میفرماید کوچک مشمار البته حسنه ای را اینکه بجا آوری آن را چه آنکه آن را خواهی دید وقتیکه مسرور کند تو را و کوچک نشمار گناهی را که مرتکب شوی آن را زیرا که آن را خواهی دید هنگامیکه تو را بدحال میکند.

از کتاب تحف العقول از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که اطاعت کند هوی و هوس خود را پس به تحقیقکه اطاعت نموده دشمن خود را. و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که سبب فساد و تباه شدن دین، همانا هوی و هوس است.

و نیز از آن حضرت روایت شده که خدای تبارک و تعالی چهار چیز را در چهار چیز مخفی و پنهان قرار داده رضا و خوشنودی خود را در طاعتش پس کوچک نشمار چیزی از طاعتش را بسا باشد که رضای او در آن باشد و تو ندانی و مخفی قرار داده سخط خود را در معصیتش پس کوچک مشمار چیزی از معصیتش را چه بسا که سخطش در آن باشد و تو ندانی و اجابت خود را در دعایش پس کوچک مشمار چیزی از دعایش را چه بسا آنکه اجابتش در آن باشد و ولی خود را در میان بندگان، پس هیچ بنده ای از بندگان را حقیر مشمار چه بسا همان بنده ولی خدا باشد و تو ندانی.

تشویق

بسم الله وله الحمد.

از کتاب فقه الرضا علیه و علی آباءه و ابنائه الصلوة_ والسلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله یکی از اصحاب خود را دید که از جهاد برگشته درحالتیکه غبارآلود و رنگش تغییر نموده به طرف

منزلش میرود. حضرت به او فرمود: از جهاد کوچکتر برگشته ای بسوی جهاد بزرگتر، عرض کرد آیا جهادی بالاتر از رفتن دم شمشیرها هست؛ فرمود: بلی جهاد شخص با نفس خود.

مؤلف گوید جهاد در راه خدا یکی از مصادیق جهاد با نفس است. و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که جهاد با نفس ثمن و بهای بهشت است، هرکس با نفس خود جهاد کرد مالک بهشت میشود و بهشت با ارزش ترین ثواب خدا است برای کسیکه بشناسد آن را.

و از جناب ابی القاسم کوفی در کتاب اخلاق روایت شده که حضرت عیسی بن مریم علی نبینا وآله و علیهما الصلوة والسلام به حواریین فرمود: یا معشر الحواریین بدرستیکه شما درک نخواهید کرد آنچه را که آرزو دارید مگر به صبر کردن بر آنچه کراهت دارید از آن و نمیرسید به آنچه میخواهید مگر به ترک آنچه میخواهید.

و از دیلمی علیه الرحمة در کتاب ارشاد از حضرت علی علیه السلام روایت شده که ما یافتیم صبر بر طاعت خدا را آسان تر از صبر بر عذاب او و نیز میفرماید صبر کنید بر عملی که از ثواب آن بی نیاز نیستند و صبر کنید یعنی خودداری کنید از عملی که طاقت بر عقاب آن ندارید.

و از شیخ مفید علیه الرحمة در امالی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چه بسا صبر یک ساعت که خوشنودی طولانی پشت سر دارد. و چه بسا لذت یک ساعت که باعث حزن طولانی میشود.

و از کراچکی علیه الرحمة در کنزالفوائد از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که یک خصلت است که هرکس دارای آن باشد، دنیا و آخرت مطیع او خواهد بود و به بهشت فائز خواهد شد. عرض کردند که این خصلت چیست؛ فرمود: تقوی و پرهیزگاری کسی که میخواهد عزیزترین مردم باشد پس باید تقوی داشته باشد. و روایت شده که خدای تبارک و تعالی وحی فرمود بسوی موسی بن عمران علی نبینا وآله و علیهما الصلوة والسلام که تقرب نمیجویند بسوی من تقرب جویندگان به مثل ورع از محارم و معاصی من.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که ثابت ماندن ایمان به ورع است و زوال آن به طمع. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خدای عزوجل میفرماید یابن آدم اطاعت کن مرا در آنچه امر کرده ام تو را به آن و به من یاد مده آنچه را که صلاح است در آن است و نیز از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که حقتعالی میفرماید هر بنده ای که اطاعت کند مرا او را به غیر خود وانمیگذارم و هر بنده ای که مرا

معصیت کند، او را به خودش واگذار میکنم بعد باک ندارم که در چه وادی هلاک شود.

و از جناب شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب عیون و محاسن نقل شده که مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام آمده عرض نمود:-

یابن رسول الله (ص) مرا وصیت و سفارشی بفرما، فرمود: خدا تو را مفقود نبیند در جائیکه امر فرموده تو را و تو را نبیند در جائیکه نهی فرموده تو را. یعنی واجبات را مطابق دستور بجا بیاور و محرمات را ترک کن. عرض کرد زیاد بفرما، فرمود: غیر این نمی یابم.

و از حضرت صادق از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که معصیتی را به واسطه ترس از خدا ترک نماید، خدا در روز قیامت او را خوشنود خواهد فرمود.

و نیز از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که از امت من از چهار خصلت سالم بماند، پس برای او خواهد بود بهشت. اول دخول در دنیا، دوم متابعت هوی و هوس، سوم و چهارم شهوت شکم و فرج. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که دین محفوظ نمیماند مگر به معصیت و مخالفت هوی و هوس.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که مادرها چهارند، مادر دواها، مادر ادبها و مادر عبادتها و مادر امانی و آرزوها. اما مادر تمام

دواها کم خوردن است و مادر تمام ادبها کم حرفی است و مادر تمام عبادتها کمی گناه است و مادر تمام آرزوها صبر است.

ارشاد

از کتاب جعفریات مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که برای هر دردی دوائی است و دوائی گناهان، استغفار و آمرزش است چه آنکه طلب آمرزش گناهان را محو و نابود میکند. بدانکه سه چیز است که موجب میشود مغفرت و عفو پروردگار جل و علا را، اول توبه و استغفار.

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده خوشا بحال کسیکه یافت شود در نامه عملش زیر هر گناهی استغفرالله. و نیز میفرماید خوشا به حال کسیکه طلب آمرزش کند از خدا برای گناهی که مرتکب شده و غیر خدا کسی مطلع نشده بر آن. مثل استغفار بعد از گناه، مثل آب است که ریخته شود بر آتش پس خاموش کند آن را.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه بنده بسیار استغفار و طلب آمرزش نماید، نامه عمل او بالا میرود در حالتیکه متلاء و نورافشان باشد و خداوند عالم جل و علا در کلام مجید خود میفرماید و کسی که کار یا گفتار بدی از او صادر شود یا ظلم بر خود

کرده باشد، بعد از خدا طلب آمرزش نماید، خواهد یافت خدا را غفور و رحیم.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هرگاه بنده توبه کند، خدا به فراموشی می اندازد حافظین اعمال او را از آنچه میدانند از اعمال بد او و به زمین و اعضاء و جوارح او گفته میشود که کتمان کنید بر او مساوی و بدیهای او را و ابدأ بر او ظاهر نکنید.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که هرگاه سیئه و گناهی از تو صادر شد، عجله کن در نابود کردن آن بتوبه. و نیز از آن حضرت علیه الصلوة والسلام روایت شده که توبه عبارت است از پشیمانی به قلب و طلب آمرزش به زبان و ترک گناهی که از آن توبه میکند و تصمیم گرفتن بر باز نگشتن به آن گناه.

دوم از موجبات نابود شدن گناهان، بجا آوردن حسنه است بعد از گناه.

از جناب محمد بن مسلم علیهما الرحمة از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که چقدر نیکو است حسنات بعد از سیئات و چه قبیح است سیئات بعد از حسنات. و از جناب ابی ذر علیهما الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هر جا هستی از خدا

بپرهیز و با مردم به حسن خلق رفتار کن و هرگاه گناهی مرتکب شدی، بعد از آن حسنه ای بجا بیاور که آن گناه را محو و نابود کند.

و از معصوم علیه السلام روایت شده که گناه، گناه را محو نمیکند و لکن حسنه گناه را محو میکند.

و روایت شده که خداوند عالم وحی فرمود بسوی جناب موسی علی نبینا و آله وعلیه الصلوٰة والسلام یا موسی سیاهی و تاریکی شب را روز محو میکند، همینطور سیئه و گناه را حسنه محو میکند و ظلمت و تاریکی شب، روشنائی روز را از بین میبرد همین جور سیئه وارد میشود بر حسنه و آن را سیاه میکند.

و از حضرت صادق از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که هم و غمی نیست مگر آنکه برای آن فرجی هست، مگر هم و غم اهل آتش، هرگاه گناه کردی پس پشت سر آن حسنه ای بجا آور که به سرعت آن را محو و نابود میکند.

سوم از چیزهایی که موجب عفو و گذشت پروردگار جل و علا میشود علم به این است که خدا حق دارد که عذاب کند و حق دارد که عفو بفرماید.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که گناهی کند، پس بداند که خدا مطلع است بر آن، اگر بخواهد عذاب میکند او را و اگر بخواهد می‌آمرزد او را، خدا او را می‌آمرزد اگرچه طلب آمرزش نکند. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که جبرئیل علیه السلام گفت که خدای عزوجل میفرماید کسی که گناهی مرتکب شود، چه آن گناه کوچک باشد و چه بزرگ و بداند که برای من است که او را عذاب کنم یا عفو کنم از او عفو خواهم کرد از او و کسی که گناهی کند چه کوچک باشد و چه بزرگ و نداند که برای من است اینکه عذاب کنم او را یا عفو کنم نخواهم آمرزید آن گناه را برای او.

و از وهب منیه روایت شده که در زبور داوود علیه السلام است که یا داوود بشنو از من آنچه را که میگویم و حق میگویم کسی که بیاید مرا در حالتیکه از گناهان خود شرمنده باشد آن گناه را می‌آمرزم برای او و حفظه اعمال را به فراموشی می‌اندازم از آن گناهان.

مقصد پنجم

در اموری که رعایت آن در معاملات واجب یا مستحب است

و در این مقصد دو مطلب است

مطلب اول

در بیان آنچه رعایتش واجب است و در این مطلب

چند فصل است

فصل اول

در عقل و بلوغ و رشد

از حلبی علیه الرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال میکند از زنی که عقل خود را از دست داده آیا بیع و صدقه او جایز است حضرت میفرماید: نه.

و از عیص بن قاسم علیهما الرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال میکند از یتیمه یعنی دختر یتیم که چه وقت مال او را به خودش میتوان داد؛ فرمود: وقتی که بدانی مال را فاسد و ضایع نمیکند. و از جناب هشام از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که یتیمی یتیم، منقطع میشود به محتلم شدن و اگر محتلم شد ولیکن سفیه و ضعیف بود، ولیّ او مالش را برایش نگاه بدارد.

و در حدیثی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه پسر محتلم شد و به حد بلوغ رسید، لکن عقلی که وثوق و اطمینان به آن باشد نداشت، مالش را به او نمیتوان داد و از آن مال بطور متعارف انفاق میشود بر او.

و روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد از قول خدا تعالی فان آنستهم منهم رشدا فادفعوا اليهم اموالهم حضرت فرمود: ایناس رشد حفظ مال است.

فصل دوم

در حرمت بیع ربوی

بسم الله وله الحمد. از جناب محمد بن یعقوب از سعد بن ظریف علیهم الرحمة از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که خبیث ترین کسبها، کسب رباء است.

و از جناب قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که ربا بخورد، خدا شکم او را پر از آتش خواهد کرد بقدر آنچه از ربا خورده، پس اگر از ربا مالی بدست بیاورد، خدا عمل خیری را از او قبول نفرماید و پیوسته در لعنت خدا و ملائکه باشد مادامیکه از آن مال چیزی نزد او باشد.

و نیز از آن بزرگوار علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که خدا نماز پنج نفر را قبول نمیفرماید؛ بنده ای که از آقای خود بگریزد و زنی که شوهرش از او راضی نباشد و مدام خمر و عاق و آکل ربا.

از طبرسی علیه الرحمة در مجمع البیان از حضرت صادق از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که چون به آسمان بالا برده شدند، جمعی را دیدند که از گندگی شکمشان قادر بر حرکت نبودند از جناب جبرئیل علیه السلام سؤال کردند که این جماعت کیستند عرض نمود که اینها ربا خواران میباشند.

و از مجمع البیان نیز از حضرت علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله راجع به ربا پنج نفر را لعنت فرموده. اول کسی را که ربا میخورد، دوم کسی را که ربا میدهد، سوم و چهارم دو شاهد واقعه را، پنجم نویسنده واقعه را.

و از حضرت صادق از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که دهنده ربا و گیرنده آن و نویسنده و دو شاهد آن در گناه مساوی میباشند.

از حفص بن غیاث علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که ربا بر دو قسم است، یکی حلال و دیگری حرام. اما حلال، پس آن عبارتست از اینکه شخص قرض بدهد به کسی به منظور آنکه قرض

گیرنده یک چیزی زیادتَر بدهد بدون اینکه شرط کند پس اگر زیادتَر داد حلال است بر قرض دهنده لکن نزد خدا ثوابی ندارد برای قرض دادنش. و اما حرام در صورتی است که قرض دهنده شرط کند زیادتَی را. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که شخص مال به کسی بدهد به عنوان مضاربه و از منفعت مقدار معینی قرار بدهند یعنی مثلاً برجی پنجاه تومان، این پنجاه تومان ربا خواهد بود، بلکه باید به عنوان نصف یا ثلث منفعت مثلاً قرار بگذارند.

فصل سوم

در تفقه در احکام معاملات

بسم الله وله الحمد. از اصیغ بن نباته علیهما الرحمة روایت شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درحالتیکه بالای منبر بودند فرمود: ای معاشر تجار الفقه ثم المتجر الفقه ثم المتجر الفقه ثم المتجر و نیز از آن حضرت علیه السلام نقل شده که میفرمود البته نباید بنشیند در بازار مگر کسیکه خرید و فروش را بفهمد، یعنی به احکام آن آشنا باشد. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که میخواهد تجارت و کاسبی کند، باید تفقه کند در دین خود برای اینکه بواسطه تفقه، حلال را از حرام تشخیص بدهد.

نقل شده که مردی به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض نمود من خیال دارم مشغول کسب و تجارت شوم. حضرت فرمود: آیا در دین خود فقیه شده ای؛ عرض کرد بعداً تحصیل فقه خواهم نمود. حضرت فرمود: وای بر تو، اول فقه، بعد تجارت و کسب.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده کسی که تجارت کند بدون فقه، واقع میشود در شبهات.

فصل چهارم

در مذمت غش نمودن در معامله

بسم الله وله الحمد. از کتاب عقاب الاعمال مسنداً از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه در خرید و فروش با مسلمانی غش کند، پس از ما نیست و روز قیامت با یهود و نصاری محشور خواهد شد.

و از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله در بازار مدینه گذارشان به طعامی افتاد، پس بصاحبش گفتند طعام تو را نمیبینیم مگر طیب و پاکیزه و از قیمتش پرسیدند پس خدای عزوجل وحی فرمود بسوی آن حضرت که دست خود را میان طعام ببرد چون دست میان طعام بردند طعامی پست تر بیرون آمد. پس بصاحبش فرمود: تو را نمیبینم مگر آنکه جمع کرده ای بین خیانت و غش نسبت به مسلمانان.

و از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله بمردی که خرما میفروخت فرمود: یا فلان آیا ندانسته ای که از مسلمین نیست آنکسی که غش کند ایشان را.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که سؤال کرده شد از مخلوط کردن طعام خوب و بد را با هم؛ حضرت فرمود: آن غش است.

و از معصوم علیه السلام روایت شده که ملعونست آنکسی که غش کند
مسلمانی را یا فریب دهد او را یا مکر کند با او.
و از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده که از ما نیست
کسیکه مسلمانی را غش کند یا فریب دهد یا مکر کند با او.

فصل پنجم

در وجوب گرفتن و دادن حق و استحباب دادن زیادت و گرفتن کمتر و حرمت دادن کمتر و گرفتن زیادت

بسم الله وله الحمد.

خداوند عالم در کلام مجید خود میفرماید وای برای مطففین آن چنان کسانی که چون بکیل از مردم چیزی میگیرند، حق خود را بالتام میگیرند و چون بکیل یا وزن به مردم میدهند، کم میدهند. آیا این جماعت گمان ندارند که برای روز بزرگی مبعوث خواهند شد.

از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که درباره کیل نازل شده ویل للمطففین وویل قرار داده نشده برای احدی مگر آنکه کافر معرفی شده خدای تعالی میفرماید فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که به اهل کیل و وزن فرمود: شما متولی و متصدی دو امر شده اید که امت های پیش از شما بواسطه آن دو امر هلاک شدند و در روایت دیگر میفرماید بد رستیکه دو خصلت در شما می باشد که در آن دو خصلت هلاک شدند امت های قبل از شما؛ گفتند آن دو خصلت کدام است؛ فرمود: مکیال و میزان و نیز از آن بزرگوار روایت شده که فرمود ای جماعت تجار سرهای خود را بلند کنید پس به تحقیق که راه برای شما واضح و روشن گردیده شما در

روز قیامت فاجر مبعوث خواهید شد مگر آنکسی که سخن او صدق و راست باشد.

و نیز روایت شده که تاجر فاجر است و فاجر در آتش است مگر آن تاجری که حق بگیرد و حق بدهد و روایت شده کسیکه ترازو بدست بگیرد و قصدش این باشد که حق را بدهد نخواهد داد مگر ناقص.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که حق داده نمیشود مگر بزیادتر دادن. مؤلف گوید که چون نوعاً نمیشود که نه کم بدهد و نه زیاد و همچنین نمیشود که نه زیاد بگیرد و نه کم، پس باید در گرفتن کم بگیرد و در دادن زیاد بدهد تا یقین کند که کم نداده و زیاد نگرفته.

فصل ششم

در مذمت چهار خصلت در مقام خرید و فروش

اول قسم خوردن ولو بر راستی باشد، دوم کتمان و پنهان کردن عیب، سوم و چهارم تعریف هنگام فروختن و مذمت هنگام خریدن. از ابی امامه علیهما الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که چهار خصلت است که هر کس دارای آن باشد، تجارت و کسبش طیب و پاکیزه خواهد بود. اول آنکه چون میخواهد چیزی را بخرد، مذمت نکند. دوم هرگاه چیزی را میخواهد بفروشد، تعریف نکند. سوم تدلیس نکند. چهارم در بین معامله قسم نخورد.

و از حضرت صادق از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده کسیکه میخواهد خرید و فروش کند، باید پنج خصلت را رعایت کند، والا البته متصدی خرید و فروش نشود. اول آنکه از بیع ربوی خودداری کند. دوم از قسم خوردن، سوم از کتمان عیب، چهارم از مدح و تعریف هنگام فروختن، پنجم وقت خریدن مذمت کردن.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده بد رستیکه خدا هر آینه دشمن میدارد آنکسی را که متاع خود را بوسیله قسم بفروش برساند. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که چهار نفرند که خدا تعالی آنها را دشمن میدارد اول کسی که جنس خود را با قسم

بفروش برساند. دوم فقیر متکبر، سوم پیرمرد زناکار، چهارم پیشوای جورکننده.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که در مقام بیع و شری از قسم خوردن پرهیزید چه قسم متاع شما را بفروش میرساند لکن برکت را از بین میبرد.

از احمد بن محمد بن یحیٰ علیهم الرحمة روایت شده که بعضی از دوستان اراده کرده بود که برای تجارت بیرون رود، پس گفت بیرون نمیروم تا آنکه خدمت حضرت صادق علیه السلام برسم و بر او سلام کنم و در این امری که قصدش را دارم با آن حضرت مشورت کنم و از او بخواهم که برای من دعا کند. پس خدمت آن حضرت رفته، عرض کرد یا بن رسول الله (ص) من عازم که برای تجارت بیرون روم و من قسم خورده ام که بیرون نروم تا شما را ملاقات کنم و با شما مشورت نمایم و از شما بخواهم که برای من دعا کنید. پس حضرت برای او دعا کرده فرمود: بر تو باد براست گوئی و اگر عیبی در مال التجاره ات باشد، کتمان نکن و کسی را که بتو اطمینان دارد، مغبون نکن، چه آنکه مغبون کردن چنین کسی حلال نیست و میپسند برای مردم مگر آنچه را که برای خود میپسندی و حق بده و حق بگیر و قسم مخور و خیانت نکن چه آنکه تاجر درست کردار و درست گفتار محشور خواهد شد در روز قیامت با

ملائکه ای که از معصیت پاک و سفیرند بین خداتعالی و انبیاء علیهم السلام، و از قسم خوردن خودداری کن چه یمین فاجره صاحبش را جهنمی میکند و تاجر، فاجر است مگر آن تاجری که حق بدهد و حق بگیرد.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مغبون کردن مؤمن حرام است و نیز میفرماید مغبون کردن کسی که بتو خاطر جمع است به منزله ربا است.

مطلب دوم

**در اموری که سزاوار است مراعات آن در معاملات و در این
مطلب چند فصل است**

فصل اول

**در مدح و فضیلت اقاله نادم یعنی اگر یکی از دو طرف
معامله پشیمان شود، آن دیگری فسخ معامله
را قبول کند**

بسم الله وله الحمد. از رسول خداتعالی صلی الله علیه وآله نقل شده که به حکیم بن حزام اجازه تجارت نداد تا آنکه ضامن شد سه چیز را. اول اقاله نادم، دوم مهلت دادن کسی را که معسر است و نمیتواند طلبش را بدهد، سوم اخذ حق کاملاً یا غیرکامل.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که اقاله کند نادمی را در خرید یا فروشی، اقاله خواهد فرمود خداتعالی لغزشی از لغزشهای او را روز قیامت.

از سماعة بن مهران علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چهار نفرند که خداتعالی روز قیامت نظر خواهد فرمود بسوی ایشان یعنی مورد توجه حق تعالی واقع خواهند شد. اول کسی که اقاله کند نادمی را، دوم کسی که به فریاد درمانده ای برسد، سوم کسی که غلام یا کنیزی را آزاد کند، چهارم کسی که عزبی را داماد کند.

فصل دوم

در مدح و فضیلت سهولت و آسانی در چهار امر، در خرید و فروش و دادن طلب مردم و گرفتن طلب خود از مردم یعنی در این چهار امر سخت گیری نکردن و سهولت و آسانی را کار فرمودن

بسم الله وله الحمد.

از حضرت علی از رسول خدا صلی الله علیه و آلهما روایت شده که
مسامحه نمودن در معامله، ربح و نفع می آورد.

و از حضرت صادق از رسول خدا تعالی صلی الله علیه و آله روایت شده
که خداوند عالم جل و علا برکت می دهد به آنکسی که در مقاوم
خرید و فروش و دادن طلب مردم و گرفتن طلب خود از مردم به سهولت
و ملایمت رفتار کند. و نیز از رسول خدا تعالی صلی الله علیه و آله روایت
شده که خداوند عالم جل و علا دوست می دارد آن بنده ای را که در
خرید و فروش و دادن طلب و گرفتن آن به سهولت رفتار نماید.

و از جناب جابر علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت
شده که خدا می آمرزد آن مردی را که سهل باشد در بیع و شراء و دادن
طلب و گرفتن آن.

و از آن بزرگوار علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که خدا رحمت
کند آن بنده ای را که در اداء دین و گرفتن آن مسامحه کننده باشد.

فصل سوم

در مدح خرید و فروش جنس خوب

از عاصم بن حمید علیهما الرحمة روایت شده که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود چه شغل داری؛ گفتم طعام می فروشم. پس فرمود طعام خوب بخر چه آنکه طعام خوب را چون بفروشی گفته می شود به او خدا مبارک کند در تو و در کسیکه تو را فروخته و نیز از آن حضرت روایت شده که در جید یعنی خوبی دو دعاء است و در ردی یعنی بد نیز دو دعا است. گفته می شود به صاحب جید خدا برکت دهد در تو و در کسی که تو را فروخته و برای صاحب ردی گفته میشود برکت ندهد خدا در تو و در کسی که فروخته تو را.

فصل چهارم

در مذمت درخواست کم کردن از ثمن بعد از

تمام شدن معامله

بسم الله وله الحمد. از ابراهیم کرخی روایت شده که جاریه یعنی کنیزی برای حضرت صادق علیه السلام خریدم. وقتی که خواستم پولش را بدهم، درخواست کردم قدری از پولش را کم کند. حضرت فرمود: رسول خدا نهی فرموده طلب کم کردن بعد از انجام گرفتن معامله.

و از زیدشحام علیه الرحمة روایت شده که کنیزی عرضه داشتیم بر حضرت باقر علیه السلام، پس در قیمتش با یکدیگر گفتگو کردیم، بعد فروختم به آن حضرت، بعد گفتم فدایت شوم جهت اینکه من در قیمتش با شما گفتگو کردم میخواستم ببینم آیا چونه زدن در معامله جایز است یا روا نیست و گفتم ده دینار برای شما کم کردم. فرمود: هیئات این کار قبل از تمام شدن معامله عیبی ندارد اما بعد از آن روا نیست، مگر به تو نرسیده فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وآله که کم نمودن از ثمن پیش از تمام شدن معامله است.

و روایت شده که حضرت علی علیه السلام از یک پسر پیراهنی خریدند به سه درهم. پس چون پدرش آمد به او گفتند پسرت پیراهنی به علی (ع) فروخت. آن مرد یک درهم از پسر خود پس گرفته، آورد خدمت علی علیه السلام و گفت این درهم را بگیر، فرمود: چرا، عرض کرد آن پیراهن قیمتش دو درهم است. فرمود: به همان سه درهم هردومان راضی شده ایم و حضرت آن درهم را نگرفت.

فصل پنجم

در مدح طلب روزی کم و مذمت کم شمردن آن

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صَلَّی الله علیه وآله روایت شده که یک اسباب هیزم کنی به مردی از انصار دادند و به او گفتند برو هیزم بکن و حقیر مشمار خاری را و نه تری و نه خشکی را. و از جناب اسحق بن عمارعلیهما_ الرحمة از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که طلب روزی کم داعی میشود بسوی جلب روزی بسیار. روایت شده که مردی آمد نزد اسحق بن عمارعلیهماالرحمة در موقعیکه در دکان خود را بسته بود یک دینار غله میخواست. اسحق در دکان خود را باز کرده غله به او داد. راوی میگوید من به اسحق گفتم تو مردی هستی که کشتی تجارتی هزارهزار درهم برایت می آورند استفاده این معامله چه سودی داشت یعنی که در دکان بسته خود را باز کردی؛ گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم کسیکه حقیر بشمرد روزی کم را، از روزی بسیار محروم میشود.

و از حسین جمال نقل شده یک روزی نزد اسحق بن عمار بودم، سر کیسه خود را بسته بود و میخواست برخیزد برود پس مردی آمده میخواست یک دینار خود را با درهم عوض کند. پس اسحق سرکیسه را

بازنموده درهم داد به آن مرد و دینار را گرفت. پس گفتم سبحان الله استفاده این معامله چقدر بود که این زحمت را به خود دادی؛ گفت این معامله را برای استفاده نکردم ولیکن از حضرت صادق علیه السلام شنیدم کسیکه کم بشمرد قلیل از رزق را، از کثیر آن محروم می شود.

فصل ششم

در مدح مبادرت و مسارعت بسوی اداء نماز و نحو آن از فرائض و واجبات و عدم مشغول شدن از آنها به کسب و تجارت یا غرس و زراعت

بسم الله وله الحمد. خداوند متعال در مدح یکدسته ای میفرماید این جماعت مردانی هستند که غافل نمیکند ایشان را تجارتی و نه بیعی از یاد خدا و بیادداشتن نماز و دادن زکوة، میترسند از روزی که قلبها و دلها از وحشت منقلب است برای آنکه جزا بدهد خدا ایشان را نیکوتر از آنچه عمل کرده اند و زیاد بفرماید ایشان را از فضل خود و خدا روزی میدهد هر که را بخواهد به غیر حساب و گفته شده که در حدیث وارد شده که روز قیامت مردی را که مال از حلال بدست آورده و در حلال خرج کرده پس گفته میشود به او که توقف کن شاید که تفریط در چیزی از آنچه واجب نموده ام بر تو از نماز که آنرا در وقتش نخوانده باشی یا رکوع و سجود و وضوی آن را درست بجا نیاورده باشی عرض کند پروردگارا از حلال کسب نمودم و در حلال خرج کردم و چیزی را از آنچه بر من واجب فرموده بودی ضایع نکردم الحدیث.

و از قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب روایت شده که زنی چیزی برای رسول خدا (ص) آورده گفت این را قبول بفرما که حلال است چه آنکه آن را از زحمت کشی بدست آورده ام. حضرت فرمود:

که وقتی شده که مشغول کار باشی و اندکی از کارت مانده باشد با خود بگوئی که کارم تمام شود وضوء گرفته نماز میخوانم عرض کرد چرا همچو اتفاقی می افتد. حضرت فرمود: پس طوری که گفتی نیست یعنی اینکه از حلال بدست آورده ام.

فصل هفتم

در مدح اکتفا نمودن به منفعت اندک و مذمت بی

انصافی و اجاف

بسم الله وله الحمد. از کتاب فقه الرضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که روایت شده که ربح مؤمن بر برادرش رباء است مگر آنکه چیزی بخرد به بیشتر از صد درهم، پس فروشنده به اندازه مایحتاج روزش منفعت بردارد یا برای فروش بخرد پس منفعت بردارد منفعت خفیف و سبکی. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه شخص به کسی بگوید بیا که من به نیکوئی با تو معامله میکنم در این صورت منفعت گرفتن از او حرام است.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مصادف را طلبیده هزار دینار به او داد و فرمود مهیا شو برای بیرون رفتن بسوی مصر چه آنکه عیال من زیاد شده اند پس مصادف با آن هزار دینار متاعی خرید و با تجار روانه مصر شد. چون نزدیک مصر رسیدند قافله ای از مصر بیرون آمد پس تجار از ایشان راجع به متاعی که داشتند پرسیدند که حالش در شهر چگونه است، گفتند در شهر پیدا نمیشود و آن متاع محل ابتلای عامه مردم بود پس چون فهمیدند که متاعشان در شهر پیدا نمیشود با هم قرار گذاشتند که از دو برابر کمتر بفروشند و بر آن قسم یاد کردند پس وارد شهر شده متاع خود را فروخته پولش را گرفتند و برگشتند بسوی

مدینه. پس مصادف خدمت حضرت رسیده با دو کیسه که در هر یک هزار دینار بود پس گفت فدایت شوم این دو کیسه یک کدام راس المال است و دیگری ربح و منفعت. پس حضرت فرمود: این ربح زیاد است چگونه شد که این قدر منفعت کردید؛ پس مصادف قضیه را نقل کرد. پس حضرت فرمود: سبحان الله قسم میخورید بر جماعت مسلمین که متاع خود را نفروشید به ایشان مگر به دو برابر، پس یک کیسه را گرفت و فرمود این راس المال من و به آن کیسه دیگر حاجت ندارم. بعد فرمود: یا مصادف دم شمشیر رفتن آسانتر است از طلب حلال.

فصل هشتم

در فضیلت یاد خدا هنگام داخل شدن در بازار

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه الصلوة والسلام نقل شده که بسیار یاد کنید خدای عزوجل را هنگام دخول در بازار و در نزد اشتغال مردم بکار و کسب خود چه آنکه بسیار یاد خدا نمودن در چنین موقعی کفاره است برای گناهان و باعث زیادتی حسنات و از جمله غافلین، نوشته نخواهید شد.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که بدترین بقعه های زمین، بازارها میباشد و این بازارها میدان شیطان است و بهترین بقعه های زمین مساجد است و دوست ترین اهل مسجد، آن کسی است که اول داخل مسجد شود و در آخر بیرون رود.

و نیز از آن بزرگوار روایت شده که از جبرئیل علیه السلام از دوست ترین بقعه ها بسوی خدای متعال سؤال نمود، جبرئیل عرض نمود دوست ترین بقعه ها بسوی خدا مساجد است و دشمن ترین آن بسوی خدا بازارها است. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسیکه خدا را یاد کند در بازارها، خدا بیامرزد برای او بعدد اهل بازارها.

و از آن حضرت علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده کسی که وقت داخل شدن در بازار بگوید بسم الله آمرزیده میشود برای او و نیز

میفرماید کسی که یاد کند خدای عزوجل را در بازار از روی اخلاص، در نزد غفلت مردم و اشتغالشان به کسب و کار مینویسد خدا برای او هزار حسنه و بیامرزد برای او آمرزشی که به قلب هیچ بشری خطور نکرده باشد.

باب دوم **در کیفیت خرج کردن مال و نحوه انفاق آن و در این** **باب دو مقصد است**

مقصد اول **در انفاقات واجبه و در آن چند مطلب است**

مطلب اول **در مدح جود و سخاوت و ذم بخل و لئامت و تفسیر آن و در این** **مطلب چند فصل است**

فصل اول **در مدح جود و فضیلت آن**

بسم الله و له الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که چهار چیز برای چهار چیز خلق شده نه برای چهار چیز. اول مال برای انفاق نه برای امساک، دوم علم برای عمل نه برای مجادله، سوم بنده برای عبادت نه برای خوش گذرانی، چهارم دنیا برای عبرت گرفتن نه برای آبادکردن و در حدیث قدسی روایت شده که ای عیسی آیا میخواهی با ملائکه مقربین بر آسمان پرواز کنی پس در شفقت و مهربانی مانند خورشید باش و در پرده پوشی مانند شب و در تواضع مانند زمین و در حلم و بردباری مانند میت و در سخاوت مانند نهر جاری.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که اول چیزی که در میزان گذاشته میشود حسن خلق و تواضع است و چون خدای عزوجل ایمان را خلق فرمود عرض کرد خدایا قوی بگردان مرا پس قوی گردانید او را به حسن خلق و سخاوت.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود آدم سخی نزدیک است به خدا، نزدیک است به مردم، نزدیک است به بهشت، دور است از آتش و بخیل دور است از خدا، دور است از مردم، دور است از بهشت، نزدیک است به آتش.

و از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده که چون خدا بهشت را خلق فرمود عرض کرد پروردگارا مرا برای چه کسی خلق کرده ای. فرمود برای هر سخی و پرهیزگاری. و از ابن عباس از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود من ادیب خدایم و علی (ع) ادیب من، پروردگار من امر نموده مرا به سخاوت و نیکی و نهی فرموده مرا از بخل و جفا و هیچ چیز نزد خدا مبعوض تر از بخل و سوء خلق نیست.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خدای تعالی اسلام را دین برای شما پسندیده پس نیکو کنید صحبت آن را به سخاوت و حسن خلق.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که سه چیز است که از ابواب بر است. سخاوت نفس و خوشی کلام و صبر بر اذیت.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که برای اهل بهشت چهار علامت است روی گشاده و زبان لطیف و قلب رحیم و دست دهنده.

و روایت شده که به رسول خدا گفته شد کدام یک از اخلاق حسنه افضل و بهتر است. فرمود: جود و راستگویی.

و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده است که جماعتی را که مستحق قتل بودند خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آوردند پس امر به قتل آنها فرمود و یک نفر را وا گذاشت، آن مرد گفت چگونه مرا از بین اینها وا گذاشتی، فرمود: جبرئیل علیه السلام مرا از طرف خدا تعالی خبر داد که در تو پنج خصلت می باشد که خدا و رسول، آن خصلتها را دوست میدارند یکی غیرت شدیده نسبت به حرمت، دیگر سخاوت، سوم صدق لسان، چهارم شجاعت، پنجم حسن خلق، آن مرد چون این مطلب را شنید، مسلمان شده اسلامش نیکو شد و در یکی از جنگها با رسول جنگ نمود جنگ شدیدی تا آنکه به درجه شهادت رسید.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که ایمان بنده کامل نمیشود تا آنکه چهار خصلت در او جمع شود. خلش نیکو شود و نفسش سخی

گردد و از حرفهای زیادی و بی فایده خودداری کند و زیادتی از مال خود را در راه خیر، خرج و صرف کند.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خوشا بحال کسی که خودش در نظر خودش، بی ارزش باشد و زیادی از مالش را انفاق کند و از حرفهای زیادی خودداری نماید.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خدای سبحانه و تعالی میفرماید این دین، دینی است که پسندیده ام آن را برای خود و اصلاح نمیکند آنرا مگر سخاوت و حسن خلق؛ پس گرامی بدارید آن را به این دو تا میتوانید.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مردی خدمت حضرت رسول_ صلی الله علیه وآله آمده گفت یا رسول الله (ص) کدامیک از مردم از حیث ایمان، افضل و بهترند، فرمود: آنکس که دستش بازتر باشد.

و از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده که خداوند عالم جل و علا بهشت را خلق فرموده که ثواب باشد برای دوستانش و فراگرفته اطراف آن را جود و کرم و آتش را خلق نموده برای دشمنانش و فراگرفته اطراف آنرا بخل و لثامت.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که گوسفندی در حجره عایشه ذبح نموده پس فقرای مدینه مطلع شدند و می آمدند نزد آن حضرت و گوشت طلب میکردند و حضرت میداد. چون شب شد از آن گوسفند به غیر از گردنش چیزی باقی نمانده بود. از عایشه پرسیدند که چقدر از گوشت باقی مانده، عایشه گفت: چیزی غیر از گردنش باقی نمانده، حضرت فرمود بگو تمامش باقی مانده غیر از گردنش.

و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که مال وزر و وبال است بر صاحبش مگر آنچه را که پیش از خود بفرستد و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خداوند عالم عزوجل این زیادی از مال را به شما عطا فرموده که در راهی که خواسته خرج کنید، عطا نفرموده که آن را گنج کنید یعنی ذخیره کنید.

و از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده کسیکه دست خود را باز کند به معروف هرگاه بیابد آنرا، خدا در دنیا عوض آن را به او میدهد و مضاعف میفرماید برای او در آخرتش.

فصل دوم

در مذمت بخل و ذخیره کردن مال

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هیچ چیز مانند بخل، ایمان را ضایع و نابود نمیکند و نیز از آنجناب (ص) روایت شده که قسم به آنکسی که جانم بید قدرت اوست که داخل بهشت نمیشود بخیل و نه عاق والدین و نه بسیار منت گذار به آنچه عطا میکند و نیز میفرماید خدای عزوجل حرام فرموده بهشت را بر بسیار منت گذار و بخیل و خبرکش.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که ندیدم چیزی را که ضررش به دین مسلمان از بخل بیشتر باشد.

از ابی سعید خدری علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده است که دو خصلت است که در مسلمان جمع نمیشود بخل و سوء خلق و نیز میفرماید ایمان و بخل هرگز در قلب مردی جمع نمیشود.

و از انس بن مالک از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده که سه چیز هلاک کننده است و سه چیز نجات دهنده، اما هلاک کننده ها یکی بخلی که اطاعت کرده شود، دوم هوی و هوسی که متابعت کرده شود، سوم عجب به نفس و اما نجات دهنده یکی خشیت و خوف از

خدا در علانیه و پنهانی، دوم میانه روی در حال غنی و فقر، سوم عدالت در حال رضا و غضب.

و نیز از آن حضرت علیه وآله الصلوة والسلام نقل شده که از شح و بخل دور باشید چه آنکه مردمان پیش از شما به واسطه آن هلاک شدند زیرا که همین بخل آنها را وادار میکرد به دروغ، پس دروغ میگفتند و وادار میکرد به ظلم، ظلم میکردند و وادار میکرد به قطع رحم، قطع میکردند.

و از حضرت علی از رسول خدا صلی الله علیهما وعلی آلهما از خداوند عالم جل و علا روایت شده که میفرماید انا الله لا اله الا انا قسم بعزت و جلال خودم که آدم لثیم داخل بهشت من نخواهد شد.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده پنج چیز است که همان طور است که میگویم: اول برای بخیل راحتی نیست و نه برای حسود لذتی و نه برای مملوک وفائی و نه برای دروغگو مروتی و شخص سفیه سیادت پیدا نمیکند.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله از خداوند عالم روایت شده که میفرماید هر بنده ای که خلق کنم او را پس هدایت کنم او را بسوی ایمان و خلقتش را نیکو کنم یعنی دارای حسن خلق باشد و مبتلا نکنم او را به بخل پس بدرستی که اراده کرده ام به او خیر را.

و نیز از آن جناب علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده اول کسی که داخل آتش میشود سه نفرند اول مسلطی که به عدالت رفتار نکند، دوم صاحب ثروتی که حق آن را ادا نکند، سوم فقیر فاجر. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که منع کند حق خدای عزوجل را و ندهد، دو برابر آن در باطل خرج خواهد کرد.

فصل سوم

در معنی و تفسیر بخل و سخاوت

بسم الله وله الحمد. از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام روایت شده که بخیل آن کسی است که بخل بورزد به آنچه خدا فرض و واجب فرموده بر او. و از عبدالاعلی بن اعین علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که بخیل آن کسی است که کسب کند مالی را از غیر حلال و انفاق کند آن را در غیر حقش.

و روایت شده که از علی علیه السلام از سخی سؤال نمودند، فرمود: آنکسی است که مال را از راه حلال به دست بیاورد و در راه حلال خرج کند. و از کتاب محاسن نقل شده که از حضرت صادق علیه السلام از سخاوت سؤال نمودند. حضرت فرمود: اینکه بیرون کنی از مال خودت

حقى را كه خدا بر تو واجب فرموده، پس بگذارى آن را در جاي خودش.

و از حضرت على عليه السلام روايت شده كه جواد آنكسى است كه ادا كند آنچه را كه خدا بر او فرض و واجب فرموده.

و از رسول خدا صلى الله عليه وآله روايت شده كسيكه ادا كند آنچه را كه خدا بر او فرض فرموده پس سخي ترين مردمان است.

و از حضرت صادق عليه السلام روايت شده كه سخاوت آن است كه چون بر مال حرام ظفر بيايد، دلش بار بدهد كه از آن بگذرد و چون مال حلالى گيرش بيايد، از روى ميل انفاق كند آن را در طاعت خداى عزوجل.

مطلب دوم

**در نفقه پدر و مادر و اجداد و جدات و اولاد و اولاد اولاد
هرچه پایین روند و نفقه زوجه و نفقه مملوک انسان باشد
یا حیوان و در این مطلب چند فصل است**

فصل اول

در مراتب انفاق

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده که هر معروفی و احسانی صدقه است و بهتر صدقه، آن صدقه ای است که از زیادتی امر معاش باشد و در احسان ابتدا کن به آن کسانی که عیال و نان خور تو هستند.

از انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که آیا خبر ندهم شما را به پنج دینار باحسن و افضل آن؛ عرض کردند چرا؛ فرمود: افضل از پنج دینار، آن دیناری است که انفاق کنی آنرا بر مادر خود و بهتر از چهار دینار، آن دیناری است که انفاق کنی آنرا بر پدرت و بهتر از سه دینار، آن دیناری است که انفاق کنی آنرا بر خود و اهل خود و بهتر از دو دینار، آن دیناری است که انفاق کنی آن را بر اقوام و خویشانت و پست تر و کم اجرتر آن دیناری است که انفاق کنی آن را در باقی راههای خیر.

از جناب محمد بن مسلم علیهما الرحمة روایت شده که مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام آمده گفت من ملکی دارم که درآمد آن در سال سه هزار درهم است، دوهزار درهم آنرا انفاق میکنم بر عیال خود و هزار درهم آن را صدقه میدهم، حضرت فرمود: اگر آن دوهزار درهم کفایت میکند ایشان را در جمیع آنچه احتیاج به آن دارند، کار خوبی میکنی.

و از ربیع بن یزید از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که دست بالا بهتر است از دست پائین، یعنی دست دهنده بهتر است از دست گیرنده.

فصل دوم

در نفقه زوجه و آباء و اجداد و امهات

و جدات و اولاد و احفاد

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که پنج طائفه اند که چیزی از زکوة به آنها داده نمیشود، پدر و مادر و فرزند و مملوک و زوجه برای آنکه این جماعت عیال شخصلند و نفقه شان بر او لازم است.

و از اسحاق بن عمار علیهما الرحمة روایت شده که از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام سؤال میکند چه کسی نفقه آن بر من لازم

است که از زکوة به آنها ندهم. میفرماید: پدرت و مادرت؛ عرض میکند پدر و مادرم؟ میفرماید والدین و ولد.

و از زید شحام علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که از زکوة به برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله داده میشود و به جد و جده داده نمیشود.

و از جناب محمد بن مسلم علیهما الرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال میکند که از اقرباء و خویشاوندان چه کسی نفقه اش بر شخص لازم است؛ میفرماید: والدین و ولد و زوجه و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که پنج نفرند که از زکوة به آنها داده نمیشود فرزند و والدین و زوجه و مملوک برای اینکه شخص مجبور است نفقه آنها را بدهد.

و از شهاب بن عبدربه روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال میکند از حق زوجه بر شوهرش، میفرماید او را سیر کند و بدنش را بپوشاند و صورتش را برای او قبیح نکند، یعنی صورتش را برای او در هم نکشد و هرگاه این سه مطلب را رعایت نمود، پس حق او را ادا نموده.

و از اسحق بن عمار علیهما الرحمة روایت شده که به حضرت صادق علیه السلام عرض میکند حق مرثة بر زوجش چیست که هرگاه بجا

آورد آنرا محسن و نیکوکار خواهد بود نسبت بزوجه اش. فرمود او را سیر کند و بدنش را بیوشاند و اگر نادانی از او سر زد او را عفو کند. و از جناب یونس بن عمار نقل شده که حضرت صادق علیه السلام کنیز فرزندش اسماعیل را بمن تزویج نمود و فرمود به او احسان کن. عرض میکند احسان چیست؛ میفرماید: شکمش را سیر کن، بدنش را بیوشان و گناهانش را ببخش.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که کفایت میکند در گناه کار بودن مرد اینکه ضایع بگذارد کسانی را که عیال او هستند. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که ملعونست، ملعونست کسیکه ضایع بگذارد عیال خود را.

فصل سوم

در احسان و نیکی به والدین یعنی پدر و مادر

از منصور بن حازم علیهماالرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام از افضل اعمال سؤال میکند، حضرت میفرماید: نماز در وقتش و بر والدین و جهاد در راه خدا. و از ابی القاسم کوفی در کتاب اخلاق از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که رضا و خوشنودی پروردگار، در خوشنودی پدر و مادر است و سخط خدا در سخط پدر و مادر.

و نیز از آنجناب(ص) روایت شده کسی که صبح کند در حالتی که پدر و مادر از او راضی باشند، دو در برای او بسوی بهشت باز میشود و اگر یکی از پدر و مادر باشد، یکدر گشوده میشود.

و از قطب راوندی از رسول خدا صَلَّی الله علیه وآله روایت شده کسی که دوست دارد عمرش از باقی مردم طولانی تر باشد، پس باید به والدینش نیکی کند و صله رحم بجا آورد و باید به همسایه اش احسان و نیکی نماید. از ابی_القاسم کوفی علیه الرحمة در کتاب اخلاق نقل شده که مردی به حضرت عیسی بن مریم علی نبینا وآله و علیهما الصلوة والسلام عرض نمود یا معلم الخیر مرا دلالت کن بر عمل خیری که به واسطه ی آن داخل بهشت شوم. فرمود: در پنهانی و آشکارا از خدا بپرهیز و نیکی کن به والدینت.

و از سبط طبرسی علیه الرحمة از کتاب محاسن از حضرت کاظم علیه السلام روایت شده که مردی از رسول خدا(ص) سؤال نمود که حق پدر بر پسر چیست؛ فرمود: او را به اسم یاد نکند و پیشاپیش او راه نرود و قبل از او نشیند و کاری نکند که به پدرش ناسزا بگویند.

و از ابن عباس علیهما الرحمة از رسول خدا صَلَّی الله علیه وآله روایت شده مردی نیست که نگاه کند به پدر و مادرش نظر رحمت آمیز مگر آنکه خدا برای او به هر نظری ثواب حج قبول شده ای مینویسد. گفته

شد یا رسول الله و اگرچه در روز صد مرتبه نگاه کند حضرت فرمود:
اگرچه در روز صد هزار مرتبه نگاه کند و از ابن شاذان قمی علیهما
الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود آیا
میدانید که کدام اتفاق در راه خدا افضل و بهتر است عرض کردند خدا و
رسولش بهتر میدانند، فرمود: اتفاق فرزند بر پدر و مادر.

فصل چهارم

در اسائه و بدی نسبت به پدر و مادر

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام نقل شده که پدرم یعنی علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام مردی را دیدند که میرفت و پسرش با او بود و پسر بر بازوی پدر تکیه کرده بود. حضرت ناراحت شدند از دیدن آن منظره و تا وقتی که زنده بودند با پسر حرف نزدند.

و از حضرت علی از رسول خدا صلی الله علیهما وآله روایت شده سه گناهست که تعجیل میشود در عقوبت آن در دنیا. اول عقوق والدین، دوم ظلم بر مردم، سوم کفران احسان. و نیز از رسول خدا علیه وآله السلام روایت شده کسی که پدر و مادر خود را اذیت کند، مرا اذیت نموده و کسی که مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده و کسی که خدا را اذیت کند، پس او ملعونست.

و از حضرت موسی علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام روایت شده که عرض کرد پروردگارا کجا است فلان صدیق و دوست من که در راه تو شهید شد، حقتعالی فرمود در آتش است. عرض کرد آیا به شهدا وعده بهشت نداده ای، فرمود چرا ولکن این مرد مصر بود بر عقوق والدین و من با عقوق، هیچ عملی را قبول نمیکنم.

و از ابی ولاد حناط روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال میکند از تفسیر قول خدای تعالی وبالوالدین احسانا حضرت میفرماید: احسان آنستکه صحبت و همنشینی خود را با پدر و مادر نیکو کنی و دیگر آنکه اگر به چیزی احتیاج داشتند، پیش از آنکه از تو بخواهند، به آنها بدهی اگرچه مستغنی باشند.

فصل پنجم

در اینکه عاق والدین یا بار به والدین، مخصوص بحال حیوتشان نیست بلکه شامل حال مماتشان نیز هست

از کتاب محاسن از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که بسا میشود که فرزند در حال حیوتشان بار به والدین است و لکن بعد از فوتشان طلب مغفرت نمیکند برایشان پس عاق به والدین نوشته میشود و بسا میشود در حال حیوتشان عاق است لکن بعد از موتشان بسیار طلب آمرزش میکند برایشان پس نوشته میشود بار به والدین. و از کتاب محاسن از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چه چیز منع میکند شما را که هم در حال حیوة و هم در حال ممات بار به والدین باشید نماز بخوانید برای آنها، صدقه بدهید روزه بگیرید پس آنچه برای آنها بجا می آورید، به آنها میرسد و مثل آن به خود شما نیز داده میشود پس

زیاد میفرماید خدا برای شما خیر بسیاری را به واسطه صله و برّی که به آنها کرده اید.

و از قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب روایت شده که مردی به حضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض کرد آیا بعد از موت پدر و مادر چیزی بر فرزند باقی میماند، فرمود: بلی نماز خواندن از جانب آنها و استغفار برای آنها و وفای به عهد و گرامی داشتن صدیق آنها و صله رحم آنها.

و نیز از قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از حضرت صادق علیه السلام روایت شده بسا میشود شخص در حال حیوة پدر و مادر عاق است و بعد از موتشان از جانب آنها روزه میگیرد، نماز میخواند، اگر قرضی دارند قرضشان را میدهد پس پیوسته همینجور است تا آنکه بار نوشته میشود و بسا میشود که در حال حیوتشان بار است و لکن چون فوت کنند قرضشان را نمیدهد و به هیچ نحو خوبی به آنها نمیکند پس پیوسته همین طور است تا آنکه عاق نوشته میشود.

فصل ششم

در احسان به اهل و عیال و اولاد

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده خدا رحمت کند آن بنده را که نسبت بزوجه خود، نیکوئی کند پس بدرستیکه خدای عزوجل او را مالک و قیم بر زوجه اش قرار داده.

و از حضرت رضا علیه وعلی آبائه_ وانباءه الصلوة والسلام روایت شده که سزاوار است برای مرد اینکه بر اهل و عیال خود وسعت بدهد برای اینکه آرزوی مرگش را نکنند.

و نیز از حضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام روایت شده که عیال مرد، اسیران او میباشند، پس کسیکه خدا نعمتی به او بدهد پس باید وسعت بدهد بر عیالش والاّ ممکن است آن نعمت از او گرفته شود.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که مؤمن میخورد به میل عیالش و منافق به میل خودش.

و از جابر بن عبدالله انصاری علیهما الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هر معروف و احسانی صدقه است و مؤمن هرچه انفاق کند بر خود و اهل و عیالش نوشته میشود برای او به آنچه انفاق کرده صدقه و آنچه به آن آبروی خود را حفظ کند صدقه حساب میشود.

و از ابن عباس علیهما الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که برود بازار و تحفه ای خریده و ببرد برای عیالش کانه صدقه برده است برای محتاجین و باید در دادن آنچه آورده ابتدا کند به اناث قبل از ذکور، چه آنکه کسی که خوشحال کند دختر خود را کانه یک بنده از اولاد اسماعیل علیه السلام آزاد نموده.

و از رسول خدا (ص) روایت شده که رقت خدا بر اناث بیشتر است تا بر ذکور و هیچ مردی نیست که خوشحال کند زنی را که بین او و آن زن قرابتی باشد مگر آنکه روز قیامت خدا او را خوشحال خواهد فرمود.

فصل هفتم

در احسان و نیکی به اولاد

بسم الله و له الحمد.

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مردی آمد نزد رسول خدا(ص) گفت من هیچوقت بچه ای را نبوسیده ام. چون بیرون رفت حضرت فرمود: این مرد نزد من چنین است که او از اهل آتش است. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسیکه فرزند خود را ببوسد، خدا برای او حسنه بنویسد.

و از کتاب مکارم الاخلاق نقل شده که رسول خدا(ص) حسن و حسین علیهما الصلوة والسلام را میبوسید. اقرع بن حابس گفت من ده فرزند دارم و تاکنون هیچکدام را نبوسیده ام.

حضرت فرمود: کسیکه رحم نکند، رحم کرده نمیشود. و از حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده همانطور که اولاد عاق پدر و مادر میشوند، پدر و مادر نیز عاق اولاد میشود.

و نیز از حضرت علی از رسول خدا صلی الله علیهما وآلهما روایت شده که خدا رحمت کند آن پدر و مادری را که یاری کنند فرزند خود را بر احسان و نیکی نسبت به خودشان.

و از کتاب عوالی از رسول خدا(ص) روایت شده که گرامی بدارید اولاد خود را و نیکو تادیب و تربیت کنید آنها را. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خدای تبارک و تعالی هرآینه رحم میفرماید بر مرد بواسطه شدت دوستیش نسبت به فرزندش. و روایت شده که مردی از انصار از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود که به چه کسی احسان و نیکی کنم؛ فرمود: به والدینت. گفت آنها از دنیا رفته اند، فرمود: به فرزندان.

و نیز از آن حضرت روایت شده که احسان و نیکی به فرزند، احسان و نیکی به والدین است و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که نظر محبت آمیز پدر به فرزند عبادتست.

از کتاب فقه الرضا علیه الصلوة والسلام نقل شده که از عالم علیه السلام روایت شده که به مردی فرمود آیا پدر و مادر داری، عرض کرد نه. فرمود: آیا فرزند داری، گفت بلی. فرمود: نیکی تو نسبت به فرزندان، نیکی به والدینت حساب میشود.

فصل هشتم

در نفقه مملوک از حیوان

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی از رسول خدا صلی الله علیهما
وآلهما روایت شده که از برای دابه و حیوان، شش حق بر صاحبش
هست. اول آنکه چون فرود آید ابتدا کند به علف دادن به حیوان؛ دوم
آنکه چون بر آبی گذارش بیافتد آب را بر آن حیوان عرضه بدارد؛ سوم
آنکه به ناحق او را نزنند؛ چهارم آنکه زیادتیر از قوه اش بارش نکند،
پنجم آنکه زیادتیر از طاقتش او را تکلیف به رفتن نکند؛ ششم آنکه بر
پشت حیوان نایستد. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که
هیچ کس دابه نمیخرد مگر آنکه آن دابه میگوید خدایا قرارداده صاحب
مرا نسبت به من رحیم.

و از جناب ابی ذر علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله
روایت شده که هیچ دابه نیست مگر آنکه هر صبح از خدا میخواهد و
میگوید خدایا روزی کن مرا مالک صالحی که از علف مرا سیر کند و مرا
سیراب کند و فوق طاقت مرا تکلیف نکند.

و از حفص بختری علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت
شده که چون بنده سوار بر مرکب میشود، آن مرکب میگوید خدایا او را
نسبت به من رحیم قرار ده.

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی فرموده از اینکه بر دابه زیادتز از توانایی بارش کنند و از اینکه او را ضایع بگذارند تا هلاک شود و میفرماید پشت دواب را کرسی برای خود قرار ندهید، چه بسا که دابه مرکوبه ای باشد که بهتر باشد از راکبش و مطیع تر برای خدا و اکثر ذکراً لله و چشم آنحضرت بر شتری افتاد که بار سنگینی بر او بود، فرمود صاحب این شتر کجاست؛ پس یافت نشد، پس فرمود امر کنید او را که مهیا شود برای این شتر به جهت خصومت در روز قیامت. و از زرارة بن اعین علیهما الرحمة روایت شده که حضرت سجاد علیه الصلوة والسلام بر یک ناقه بیست حج بجا آورد و یکمرتبه هم او را نزد.

فصل نهم

در مدح میانه روی در امر معاش

بسم الله وله الحمد. بروایت نسبت داده شده که از کمال ایمان بنده آنست که در او نه خصلت باشد. اول آنکه خوشنودی از کسی او را وادار نکند بر کار یا گفتار باطلی که بر نفع آنکس تمام میشود؛ دوم غضب بر کسی او را خارج نکند از حقی که بر له آن کس تمام میشود؛ سوم وادار نکند قدرت او را بر دخالت در چیزی که از برای او جایز نیست؛ چهارم از سخنان بی فایده خودداری کند، پنجم زیادتی از مال خود را در راه خیر خرج و صرف کند؛ ششم نیکو کند اندازه گیری در امر معیشت خود را؛ هفتم صاحب تقیه نیکو باشد؛ هشتم خلقتش نیکو باشد؛ نهم دارای سخاوت باشد.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که پروردگار من مرا وصیت فرموده به نه چیز، من هم شما را وصیت میکنم به آنچه وصیت فرموده مرا پروردگار من به آن: اول اخلاص در پنهانی و علانیه؛ دوم عدل در حال رضا و غضب؛ سوم میانه روی در حال غنی و فقر؛ چهارم اینکه عفو کنم از کسیکه ظلم کند بر من؛ پنجم آنکه عطا کنم به کسی که مرا محروم کرده؛ ششم آنکه وصل کنم با کسی که قطع کند از من؛ هفتم

آنکه خاموشی من فکر باشد، هشتم آنکه نطق من ذکر باشد؛ نهم آنکه نظر من عبرت باشد.

و از جناب سلیمان بن داوود علی نبینا وآله وعلیهما الصلوة والسلام روایت شده که به ما داده شده آنچه به مردم داده شده و آنچه داده نشده و یاد داده شده بما آنچه به مردم یاد داده شده و آنچه یاد داده نشده پس نیافتیم ما افضل و بهتر از تقوی در پنهانی و آشکارا و کلمه عدل در حال غضب و در حال رضا و میانه روی در حال غنی و در حال فقر. و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که سه چیز موجب رفع درجات است و سه چیز کفاره گناهان و سه چیز هلاک کننده و سه چیز نجات دهنده. اما رفع درجات افشاء سلام و اطعام طعام و نماز در شب در حالتی که مردم در خوابند.

و کفارات، اسباغ و کامل بجا آوردن وضو در زمستانها و رفتن بسوی نمازها در شب و روز و محافظت بر جماعات.

و اما هلاک کننده هاشخ و بخلی که اطاعت کرده شود. و هوی و هوسی که متابعت کرده شود. و(ظ) عجب مرد بنفس خود.

و اما نجات دهنده ها خوف از خدا در پنهانی و علانیه و میانه روی در حال غنی و فقر و کلمه عدل در حال رضا و غضب.

و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که شخص اصلاح نمیشود، مگر به سه چیز؛ تفقه در دین و در اندازه گیری معیشت، نیکوئی و صبر بر ناراحتیها.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که کمال تمام کمال، تفقه در دین و صبر بر ناراحتی و تقدیر در معیشت است. و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که از مروتست در امر معاش میانه روی کنی، پس اسراف نکنی و وعده بدهی پس خلف وعده نکنی.

و از ذریح محاربى علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که هرگاه خدا اراده بفرماید خیر خانواده ای را، پس رفق و مدارا در امر معیشت را روزی ایشان میفرماید.

فصل دهم

در مذمت اسراف و تقتیر یعنی افراط و تفریط

در خرج کردن مال

بسم الله وله الحمد.

از عبید بن زرارۃ علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که اسراف فقر می آورد و میانه روی غنی و بی نیازی در بردارد.

و از حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام روایت شده که بسا میشود شخص مال خود را در راه حق خرج میکند و اسراف میکند. از عامر بن جذاعه روایت شده که مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام آمد و گفت: یا ابا عبدالله (ع) یک قدری پول به قرض من بده هر وقت داشتم میدهم. حضرت فرمود: غله ای داری که به دست خواهد آمد؛ گفت نه به خدا. فرمود: تجارتی داری؛ گفت نه بخدا. فرمود: چیزی داری که بفروشی؛ گفت نه به خدا. فرمود: پس تو از کسانی هستی که خدا برای او در اموال ما حقی قرار داده پس کیسه ای که در او درهم بود خواست، چون آوردند دست خود را در آن کیسه داخل نمود و مشتی درهم به آن مرد داد و فرمود از خدا پرهیز و اسراف نکن، سختگیری هم نکن بلکه میانه روی را اختیار کن.

و از عیسی بن موسی علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مال، مال الله است، آن را ودیعه و امانت داده به خلقش و ایشان را امر فرموده که از آن مال به طور میانه روی بخورند و بیاشامند و زن بگیرند و مرکب تهیه کنند و مابقی را به فقراء و ضعفا کمک کنند، پس کسیکه از این دستور تجاوز کند، اکل و شرب و سواریش حرامست. و از اسبق بن نباته علیهما الرحمة از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام روایت شده که برای اسراف کننده سه علامت است. اول آنکه

میخورد آنچه را که شأنش نیست و میخرد آنچه را که از شأنش زیاد
است و میپوشد آنچه را که از شأنش بالاتر است.

مطلب سوم

در زکوة است و در آن چند فصل است

فصل اول

در مدح اداء زکات و فضیلت آن

بسم الله وله الحمد. از نهج البلاغه از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که نگاه داری کنی ایمان خود را به صدقه و حفظ کنی اموال خود را به دادن زکوة و دفع کنی موجهای بلا را به دعا. و از دعائم الاسلام از حضرت علی علیه السلام روایت شده وصیت و سفارش میکنم فرزندان و اهل خود را و جمیع مؤمنین و مؤمنات را به تقوای خدا پروردگارشان، خدا را در نظر داشته باشید در باب زکوة، چه آنکه زکوة خاموش میکند آتش غضب پروردگارتان را.

و از کتاب جعفریات از حضرت علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا فرمود هرگاه خدا خیر بنده ای را بخواهد، ملکی از خزان بهشت را میفرستد پس آن ملک مسح میکند سینه او را، پس سخی میشود نفس او به دادن زکوة.

و از تفسیر حضرت عسکری علیه الصلوة والسلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که زکوة مال خود را بدهید به فقراء و ضعفا از حقشان کمتر ندهید و جنس پست و بد ندهید.

از حضرت رضا علیه الصلوة والسلام روایت شده علت جعل زکوة، تأمین مایحتاج فقراء است و حفظ اموال اغنیاء.

و از معتب از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که زکوة قرار داده شد برای امتحان اغنیاء و کمک فقراء و اگر مردم زکوة اموال خود را بدهند، مسلمان فقیر و محتاجی باقی نماند و هرآینه بی نیاز میشدند به آنچه برایشان فرض شده و مردم فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نماندند مگر بواسطه گناه اغنیاء و سزاوار است بر خدای تبارک و تعالی اینکه منع کند رحمت خود را از آن کسی که حق خدا را که در مالش هست منع میکند تا آنکه میفرماید دوست ترین مردم به سوی خدای تعالی سخی ترین ایشانست و با سخاوت ترین مردم کسی است که زکوة مالش را بدهد و بخل نوزد بر مؤمنین به آنچه فرض فرموده خدا برای آنها در مالش.

و از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام روایت شده که زکوة وضع شده برای اینکه قوت باشد برای فقراء و توفیر برای اموال آنها یعنی موجب باشد برای زیاد شدن آن.

و از سید رضی رحمه الله تعالی در نهج البلاغه از حضرت علی علیه السلام روایت شده که خدای سبحانه و تعالی فرض فرموده در اموال

اغنیاء مایحتاج فقراء را، پس فقراء گرسنه نمیمانند مگر به منع غنی و
خدای تعالی سؤال خواهد فرمود از آن.

فصل دوم

در مذمت ندادن زکات

بسم الله وله الحمد. از کتاب دعائم الاسلام از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرض و واجب نکرده خدا بر این امت چیزی را که دشوارتر باشد بر آنها از زکوة و در این زکوة هلاک میشوند عامه آنها. و از شیخ ابی_الفتح رازی علیه الرحمة از حضرت علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله در خطبه وداع فرموده ایها الناس ادا کنید زکوة اموال خود را، پس کسی که زکوة ندهد نمازی برای او نخواهد بود. و کسی که نماز برای او نباشد، دینی برای او نیست و کسی که دین برای او نباشد، حجی و جهادی برایش نباشد.

و از جناب قطب راوندی علیه الرحمة نقل شده که حضرت موسی علی نبینا وآله وعلیهما الصلوة والسلام گذارشان افتاد به جوانی که نماز خوبی میخواند، پس موسی(ع) گفت: نمازی از این نماز نیکوتر ندیده ام. پس خدا وحی فرمود بسوی آن جناب که نمازش خوب است، ولی زکوة نمیدهد و من از او قبول نمیکنم تا اینکه نمازش را نیکو کند با زکوة، زیرا که نماز و زکوة قرین یکدیگرند.

و رسول خدا صلی الله علیه وآله لعن فرموده مانع الزکوة و آکل ربا را. و از قطب راوندی علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت

شده که خدا روزی فقرا را در اموال اغنيا قرار داده پس اگر فقرا گرسنه يا برهنه بمانند، پس بواسطه گناه اغنيا است وحق است بر خدا که آنها را برو در آتش اندازد. و از مسعده از حضرت صادق عليه السلام روايت شده که ملعونست، ملعونست آن مالی که زکوتش داده نشود. و از حضرت باقر عليه الصلوة والسلام روايت شده که رسول خدا صلی الله عليه وآله با جمعی از مسلمانان در مسجد بودند؛ پس حضرت فرمود: ای فلان برخیز، ای فلان برخیز، ای فلان برخیز، ای فلان برخیز تا آنکه پنج نفر را از مسجد بیرون کرد. پس فرمود بیرون روید از مسجد ما، نماز نخوانید در آن و حال اینکه زکوة نمیدهید. و از عیون الاخبار و خصال از حضرت رضا عليه وعلى آبائه وابنائہ الصلوة_ والسلام روايت شده که خدا به سه چیز امر فرموده مقرون به سه چیز دیگر؛ امر فرموده به نماز و زکوة، پس کسی که نماز بخواند ولكن زکوة ندهد، نمازش قبول نمیشود.

و امر فرموده به شکر خودش و شکر والدین، پس کسیکه شکر نکند والدین خود را، شکر خدا را بجا نیاورده. و امر فرموده به تقوی و صله رحم، پس کسیکه صله رحم بجا نیاورد تقوی ندارد.

و روايت شده هرگاه زکوة داده نشود، حال فقیر بد میشود و حال غنی نیز بد میشود. راوی عرض کرد حال فقیر بد میشود که معلوم است؛ حال

غنی چرا بد میشود، فرمود: غنی اگر زکوة ندهد، حالش در آخرت بد میشود.

فصل سوم

در فضیلت دادن زکوة فطره و ذم ترک آن

بسم الله و له الحمد.

از جناب زرارة علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که از تمام شدن روزه است زکوة فطره، کما اینکه صلوات بر نبی صلی الله علیه وآله از تمام نماز است برای اینکه کسی که روزه بگیرد و زکوة فطره ندهد، پس روزه ای برای او نیست هرگاه ترک کند دادن زکوة را عمداً و نمازی نیست برای او هرگاه صلوات بر نبی(ص) را عمداً ترک کند. بدرستی که خدا ابتداء فرموده به زکوة قبل از صلوة آنجا که فرموده قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی. و از اسحق بن مبارک روایت شده که از حضرت ابا ابراهیم علیه السلام سؤال میکند از زکوة فطره که آیا داخل در آیه شریفه اقيموا الصلوة واتوا الزکوة میباشد، فرمود: بلی. و جناب اسحق بن عمار علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد از قول خدای عزوجل اقيموا الصلوة واتوا الزکوة؛ حضرت فرمود: این زکوة فطره است که فرض و واجب فرموده بر مؤمنین.

از معانی الاخبار و توحید و مجالس مسنداً از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که ختم کند روزه خود را به قول صالح یا عمل صالحی، خدا روزه او را قبول فرماید. عرض شد یا بن رسول الله صلی الله علیه، قول صالح چیست؛ فرمود: شهادت به اینکه خدائی نیست به جز خدا و عمل صالح بیرون کردن زکوة فطره.

فصل چهارم

در بیان کسانی که فطره آنها بر شخص لازم است

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که در خطبه قدیر در روز فطر میفرماید: ادا کنید فطره خود را، چه آنکه فطره سنت پیامبر شما است و فریضه واجب است از طرف پروردگارتان، پس باید ادا کند هر مردی از شما از طرف عیالش ذکر آنها و اناث آنها و صغیرشان و کبیرشان و حرشان و مملوکشان از هر انسانی از آنها یک صاع از تمر یا گندم یا جو.

از عمر بن عزیذ علیه الرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود از شخصی که مهمانی از برادران دینی نزدش هست، پس روز عید فطر میرسد آیا میزبان فطره مهمان را بدهد؛ فرمود: بلی فطره واجب است از هر کسی که عیال او است ذکر باشد یا انثی، صغیر باشد یا کبیر، حر باشد یا مملوک. و از شیخ صدوق علیه الرحمة در کتاب هدایة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که زکوة فطره بده

از خودت و از هر کسی که عیال تو است صغیر باشد یا کبیر، حر باشد یا عبد، ذکر باشد یا انثی.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که لازم است بر مرد اینکه ادا کند زکوة فطره را از خودش و از عیالش صغیر باشد یا کبیر، ذکر باشد یا انثی.

تذیل

از مصباح الشریعة از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که بر هر جزئی از اجزاء بدنت زکوتی است واجب. پس زکوة چشم، نظر عبرت است و پوشیدن از چیزهاییکه نظر کردن به آنها ناپسند است.

و زکوة گوش، گوش دادن به علم و حکمت و قرآن و فوائد دینی از موعظه و نصیحت و آنچه نجات تو در آن است و اعراض از آنچه ضد آن است از دروغ و غیبت و امثال آن.

و زکوة زبان، نصیحت مسلمین و از غفلت بیرون آوردن غافلین و بسیاری تسبیح و ذکر و غیر آن.

و زکوة دست، بذل و عطا و سخاوت است به آنچه خدا انعام فرموده به آن بر تو و حرکت دادن آن به نوشتن علم و آنچه نافع است به حال مسلمانها در طاعت خدا و نگاه داشتن از شرور.

و زکوة قدم سعی در حقوق خدای تعالی از زیارت صالحین و مجالس ذکر و اصلاح بین مردم و صله رحم و جهاد و آنچه در او صلاح قلب تو است و سلامتی دین تو.

و از امدی علیه الرحمة در کتاب غرر و درر از حضرت علی علیه السلام روایت شده که زکوة علم نشر آن است و زکوة جاه بذل آن است و زکوة حلم بکار بستن آنست. و زکوة مال خرج کردن زیادتی آن است در راه خیر. و زکوة قدرت انصاف دادنست و زکوة جمال عفت است. و زکوة ظفر یافتن بر کسی احسان به او است. و زکوة بدن جهاد است و روزه. و زکوة دارائی، احسان به همسایه و صله ارحام است. و زکوة صحت سعی در طاعت خدا و زکوة شجاعت، جهاد در راه خدا است.، زکوة نعمتها احسان به خلق است. زکوة علم، بذل آن است به مستحقش و عمل به آن.

فصل پنجم

در مصرف زکوة

بسم الله وله الحمد. از کتاب عوالی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که صدقه حلال نیست بر غنی و بی نیاز و بر کسی که میتواند به اندازه مایحتاج کسب کند. و از عبدالرحمن بن حجاج علیه الرحمة از حضرت ابی الحسن علیه السلام روایت شده که از آن حضرت سؤال میکند از مردیکه پدر یا عمو یا برادرش خرج او را میدهند آیا جایز است از زکوة بگیرد و به آن وسعت بدهد بر خود و اهل بیتش؛ فرمود: باکی ندارد.

و از دعائم الاسلام از جعفر بن محمد علیهما الصلوة والسلام روایت شده که از زکوة میتوان داد به شخص مؤمن آنچه بخورد و بیاشامد و بپوشد و زن بگیرد و حج برود و تصدق بدهد و قرضش را بدهد.

از اسحق بن عمار علیهما الرحمة روایت شده که از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام سؤال میکند که آیا به مردی هشتاد درهم از زکوة میتوان داد، فرمود: بلی زیادتیر بده؛ عرض کرد صد درهم بدهم، فرمود: بلی و اگر میتوانی بی نیاز کن او را.

و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که هرگاه زکوة به کسی میدهی پس بی نیاز کن او را. و از حضرت صادق علیه السلام

روایت شده که خدای تبارک و تعالی فقرا را شریک قرار داده با اغنیاء در اموال، پس جایز نیست برای اغنیاء اینکه صرف کنند به سوی غیر شرکای خود.

از حضرت امام حسن علیه الصلوة والسلام روایت شده که حضرت علی علیه الصلوة والسلام به من فرمود: ای پسرک من، وصیت میکنم تو را به نماز در وقتش و زکوة دادن به اهلش و قتیکه لازم شد.

و از عبدالرحمن بن حجاج علیهما الرحمة روایت شده که از حضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام سؤال کرد از مرد عارف و فاضلی که فوت کرده و قرض دار است و این قرض را از ناچاری کرده و در خرج کردن آن اسراف نکرده و اهل سؤال هم نیست، آیا از بابت زکوة هزار یا دوهزار میتوان قرضش را ادا کرد؛ حضرت فرمود: بلی.

و نیز از عبدالرحمن روایت شده که از حضرت ابی الحسن علیه الصلوة والسلام سؤال نمود که من از جماعتی طلبکارم و حبس طلب من نزد ایشان طول کشیده و قادر بر دادنش نیستند، آیا میتوانم از بابت زکوة طلب خود را حساب کنم؛ فرمود: بلی.

و از عقبه بن خالد روایت شده که عثمان بن عمران علیه الرحمة - از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود که من مردی هستم دارا و بعضی نزد من می آیند و درخواست کمک میکنند و هنوز وقت زکوة

نیامده؛ حضرت فرمود: قرض هجده و صدقه ده، چه ضرر به تو دارد که به او بدهی و قتیکه موقع زکوة رسید طلب خود را از بابت زکوة حساب کنی یا عثمان برنگردان او را که رد او نزد خدا عظیم و بزرگ است. و از کتاب فقه الرضا علیه السلام نقل شده که عالم علیه الصلوة والسلام فرمود: قرض دادن خوب چیزی است اگر توانست قرض تو را می دهد و اگر نتوانست از بابت زکوة حساب می کنی. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که قرض دادن به مؤمن، غنیمت و تعجیل در امر خیر است اگر توانست می دهد والاّ از بابت زکوة حساب می کنی.

مطلب چهارم در خمس است

بسم الله وله الحمد. از جناب ابی بصیر علیه الرحمة روایت شده که از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام سؤال کرد از آسانتر چیزی که بنده به واسطه آن داخل آتش میشود چیست؛ فرمود: کسی که یک درهم از مال یتیم بخورد و مائیم یتیم.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چون خدا صدقه را بر ما حرام فرموده، خمس را برای ما نازل فرمود؛ پس صدقه بر ما حرام است و خمس برای ما فریضه و واجب و کرامت، یعنی هدیه و تعارف برای ما حلال. و از عمران بن موسی علیهما الرحمة روایت شده که آیه خمس را یعنی واعملوا انما غنمتم من شیء تا آخر آیه بر حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام قرائت کردم. فرمود: آنچه برای خدا است، پس آن برای رسول خدا است و آنچه برای رسول خدا است، پس آن برای ما است تا آنکه فرمود: این حدیث ما صعب و مستصعب است عمل نمیکند به آن و صبر نمیکند بر آن مگر آن کسی که ممتحن شده باشد قلب او برای ایمان.

و از سدید علیه الرحمة از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که برای ما حقی است در کتاب خدا در خمس، پس اگر محو کنند آنرا پس بگویند از جانب خدا نیست یا به آن عمل نکنند، هرآینه مساوی

خواهد بود. و از محمد بن یزید طبری روایت شده که مردی از تجار فارس که از دوستان حضرت رضا علیه وعلی آبائه وانبائه الصلوٰة والسلام بود، نامه به حضرت نوشت و راجع به خمس که خودش بدهکار بود یا از کسان دیگر نزدش بود اجازه خواست که ندهد یا تصرف کند در آن. حضرت در جواب نوشتند بسم الله الرحمن الرحيم بدرستی که خدا واسع و کریم است ضامن شده بر عمل ثواب را، حلال نمیشود مال مگر از راهی که حلال نموده باشد، بدرستیکه خمس عون ما است بر دینمان و بر عیالمان و بر دوستانمان و بر آنچه بذل کنیم آنرا و عرض و آبروی خود را بخریم از کسی که از سطوت او میترسیم، پس برنگردانید آن را از ما و خود را تا میتوانید از دعای ما محروم نکنید، چه آنکه بیرون کردن آن کلید روزی شما است و نابود کننده گناهان شما و آنچه مهیا میکنید برای خود به جهت روز احتیاجتان و مسلمان کسی است که وفا کند به آنچه خدا بسوی او عهد نموده و نیست مسلمان کسی که به زبان جواب بدهد ولكن بقلب مخالفت کند و السلام.

و از محمد بن یزید ره ایضا روایت شده که جمعی از اهل خراسان خدمت حضرت رضا علیه وعلی آبائه وانبائه الصلوٰة والسلام رسیده و درخواست نمودند که آنها را از خمس معاف بدارد. حضرت فرمود: به زبان اظهار دوستی نسبت به ما میکنند و برمیگردانید از ما حقی را که

خدا برای ما و ما را برای آن قرار داده و آن خمس است و ما آن را برای هیچ یک از شما حلال نمیکنیم.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که احسان و نیکی کند بسوی یکی از اولاد عبدالمطلب علیه السلام و جزا داده نشود بر آن در دنیا، پس من جزا خواهم داد او را هرگاه ملاقات کند مرا در روز قیامت. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که وانگزارید صله آل محمد و احسان به ایشان را از اموال خود، کسی که غنی است بقدر غنای خود و کسی که فقیر است بقدر فقرش.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده حق است شفاعت من برای کسی که اعانت کند ذریه مرا بدست خود و زبان خود و مال خود و نیز از آن جناب علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده که من در قیامت چهار طائفه را شفاعت خواهم کرد اول کسی که شمشیر بکشد برای ذریه من و یاری کند ایشان را، دوم کسی که اعانت کند ایشان را در حال فقر و فاقه ایشان به آنچه قادر است بر آن از مال، سوم کسی که دوست بدارد ایشان را به قلب و زبانش، چهارم کسیکه برآورد حاجتهای آنها را و سعی کند در آن هرگاه مضطر شوند.

و از آن بزرگوار علیه وآله الصلوة والسلام نیز روایت شده کسی که میخواهد متوسل شود به من و برای او حقی باشد بر من که به واسطه آن

حق در قیامت شفاعت کنم او را پس باید صله و احسان کند به اهل بیت من و آنها را مسرور و خوشحال نماید.

مقصد دوم

در انفاقات مستحبه و در آن چند مطلب است

مطلب اول

در فضیلت انفاق در زیارت بیت الله الحرام و زیارت قبر پیام آور ما و قبور ائمه هدی علیه و علیهم الصلوٰۃ والسلام و در این مطلب چند فصل است

فصل اول

در حج است

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که بجا آورنده حج و عمره وارد بر خدا و مهمان خدا است. اگر چیزی از خدا بخواهد، به او عطا میفرماید و اگر او را بخواند، جوابش میدهد و اگر کسی را شفاعت کند، شفاعتش را قبول میفرماید و اگر ساکت باشد، ابتدا میفرماید به عطا کردن به او و به هر دره‌می که خرج کند، هزار هزار درهم عوض میدهد. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده کسی که بیرون رود برای حج و عمره، پس برای او باشد به هر قدمی

هزار هزار حسنه و محو میشود از او هزار هزار سیئه و بلند میشود برای او هزار هزار درجه و خواهد بود برای او در نزد خدا به هر درهمی هزار هزار درهم و به هر دیناری هزار هزار دینار و به هر عمل خیری که بجا بیاورد، هزار هزار حسنه تا وقتی که برگردد به خانه خود و در ضمان خدا باشد اگر بمیرد او را داخل بهشت کند و اگر برگردد، آمرزیده بر میگردد، پس غنیمت بشمارید دعای او را چه آنکه خدا دعای او را رد نمیفرماید. و از حضرت _صادق علیه السلام_ روایت شده که اهل قبور دوست دارند تمام دنیا و آنچه در آنست بدهند و یک حج بگیرند. و از محمد بن علی بن حسین علیهم الرحمة نقل شده که میفرماید روایت شده که یک درهم در راه حج بهتر است از هزار هزار درهم در باقی راههای خیر و یک درهم که برسد به امام مانند هزار هزار درهم است که در راه حج خرج شود.

و از حسین بن عمر علیهما الرحمة از پدرش از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که اگر مانند کوه ابی قبیس طلا برای شما باشد و آن را اتفاق کنید در راه خدا، هرآینه معادل با حج نخواهد بود و هرآینه یک درهم که حاجی خرج کند، معادلست با دو هزار هزار درهم که در راه خدا خرج و صرف کند.

و از ذریح از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که بمیرد و حجة الاسلام را بجا نیاورده باشد، پس باید بمیرد اگر میخواهد یهودی و اگر میخواهد نصرانی و از کتاب دعائم از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که بمیرد و حجة الاسلام را بجا نیاورده باشد، در صورتیکه بدون عذر باشد، پس باید یهودی بمیرد یا نصرانی.

و از محمد بن فضیل علیهما الرحمة روایت شده که از حضرت ابی الحسن علیه السلام سؤال نمود از تفسیر قول خدای تعالی و من کان فی هذه اعمی فهو فی الآخرة اعمی و اضل سیبلا؛ حضرت فرمود: این آیه نازل شده درباره کسی که به تأخیر بیاندازد حجة الاسلام را و حال آنکه در نزد او باشد آنچه به آن حج را بجا بیاورد پس بگوید امسال خواهم رفت، سال دیگر خواهم رفت تا آنکه پیش از بجا آوردن حج بمیرد و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده کسی که حج را به تأخیر بیاندازد، از سالی به سالی بدون عذر و قبل از بجا آوردن بمیرد، خدا او را در روز قیامت مبعوث خواهد فرمود یهود یا نصرانی یعنی مسلمان نیست اگر مسلمان میبود، این کار را نمیکرد.

فصل دوم در فضیلت قربانی

بسم الله وله الحمد. از ابن ابی جمهور علیهما الرحمة در دراللئالی از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که اتفاق نمیکنند مردم اتفاقی که اعظم باشد از خونی که ریخته شود در این روز یعنی روز عید مگر رحم و خویشی که محتاج باشد.

و از کتاب علل از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که برای قربانی حیوان چاق و فربه تهیه کنید چه آنکه او مرکب شما خواهد بود بر صراط.

و از شریح بن هانی علیه الرحمة از حضرت علی علیه السلام روایت شده که اگر مردم بدانند آنچه را که در قربانی هست، هرآینه قرض میکنند برای قربانی چه آنکه آمرزیده میشود برای صاحبش در نزد اول قطره ی خونی که از او بریزد بر زمین.

و روایت شده که جناب ام سلمه رضی الله عنها نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده عرض کرد یا رسول الله (ص) عید اضحی رسیده و من پولی که اضحیه بخرم ندارم، آیا قرض کنم برای قربانی؛ حضرت فرمود: قرض کن زیرا که این قرض، قرضی است که داده خواهد شد.

و از کتاب دعائم از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که
اضحی قرار داده شده برای آنکه مساکین شما از گوشت سیر شوند پس
اطعام کنید آنها را از گوشت قربانی خود.

فصل سوم

در وقت قربانی و جواز شرکت در آن

بسم الله وله الحمد. از جناب علی بن جعفر علیهما السلام روایت شده که از برادر خود موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام سؤال میکند از قربانی در غیر منی، حضرت میفرماید: سه روز. عرض میکند چه میفرمائی درباره مردی مسافر که دو روز بعد از عید به وطن خود می آید آیا جایز است که در روز سوم قربانی کند؛ میفرماید: بلی.

و از جناب عمار ساباطی علیه الرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال میکند از قربانی در منی، میفرماید: تا چهار روز و از قربانی در سایر بلاد، می فرماید تا سه روز.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که قربانی سه روز و افضل، روز اول است.

و از کتاب دعائم از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که قربانی روز نحر و دو روز بعد از آن در شهرها و در منی تا آخر ایام تشریق. و از همین کتاب از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که رخصت داده اند شرکت در قربانی را برای کسی که نمیتواند.

و از کتاب عوالی از ابن عباس رحمه الله روایت شده که در یک سفری با رسول خدا صلی الله علیه وآله بودیم که عید قربانی رسید. پس ده نفر شریک شدیم در گاو و شتر.

و از حلبی علیه الرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد که آیا برای چند نفر یک گاو کفایت میکند؛ فرمود: اما درهدی کافی نیست و اما در قربانی پس کافی است.

و از سواده روایت شده که به حضرت صادق علیه السلام میگوید حیوان قربانی کمیاب شده، فرمود: جمع شوید و یک شتری بخرید و بالشراکه نحر کنید او را؛ عرض میکند آن اندازه پول نداریم. فرمود: گوسفندی بخرید و او را بالشراکه ذبح کنید؛ عرض کرد از هفت نفر مجزی است؛ میفرماید بلکه از هفتاد نفر.

تکمیل

در فضیلت عقیقه

از ابی خدیجه علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هر انسانی در گرو فطره است و هر مولودی در گرو عقیقه.

و از عمر بن یزید علیهما الرحمة روایت شده که به حضرت صادق علیه السلام عرض میکند بخدا قسم که من نمیدانم آیا پدرم مرا عقیقه کرده یا نه؛ حضرت او را امر میفرماید به عقیقه نمودن برای خود، پس در پیری برای خود عقیقه میکند.

و از کتاب معانی الاخبار نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله چون مبعوث به نبوت شد، پس برای خود عقیقه نمود و برای حضرت

امام حسن و حضرت امام حسین علیهما الصلوة والسلام دو گوسفند عقیقه نمود.

و روایت شده که عقیقه واجب تر است از قربانی. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خدا دوست دارد اطعام طعام و اراقه دماء را یعنی ریختن خون را.

و از کتاب مقنع از حضرت باقر علیه وعلی آباءه و ابنائه من الصلوات افضلها و من التحیات اکملها روایت شده که هرگاه برای بچه عقیقه نکرده باشند و برای او قربانی کنند از عقیقه کفایت میکند.

فصل چهارم

در فضیلت انفاق در راه زیارت قبر مطهر

بیغمبر گرامی و ائمه هدی علیه و علیهم السلام

بسم الله وله الحمد. از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام نقل شده کسی که به قصد زیارت امامی مفترض الطاعة از خانه خود بیرون بیاید و از برای نفقه یک درهم خرج کند، مینویسد خدای جل ذکره برای او هفتاد هزار حسنه و محو میکند از او هفتاد هزار سیئه و اسم او را در دیوان صدیقین و شهداء بنویسد اسراف کرده باشد در خرج کردن یا اسراف نکرده باشد.

از حلبی علیه الرحمة از حضرت صادق در فضیلت زیارت امام حسین علیه الصلوة والسلام روایت شده که به هر دره‌می ده هزار درهم قرار داده میشود و ذخیره میشود برای او و چون محشور شود، به او گفته میشود که خدا آن را ذخیره نموده نزد خود برای تو.

و از ابن سنان روایت شده که به حضرت صادق علیه السلام عرض میکند که پدرت می فرمود درباره حج که حساب میشود برای او به هر دره‌می که خرج کند هزار. پس چیست برای کسی که خرج کند در راه زیارت پدرت حسین علیه السلام فرمود: یا بن سنان حساب میشود برای او هزار و هزار، تا ده مرتبه شمرد و بلند میشود برای او از درجات

مثل آن و رضای خدا بهتر است برای او و دعای محمد و علی
امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام بهتر است برای او.

فصل پنجم

در فضیلت زیارت قبر رسول خدا و ائمه هدی علیه وعلیهم الصلوٰة والسلام

بسم الله وله الحمد. از حضرت ابی الحسن الرضا علیه وعلی آباءه وانبائه الصلوٰة والسلام روایت شده که از برای هر امامی عهدی است در گردن دوستان و شیعیانش و از تمام وفای به عهد زیارت قبورشان است از روی رغبت و میل با تصدیق به آنچه ترغیب شده اند در او و ائمه علیهم السلام در قیامت شفاعت خواهند کرد زائرین قبر خود را.

و از عثمان بن عیسی روایت شده که امام حسین علیه الصلوٰة والسلام به رسول خدا صلی الله علیه وآله عرض میکند یا اباہ چه ثوابی است برای کسی که زیارت کند تو را؛ حضرت فرمود: کسی که زیارت کند مرا در حال حیوة یا در حال ممات یا زیارت کند پدر یا برادرت یا تو را، حق خواهد بود بر من اینکه زیارت کنم او را در قیامت و خلاص کنم او را از گناهانش.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که زیارت کند مرا در در حیوة یا بعد از موت یا زیارت کند تو را یا علی در حیوة یا بعد از موت یا زیارت کند دو فرزند تو را در حال حیوة یا بعد از ممات، ضامن میشوم برای او که در قیامت او را از احوال و شدائد آن روز خلاص نموده، او را با خود ببرم در درجه خود.

و نیز از آن جناب روایت شده کسی که زیارت کند مرا یا یکی از ذریه مرا، روز قیامت او را زیارت خواهم کرد و او را از احوال آن روز نجات خواهم داد. و از معلى بن خنيس عليه الرحمة از حضرت صادق عليه السلام روایت شده هیچ مردی نیست که زیارت کند ما را یا زیارت کند قبور ما را مگر آنکه رحمت خدا او را فرا میگیرد و گناهانش آمرزیده میشود.

فصل ششم

در زیارت حضرت علی علیه السلام

بسم الله وله الحمد. از یونس بن ابی وهب عليه الرحمة روایت شده که داخل مدینه شده خدمت حضرت صادق عليه السلام آمد عرض کرد من خدمت شما آمده ام و قبر امیرالمؤمنین عليه السلام را زیارت نکرده ام. فرمود بد کاری کرده ای، اگر از شیعیان ما نمیبودی نگاه بتو نمیکردم تا وقتی که زیارت کنی آن کسی را که خدا و ملائکه و انبیاء و مؤمنین او را زیارت میکنند. گفت: من این مطلب را نمیدانستم. فرمود: پس بدان که امیرالمؤمنین عليه السلام نزد خدا افضل است از تمام ائمه و از برای او است ثواب اعمال آنها و بقدر اعمالشان فضیلت دارند.

و از عبدالله بن طلحه روایت شده که وارد شد بر حضرت صادق عليه السلام، فرمود: یا عبدالله بن طلحه آیا قبر پدرم حسین عليه السلام را زیارت میکنی عرض میکند بلی میفرماید: درهر جمعه، میگویند نه، میفرماید:

در هر ماه، گفت: نه، میفرماید جفا میکنید بدرستیکه زیارت حسین علیه السلام معادل است با حج و عمره و زیارت پدرم علی علیه السلام معادل است با دو حج و دو عمره.

فصل هفتم

در زیارت امام حسین علیه السلام

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چون روز قیامت شود، منادی ندا کند کجایند زوار حسین علیه السلام پس جمعی برخیزند، پس به آنها گفته شود چه چیز شما را به زیارت حسین علیه السلام فرستاد، بگویند دوستی رسول خدا و علی و فاطمه علیهم السلام و ترحم بر حسین علیه السلام به واسطه مصیبت هائی که بر آن حضرت وارد شد، پس گفته شود به آنها که اینها محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین میباشند، پس ملحق شوید به آنها که شما با آنهائید در درجه آنها ملحق شوید بلوای رسول خدا(ص).

پس در سایه آن لواء قرار بگیرند و آن لواء در دست علی علیه السلام باشد تا تمامشان داخل بهشت شوند و از جناب ابی بصیر علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که میخواهد مسکن و مأوای او بهشت باشد، پس ترک نکند زیارت مظلوم را؛ عرض میکند

مظلوم کیست؛ میفرماید حسین علیه السلام، پس کسی که بیاید آن حضرت را بواسطه ی شوقی که به آن حضرت دارد و بواسطه ی دوستی رسول خدا و فاطمه و امیرالمؤمنین علیهم السلام، او را خدا خواهد نشانید بر مائده های بهشت که بخورد با آنها در حالتی که مردم در حساب باشند.

و از زید شحام علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که از روی شوق زیارت کند حسین علیه السلام را، مینویسد خدا او را از آمنین و روز قیامت نامه عمل او به دست راستش داده خواهد شد. و از عبدالله طحان از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که احدی نیست مگر آنکه روز قیامت آرزو میکند که در دنیا زیارت میکرد قبر حسین بن علی_ علیهما الصلوة والسلام را به جهت آنچه برای زوار حسین بن علی خواهد بود از کرامتشان بر خدا.

و از آن حضرت نیز روایت شده یک روز حسین_ علیه السلام در دامن رسول خدا صلی الله علیه وآله بود، حضرت با او ملاعبه میکرد و او را می خنداند، پس عایشه گفت یا رسول الله چه قدر این بچه شما را به عجب آورده؛ حضرت به او فرمود: چگونه او را دوست نداشته باشم و مرا بعجب نیاورد و حال آنکه او ثمره فواد منست و قرۃالعین منست آگاه باش که امت من زود است او را شهید کنند پس کسی که او را بعد از

وفاتش زیارت کند، مینویسد خدا برای او حجی از حجهای من. عایشه از روی تعجب گفت حجی از حجهای شما؛ فرمود: بلی دو حج؛ باز گفت دو حج؛ فرمود: بلی چهار حج، پیوسته حضرت زیاد کردند تا رسید به هفتاد حج از حجهای رسول خدا(ص) با عمره.

و از عبدالله بن میمون علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که زیارت کند قبر حسین علیه السلام را در حالتیکه عارف به حق او باشد، نوشته شود برای او هزار حج و هزار عمره قبول شده و اگر شقی باشد، سعید نوشته شود و پیوسته مشمول رحمت خدا باشد.

فصل هشتم

در زیارت حضرت رضا علیه السلام

بسم الله وله الحمد. از ابراهیم بن اسحق نهاوندی از حضرت رضا علیه السلام روایت شده کسی که مرا با دوری خانه ام زیارت کند، روز قیامت در سه جا خواهم آمد و او را از احوال آن خلاص خواهم نمود. اول در نزد تطایر کتب یعنی نامه اعمال از طرف راست و چپ، دوم در نزد صراط، سوم در نزد میزان. و از علی بن مهزیار علیه الرحمة روایت شده که به -

حضرت ابی جعفر_ علیه السلام عرض میکند فدایت شوم زیارت رضا افضل است یا زیارت ابی عبدالله الحسین(ع)؛ پس حضرت فرمود: زیارت پدرم افضل است چه آنکه ابی عبدالله را همه مردم زیارت میکنند ولیکن پدر مرا زیارت نمیکنند مگر خواص از شیعه.

و از ایوب بن نوح علیه الرحمة روایت شده که شنیدم از ابی جعفر محمد بن علی بن موسی علیهم الصلوة والسلام که میفرمود: کسی که زیارت کند قبر پدر مرا در طوس میامرزد خدا گناه گذشته و آینده او را پس چون روز قیامت شود، نصب شود برای او منبری در مقابل منبر رسول خدا صلی الله علیه وآله تا آنکه خدا از حساب بندگانش فارغ شود.

و از حسن بن_ علی بن فضال علیهم الرحمة از حضرت رضا علیه السلام روایت شده کسی که مرا زیارت کند و بشناسد آنچه را که خدای تعالی واجب فرموده از حق و طاعت من، پس من و پدران من شفعاى او خواهیم بود در قیامت و کسیکه ما شفیعیان او باشیم نجات خواهد یافت اگرچه بر او باشد مثل وزر و وبال ثقلین یعنی جن و انس. و از نعمان بن سعد علیهما الرحمة از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که زود است مردی از اولاد من کشته شود به زهر جفا از روی ظلم و جور اسم او اسم من است و اسم پدرش اسم موسی بن عمران؛ آگاه باشید پس کسیکه او را در غربتش زیارت کند، خدا گناهان گذشته و آینده اش را بیامزد اگرچه مثل عدد نجوم و قطرات باران و ورق درختان باشد.

مطلب دوم

در صدقه است و در آن چند فصل است

فصل اول

در فضیلت و مدم صدقه است

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که توحید نصف دین است و به صدقه در رزق را بر روی خود بگشائید و از یونس بن یعقوب علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که ملعونست ملعونست کسی که خدا مالی به او بدهد و او از آن مال چیزی صدقه ندهد. آیا نشنیدی که پیغمبر علیه وآله _ الصلوة والسلام فرموده صدقه یک درهم افضل و بهتر است از نماز ده شب. و از جناب صدوق علیه الرحمة مسنداً از حضرت علی علیه السلام روایت شده که بنده چون بمیرد ملائکه (ع) بگویند چه چیز پیش فرستاده و مردم بگویند چه جا گذاشته، پس یک قدری از مال خود را پیش بفرستید که برای خودتان باشد و تمام مال خود را جا مگذارید که بر ضررتان تمام میشود چه آنکه محروم آن کسی است که از فائده مال خود محروم بماند و مغبوط یعنی کسی که دیگران به حال او غبطه میبرند آن کسی است که سنگین کند به صدقات و خیرات میزان عمل خود را و

نیکو کند در بهشت جایگاه خود را بواسطه صدقات و آسان کند بواسطه آن گذشتن بر صراط را.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که بهترین مال مرد و ذخیره او صدقه است. و حکایت شده که بعضی گفته اند چون جالینوس فوت نمود، در جیبش رقعۀ ای یافتند که در آن نوشته بود که آنچه بخوری بطور میانه روی پس برای جسم تو است و آنچه تصدق کنی برای روح تو است و آنچه جابگذاری برای غیر تو است و آدم نیکوکار زنده است و اگرچه منتقل به خانه دیگر شود و آدم بدکار میت است اگرچه در دنیا باشد و قناعت میپوشاند فقر و فاقه را و تدبیر زیاد میکند اندک را و برای فرزند آدم چیزی نافع تر نیست از توکل بر خدای سبحانه.

و از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب امالی مسنداً از رسول خدا تعالی صلی الله علیه وآله روایت شده که آگاه باشید کسی که تصدق کند به صدقه ای برای او باشد به هر درهمی مانند کوه احد از نعمتهای بهشت. و از ابی قلابه از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که یک درهم در راه خدا خرج کند، بنویسد خدا برای او هفتصد حسنه. و از ابن ابی جمهور علیه الرحمة در کتاب درر اللثالی از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که نماز عمود دین و اسلام است و صدقه چیز

عجیبی است، چیز عجیبی است، چیز عجیبی است. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خدای تعالی عطا نمیفرماید به احدی پنج خصلت را مگر آنکه مهیا میفرماید برای او پنج چیز دیگر. عطا نمیفرماید به او شکر را مگر آنکه مهیا میفرماید برای او زیادتى نعمت را و عطا نمیفرماید دعا را به او مگر آنکه مهیا میفرماید برای او اجابت را و عطا نمیفرماید به او طلب مغفرت و آمرزش را مگر آنکه مهیا میفرماید برای او قبول را و عطا نمیفرماید به او صدقه دادن را مگر آنکه مهیا میفرماید برای او جانشین را.

مؤلف گوید_ که پنجمی بنابر آنچه در حاشیه کتابی که این حدیث از آن کتاب نقل شده این است که عطا نمیفرماید به او ایمان را مگر آنکه مهیا میفرماید برای او بهشت را. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که در معراج دیدند که بر در بهشت سه سطر نوشته بود.

سطر اول بسم الله الرحمن الرحيم منم خدائی که نیست خدائی غیر از من، پیشی گرفته رحمت من غضب مرا و سطر دوم بسم الله الرحمن الرحيم صدقه به ده تا است و قرض به هجده تا و صله رحم به سی تا و سطر سوم کسی که قدر و ربوبیت مرا بشناسد، در رزق مرا متهم نمیکند. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که از برای سخی سه

علامت است. اول عفو و گذشت با قدرت بر تلافی، دوم دادن زکوة، سوم دوست داشتن صدقه.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که میفرماید چیزی نیست مگر آنکه موکل نموده ام کسی را غیر از خودم که او را قبض کند مگر صدقه که آنرا خودم قبض میکنم بدست خود حتی اینکه مرد یک یا نصف خرما تصدق میکند، من او را تربیت میکنم مثل کوه احد یا بزرگتر و روز قیامت به صاحبش رد میکنم.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که سه نفر خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله رسیدند یک کدامشان گفت: یا رسول الله من صدوقیه طلا دارم این ده وقیه صدقه باشد. دومی گفت: من صد دینار دارم این ده دینار صدقه باشد. سومی گفت: من ده دینار دارم این یک دینار صدقه باشد.

پس حضرت فرمود: تمام شما در اجر مساوی هستید، چه آنکه همه تان ده یک مالتان را دادید. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هر معروف و احسانی صدقه است، چه نسبت به غنی باشد یا نسبت به فقیر؛ پس تصدق کنید ولو به نصف خرما باشد. و خود را از آتش نگاه دارید ولو به نصف خرما باشد و از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: صدقه پنهانی که مستحب باشد، ثوابش

هفتاد مقابل علانیه آنست و صدقه واجبه علانیه آن ثوابش بیست و پنج
برابر پنهانی آن است.

فصل دوم

در فوائد صدقه و منافع احسان به خلق

بسم الله وله الحمد. از جمله فوائد صدقه زیادتی عمر و مال است. از عبدالله بن طلحه علیه الرحمة از حضرت صادق از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که تواضع و فروتنی زیاد نمیکند بنده را مگر رفعت و بلندی را، پس متواضع باشید تا آنکه خدا شما را بلند کند و صدقه زیاد نمیکند مال را مگر بسیاری، پس صدقه بدهید خدا شما را رحمت کند و عفو و گذشت زیاد نمیکند بنده را مگر عزت، پس عفو و گذشت داشته باشید تا خدا شما را عزیز کند.

و از هارون بن عیسی علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که در حدیثی به فرزند خود میفرماید آیا ندانسته ای که برای هر چیزی مفتاح و کلیدی میباشد و مفتاح رزق و کلید روزی صدقه است.

و از قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب نقل شده که میفرماید روایت شده که ملک الموت علیه السلام داخل شد بر جناب سلیمان علیه السلام و مردی نزد آن جناب بود. پس گفت از عمر این مرد باقی نمانده مگر پنج روز، بعد آن مرد قرص نانی را به سائلی صدقه داد، پس

آن سائل گفت خدا عمرت را زیاد کند، پس خدا زیاد فرمود در عمرش پنجاه سال.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که نیکی و صدقه برطرف میکند فقر را و زیاد میکند عمر را. و روایت شده که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده عرض کرد عملی به من یاد ده که هرگاه آنرا بجا بیاورم خدا و مردم مرا دوست داشته باشند و مالم زیاد شود و بدنم صحیح و عمرم طولانی شود و خدا مرا با شما محشور بفرماید. حضرت فرمود: این شش خصلت است هرگاه خواسته باشی خدا تو را دوست بدارد، پس بترس از او و باتقوی و پرهیزگاری باش و هرگاه بخواهی مردم تو را دوست داشته باشند، پس طمع خود را قطع کن از آنچه در دست ایشانست و هرگاه به خواهی که مالت زیاد شود، پس صدقه بسیار بده و اگر میخواهی بدنت صحیح و سالم باشد، پس روزه بسیار بگیر و اگر میخواهی عمرت طولانی شود، پس صله رحم بجا بیاور و اگر میخواهی خدا تو را با من محشور بفرماید، پس سجده بسیار بکن.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که بر شما باد به صدقه زیرا که در صدقه شش خصلت است، سه در دنیا و سه در آخرت. اما آن سه که در دنیا است زیاد میکند عمر را و زیاد میکند روزی را و آباد

میکند دیار را و اما آن سه که در آخرت است پس میپوشاند عورت
یعنی عیب و نقص را و سایه می افکند بر شخص و مانعی میشود بین او
و بین آتش.

و از طاووس یمانی علیه الرحمة از حضرت علی بن الحسین علیهما
الصلوة والسلام روایت شده که علامات مؤمن پنج چیز است، عرض
میکند آن پنج علامت چیست؛ میفرماید: ورع در خلوت و صدقه با کمی
مال و صبر در نزد مصیبت و ناراحتی و حلم و بردباری در وقت غیظ و
غضب و صدق در نزد خوف.

و از جمله

فوائد صدقه سایه بودن آن است بر سر صاحبش در قیامت: از رسول_ خداتعالی صلی الله علیه وآله روایت شده که زمین در روز قیامت آتش است سوای سایه مؤمن، چه آنکه صدقه او سایه می افکند بر او و نیز میفرماید مؤمن در سایه صدقه خود خواهد بود در قیامت و ایضا میفرماید دیشب عجایی دیدم تا آنکه میفرماید مردی از امت خود را دیدم که خود را بدست و صورت خود از آتش و شراره آتش نگاه میداشت، پس صدقه او آمد و سایه افکند بر سرش و ستری شد بر صورتش. و از تفسیر حضرت عسکری علیه الصلوة والسلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که ای بندگان خدا اطاعت کنید خدا را در ادای نمازهای مکتوبه و زکوةهای مفروضه و تقرب بجوئید بسوی خدا بعد از آن به نوافل و طاعات مستحبه چه آنکه خدای عزوجل ثوابهای بزرگ به آن عطا میفرماید.

و از جمله

فوائد صدقه آنست که خطاها و لغزشها را خاموش میکند و از بین میبرد. از شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیر خود از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که صدقه پنهانی خاموش میکند خطیئه و گناه را همچنانکه آب آتش را خاموش میکند و دفع میکند هفتاد در از بلا را. و از قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از

جناب لقمان علیه السلام روایت شده که به فرزند خود میفرماید هرگاه مرتکب خطائی شدی پس صدقه بده یعنی تا آن خطا را نابود نماید.

فصل سوم

در دشواری صدقه بر شیطان

از عبدالله بن سنان علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چیزی بر شیطان سنگین تر از صدقه مؤمن نیست و این صدقه واقع میشود بر دست خدای تبارک و تعالی پیش از آنکه واقع شود بر دست پنده.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که از شیطان پرسیدند که چرا از صدقه دادن مردم جلوگیری میکنی؛ گفت چون صدقه ای داده شود کانه اره ای بر سر من گذاشته میشود و مانند چوب بریده میشود.

حضرت فرمود: چرا این جور است؛ گفت برای اینکه در صدقه پنج خصلت است: اول آنکه زیاد میکند در مال، دوم آنکه شفا است برای مریض، سوم آنکه دفع میکند بلا را، چهارم آنکه صدقه دهنده مانند برق خاطف از صراط میگذرد، پنجم آنکه داخل میشود در بهشت بدون حساب و عذاب.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مداوا کنید مریضهای خود را به صدقه.

و از قطب راوندی علیه الرحمة نقل شده که شیطان میگوید که من در سه جا از بنده غایب نمیشوم هرگاه بخواهد صدقه بدهد و هرگاه با زن اجنبی در مکان خلوتی باشد و در نزد موت.

فصل چهارم

در مدم اعانت عیال مندان

بسم الله وله الحمد. روایت شده که خداوند متعال وحی فرمود به جناب جبرئیل که اگر تو را بفرستم به دنیا و تو را از اهل آن قرار دهم، چه خواهی کرد از طاعات، عرض کرد خودت بهتر میدانی ولیکن سه کار خواهم کرد. اول آنکه اعانت خواهم کرد عیال مند را در نفقه بر عیالش؛ دوم عیوب مردم و گناهانشان را خواهم پوشید، بطوریکه احدی از خلقت مطلع نشود بر عیوب و گناهانشان بغیر خودت، سوم به تشنه آب خواهم داد و سیرابش خواهم نمود. و از جناب ابی بصیر علیه الرحمة از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که هر آینه اگر یک حج به جا بیاورم دوست تر است به سوی من از آزاد کردن هفتاد بنده و هر آینه اگر یک خانواده را رسیدگی کنم و آنها را سیر کنم و بپوشانم و آبروی

آنها را حفظ کنم، یعنی احتیاج به مردم نداشته باشند دوست تر است به سوی من از هفتاد حج.

و از ابن اسحق روایت شده که در مدینه چندین خانواده بود که روزی و مایحتاج آنها میرسید و نمی فهمیدند که از کجا است.

چون حضرت علی بن الحسین علیهما الصلوة والسلام از دنیا رحلت فرمود، آن روزی شان قطع شد.

فصل پنجم

در لزوم اخلاص و مدح آن

بسم الله وله الحمد. از کتاب اختصاص از حضرت علی علیه السلام روایت شده که خیری نیست در گفتار مگر با عمل تا آنکه میفرماید و نه در صدقه مگر با نیت یعنی قصد قربت.

و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که هفت طایفه میباشند که خدا آنها را در سایه خود قرار خواهد داد روزی که سایه ای نباشد غیر از سایه او؛ اول امام و پیشوای عادل، دوم جوانی که جوانی خود را در عبادت خدای عزوجل گذرانده باشد، سوم مردی که قلبش متعلق باشد به مسجد تا آنکه برگردد به سوی آن، چهارم دو مردی که با هم تماس بگیرند در طاعت خدا و از هم جدا شوند در طاعت خدا، پنجم

مردی که در خلوت به یاد خدا باشد و چشمش اشک آلود شود، ششم
مردی که زن باحسب و جمالی او را دعوت کند بسوی خود پس آن مرد
بگوید من از خدا میترسم که دعوت تو را قبول کنم، هفتم مردی که
صدقه بدهد و آن را مخفی کند بطوریکه دست چپش مطلع نشود به آنچه
دست راست میدهد.

و از کتاب جعفریات مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده
که احسان به خلق دفع میکند مردن بد را و صدقه در پنهانی خاموش
میکند غضب پروردگار را و صله رحم عمر را زیاد و فقر را برطرف
میکند. و گفتن لا حول و لا قوة الا بالله العظیم گنجی است از
گنجهای بهشت و این کلمه طیبه شفا است از نود و نه درد که پائین ترین
آن، هم و غم است. و از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده
که آیا خبر ندهم شما را به پنج خصلت که از بر و نیکی است و بر و
نیکی شخص را بهشتی میکند، عرض شد چرا، فرمود: مخفی و کتمان
نمودن مصیبت و صدقه که بدهی آن را بدست راست بطوریکه دست
چپت نفهمد و نیکی بوالدین چه آنکه رضای خدا در آن است و بسیار
گفتن لا حول و لا قوة الا بالله العظیم زیرا که این کلمه از گنجهای
بهشت است و محبت و دوستی محمد و آل محمد علیه و علیهم الصلوة_
والسلام.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که برای صدیق سه علامت است اول کتمان صدقه، دوم کتمان مصیبت، سوم کتمان عبادت.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چهار چیز است که از گنجهای بهشت است اول کتمان مصیبت، دوم کتمان وجع و درد، سوم کتمان صدقه، چهارم کتمان حاجت. و گفته شده و نیکو گفته ایست بر تو باد به کتمان شش چیز که از اعمال صالحین و جواهر متقین است بر تو باد به کتمان فقر و فاقه حتی کانه غنی و بی نیازی و بر تو باد به کتمان صدقه حتی کانه تو بخیلی و بر تو باد به کتمان بغض و دشمنی حتی کانه محب و دوستی و بر تو باد به کتمان غیظ و غضب حتی کانه راضی و خوشنودی و بر تو باد به کتمان نوافل و مستحبات حتی کانه کوتاهی میکنی و بر تو باد به کتمان الم و درد حتی کانه در عافیتی.

فصل ششم

در مذمت سنّال ولو با احتیاج

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خداوند عالم کراهت دارد برای شما سه چیز را: بگونگو کردن را و بسیار سؤال کردن و ضایع کردن مال را و نیز از آن حضرت روایت شده که مردی عرض کرد یاد ده مرا عملی که حائل نشود چیزی بین آن عمل و بهشت؛ حضرت فرمود: غضب نکن و از مردم چیزی سؤال نکن و برای مردم بپسند آنچه را که برای خود می‌پسندی.

و از عبدالله بن طلحه از حضرت صادق از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که پروردگار من مرا امر فرموده به هفت خصلت؛ حب مساکین تا آنکه میفرماید و اینکه از احدی چیزی سؤال نکنم.

و از شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب عیون از جناب سلمان رضی الله عنهم روایت شده که خلیل من رسول خدا صلی الله علیه وآله مرا وصیت و سفارش نموده به هفت خصلت که در هیچ حالی ترک نمیکنم آن خصلتها را. اول اینکه نظرم به پائین تر از خودم باشد؛ دوم آنکه به بالاتر از خود نظر نداشته باشم؛ سوم آنکه دوست بدارم فقرا را و نزدیک به آنها شوم؛ چهارم آنکه حق بگویم اگرچه تلخ است؛ پنجم آنکه صله رحم را بجا آورم اگرچه آن رحم از من اعراض کند؛ ششم آنکه از کسی

چیزی نخواهم؛ هفتم آنکه بسیار بگویم لا حول و لا قوة الا بالله چه آنکه این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت.

و از جناب ابی حمزه علیه الرحمة از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده قسم یاد میکنم که سه چیز است که حق است، عطا نمیکند هیچ مردی چیزی از مالش را و مالش کم شود و صبر نمیکند بر ظلمی مگر آنکه خدا عزت او را زیاد میفرماید و باز نمیکند به روی خود در سئوالی را مگر آنکه خدا باز میکند به روی او دری از فقر را.

و از نهج البلاغه از حضرت علی علیه السلام روایت شده که یاس از مردم بهتر است از چیز خواستن از آنها و چقدر قبیح است خضوع و تواضع در وقت احتیاج به مردم و جفا کردن بر مردم وقت بی نیاز بودن از آنها.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که اعرابی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده عرض نمود یا محمد(ص) خبرده مرا به عملی که به واسطه آن خدا مرا دوست بدارد، فرمود: یا اعرابی زهد بورز در دنیا تا خدا تو را دوست بدارد و زهد بورز در آنچه در دست مردم است تا مردم تو را دوست بدارند.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که باید جمع شود در تو احتیاج به سوی مردم و بی نیازی از ایشان یعنی چون با مردم تماس

میگیری خوش رو و خوش حرف باش کانه به ایشان محتاجی، و از طرف دیگر آبرو و عزت خود را نگاه دار کانه از ایشان بی نیازی. و از جعفریات مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده اجر و پاداش کسیکه حق خود را مثل زکوة یا خمس و نحو آن از مردم طلب کند، مثل اجر دهنده آنست.

فصل هفتم

در مذمت محروم کردن سائل

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا تعالی صلی الله علیه و آله نقل شده که احتیاج ها امانت است از طرف خدا در سینه بندگان پس کسی که حاجت خود را پنهان کند نوشته میشود برای او عبادتی و کسی که حاجت خود را فاش کند، حق است بر کسیکه بشنود آن را اینکه اعانت کند او را.

و از احمد بن فهد علیه الرحمة در کتاب عدة الداعی از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که اگر بداند سائل آنچه از وزر و وبال بر او هست احدی از احدی سؤال نمیکند و اگر آن کسی که از او سؤال میکنند، بداند آنچه را که بر او هست اگر محروم کند سائل را، احدی احدی را محروم نمیکند.

و از جناب محمد بن مسلم علیهما_ الرحمة از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که اگر سائل بداند آنچه در سؤال است، احدی سؤال نمیکند از احدی و اگر عطا کننده بداند آنچه در عطا هست، احدی رد نمیکند احدی را.

و از زید شحام علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که جبرئیل علیه السلام آمد نزد حضرت ابراهیم علیه الصلوة والسلام و عرض کرد پروردگار من مرا فرستاده بسوی بنده ای از بندگانش که او را خلیل خود بگیرد؛ ابراهیم فرمود: آن کس کیست که من خدمت کنم او را تا وقتی که بمیرم، جبرئیل عرض کرد آن کس توئی، فرمود: به چه جهت خدا میخواهد مرا خلیل خود اخذ کند؛ عرض کرد برای آنکه تو هرگز چیزی از کسی نخواسته ای و کسی هم از تو چیزی نخواست و تو بگوئی نه یعنی او را محروم کنی.

و روایت شده که خدای تعالی روز قیامت به بعضی از بندگانش خواهد فرمود من از تو طعام خواستم ندادی، آب خواستم ندادی، لباس خواستم ندادی، پس آن بنده بگوید کی و چگونه بود، بفرماید فلان گرسنه از تو طعام خواست، ندادی و فلان برهنه لباس خواست، ندادی؛ پس هرآینه البته امروز تو را از فضل خود منع می کنم همچنان که تو او را منع نمودی.

و از شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که برای سائل حقی است اگرچه بیاید نزد تو و بر اسبی سوار باشد.

و از کتاب جعفریات مسنداً از حضرت علی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که سائل فرستاده خدا است، پس کسی که عطا کند به او، به خدا عطا نموده و کسی که رد کند او را، خدا را رد نموده. و نیز از حضرت علی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده قطع نکنید بر سائل سؤال او را بگذارید از حال خود شما را خبر دهد و درد دلش را برای شما بگوید.

و از علی علیه السلام روایت شده که سائل را رد نکنید ولو به نصف خرما باشد و عطا کنید سائل را اگرچه بیاید بر اسبی. و از جناب عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیهما الصلوٰة والسلام روایت شده کسی که سائل را محروم کند، ملائکه تا هفت روز به خانه او نخواهند آمد.

فصل هشتم

در مدح ابتداء به احسان قبل از سؤال

بسم الله وله الحمد. از ابی یعلی جعفری علیه الرحمة روایت شده که معاویه از حضرت امام حسن علیه الصلوة والسلام از کرم سؤال نمود؛ حضرت فرمود: کرم احسان کردن و عطا نمودن است پیش از سؤال. و از نهج البلاغة از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که سخاوت، ابتدا کردن به احسان است قبل از سؤال و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه شخص بداند برادر مؤمنش محتاج است و چیزی به او ندهد تا آنکه سؤال کند بعد بدهد، بر اینجور دادن، اجر داده نمیشود.

و از شهید علیه الرحمة در کتاب درة الباهرة از حضرت امام حسن علیه الصلوة والسلام روایت شده که معروف آن احسانی است که بدون ملاحظه یعنی زود انجام داده شود و بعد هم منت بر کسی که به او احسان نموده نگذارد.

و از مصعدة بن صدقه از حضرت صادق از امیرالمؤمنین علیهما الصلوة والسلام روایت شده که اگر من عطا نکنم به کسی که توقع و انتظار احسان از من دارد مگر بعد از سؤال عطا نکرده ام به او مگر ثمن و بهای آنچه از او گرفته ام که آبروی او باشد. و از حضرت صادق علیه

السلام روایت شده که خدای تعالی جزا میدهد معروف و احسان را
هرگاه پیش از سؤال باشد.

فصل نهم

در مذمت منت گذاشتن و اذیت نمودن بعد از احسان

بسم الله وله الحمد. روایت شده که خداوند متعال به جناب موسی علی نبینا _ وآله وعلیه السلام میفرماید یا موسی من سه کار نسبت به تو کرده ام، تو نیز سه کار بکن. موسی(ع) عرض نمود آن سه کار کدام است؛ فرمود: اول آنکه نعمت بسیار به تو داده ام و منت بر تو نگذاشته ام، تو نیز هرگاه احسانی به خلق من نمودی منت بر ایشان نگذار؛ دوم آنکه اگر جفا نسبت به من بسیار کنی و پس از آن عذر بخواهی عذر تو را قبول میکنم، تو نیز قبول کن عذر کسی را که به تو جفا کند، سوم آن که من عمل فردا را از تو نمیخواهم، تو نیز رزق فردا را از من نخواه.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که افضل اعمال، سه عمل است. اول تواضع در نزد دولت، دوم عفو و گذشت در نزد قدرت، سوم عطیه بدون منت.

و از جناب لقمان علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام نقل شده که دو چیز به یادت باشد و از دو چیز فراموش کن. اما آن دو که همیشه باید به یادت باشد، خدا و مرگ است و اما آن دو که باید فراموش باشد، یکی احسانت به غیر و دیگر بدی غیر نسبت به تو.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که سه نفرند که خدا به ایشان نظر نمیکند؛ اول کسی که چون احسان به کسی بکند، بسیار منت بر او بگذارد؛ دوم عاق والدین؛ سوم مدمن خمر یعنی کسی که هر وقت شراب گیرش بیاید، میخورد. و نیز میفرماید عاق والدین و مدمن خمر و منانداخل بهشت نمیشوند. و نیز میفرماید کسی که احسان کند به مؤمنی بعد او را به سخنی اذیت کند یا منت بر او بگذارد، خدا احسان او را باطل کند. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که منت، احسان را خراب میکند.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که به برادرش احسانی کند، پس منت بگذارد، خدا عمل او را حبط میفرماید و از خداوند عالم جل و علا روایت شده که بهشت را حرام کرده ام بر منان و بخیل و تمام یعنی خبرکش.

و از بقراط نقل شده که انسانیت، تواضع است در نزد دولت و عفو در نزد قدرت و سخاوت با کمی مال و عطا کردن بدون منت.

مؤلف گوید که منت گذاشتن به زبان حال نیز مذموم است و مطلب دیگر آنکه منت گذاشتن بر خدا نیز عمل را بی اثر میکند و از درجه اعتبار میاندازد و معصیت و نافرمانی خداوند عالم به منزله اذیت کردن خدا است و اجر و ثواب عمل خیر را از بین میبرد.

فصل دهم

در مدح شکر احسان و مذمت کفران

از حافظ برسی علیه الرحمة در کتاب مشارق الانوار روایت شده که فقیری از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود، حضرت به غلام خود فرمود چقدر پول نزد تو هست، عرض کرد چهارصد درهم، فرمود بده به این مرد. پس چون آن مرد پول را گرفت، بر گشت در حالتی که شکر میکرد. حضرت به غلام فرمود: برگردان او را. غلام گفت ای سید من، این مرد از شما سؤال کرد به او عطا فرمودی، دیگر به او چه کاری داری؛ پس حضرت به آن مرد فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرموده که بهترین صدقه آن صدقه ایست که بی نیاز کند صدقه گیرنده را و ما به این عطایی که به تو کردیم، تو را بی نیاز نکردیم. این انگشتر را بگیر که ما آن را به ده هزار درهم خریده ایم، هر وقت احتیاج پیدا کردی به همین قیمت آن را بفروش.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که خیری نیست در مصاحبت کسی که شش خصلت در او باشد: اول آنکه چون سخن بگوید دروغ باشد، دوم چون تو سخنی بگوئی تکذیب کند تو را، سوم آنکه اگر او را برای امری امین قرار دهی خیانت کند، چهارم آنکه اگر تو را بر امری امین قرار دهد تو را متهم کند به خیانت، پنجم آنکه چون به او احسان کنی کفران میکند و اگر او به تو احسانی کند منت میگذارد بر تو.

و از جناب زرارة علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خدا لعنت کند آن کسی را که قطع کند راه معروف را یعنی مناع للخیر باشد؛ گفته شد که قطع کننده راه معروف چیست؛ فرمود: شخص به او احسان میشود و او کفران میکند، پس کفران او مانع میشود احسان کننده را از اینکه به کس دیگر احسان کند. و از امدی در کتاب غرر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که چون به تو احسانی شود، پس به یادت باشد و چون تو به کسی احسان کنی فراموش کن آن را.

و از شیخ ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیر خود از عبدالله بن ابی اوفی روایت شده که چون کسی صدقه ای خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله می آورد، حضرت میفرمود: اللهم صلّ علی آل فلان، پس پدرم روزی صدقه ای نزد حضرت آورد. حضرت فرمود: اللهم صلّ علی آل ابی اوفی.

و از شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب عیون و محاسن از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که در مقام تأدیب و تربیت اصحاب خود میفرمود: کسی که دستش کوتاه باشد از تلافی احسانی که کسی به او کرده، پس باید او را به زبان شکر کند و نیز میفرماید از حق شکر خدای

تعالی آن است که شکر کند آن کسی را که آن نعمت به وسیله او به او رسیده.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که سه گناهست که عقوبت آن در دنیا به شخص میرسد و به آخرت نمی افتد: عقوق والدین و بغی و ظلم و کفران احسان.

و از ابی القاسم کوفی علیه الرحمة در کتاب اخلاق روایت شده که در حکمت آل داوود علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام نوشته شده که شکر کن کسی را که نعمتی به تو میدهد و نعمت بده به کسی که شکر میکند تو را، چه آنکه زوالی نیست برای نعمتها هرگاه شکر کرده شود و بقائی نیست برای نعمت هرگاه کفران شود و شکر موجب میشود زیادتی نعمت را و امانست از تغییر کردن نعمت. مؤلف گوید که معروف و صدقه و احسان مختص به مال نیست، بلکه هر نیکی و خوبی که شخص به برادران دینی خود بکند، داخل در معروف و صدقه است. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که صدقه ای که خدا آنرا دوست دارد، اصلاح بین مردم است هرگاه بین آنها فساد باشد و نزدیک کردن آنها به یکدیگر هرگاه از هم دور باشند قلباً.

و از کتاب دررالثالی از سمرة بن جندب از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که مردم تصدق نمیکند به صدقه ای که افضل و بهتر

باشد از سخن خوب، سخنی که به واسطه آن اسیری آزاد شود یا خیری به برادرت برسد یا دفع شود از او مکروهی یا ظلمی.

و از جناب محمد بن یعقوب مسنداً از ابی الحسن علیه السلام روایت شده کسی که نمیتواند نسبت به ما صله بجا بیاورد، پس باید نسبت به فقرای شیعه ما صله بجا آورد و کسی که نمیتواند قبور ما را زیارت کند، پس زیارت کند برادران صالح ما را.

و از جناب صدوق علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که قادر نیست بر صله ما، پس باید صله کند صالحین از موالی ما را که نوشته میشود برای او ثواب صله ما و کسی که قادر نیست بر زیارت ما، پس باید زیارت کند صالحین از موالی ما را که نوشته میشود برای او ثواب زیارت ما.

فصل یازدهم

در مدح بذل و بخشش در راه حق و خیر

بسم الله وله الحمد. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که برای اهل تقوی علامات و نشانه هائی است که به آن علامات شناخته میشوند: اول صدق حدیث، دوم ادای امانت، سوم وفای به عهد، چهارم قلت فخر، پنجم تحمل و بردباری، ششم صله رحم، هفتم ترحم بر ضعفا، هشتم بذل معروف، نهم حسن خلق، دهم سعه حلم، یازدهم متابعت و پیروی از علم

و دانش در آنچه نزدیک میکند شخص را بسوی خدای تعالی؛ خوشا به حال این جماعت و نیکو محل بازگشتشان.

و از برید عجلی از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که از بقاء مسلمین و بقاء اسلام آن است که اموال نزد کسانی باشد که خرج و صرف میکنند در راه حق و به جا می آورند در اموالشان معروف و احسان را و از فناء مسلمین و اسلام آن است که اموال نزد کسانی باشد که آن را خرج و صرف نمیکند در راه حق و به جا نمی آورند در اموال خود معروف را.

و از کتاب ثواب الاعمال مسنداً از جناب علی بن یقطين علیه الرحمة از حضرت موسی بن جعفر علیهما الصلوة والسلام روایت شده که در بنی اسرائیل مؤمنی بود که همسایه کافری داشت و آن کافر احسان و نیکی میکرد نسبت به او چون آن کافر از دنیا رفت خدا برای او در آتش خانه ای بنا نمود از گل که آن خانه او را از حرارت آتش نگاه میداشت و روزی او از غیر جهنم می آمد و به او گفته شد که این رفتاری که با تو میشود به واسطه احسان و نیکی که مینمودی به فلان همسایه مؤمن در دنیا.

مؤلف گوید در صورتیکه احسان و نیکی به مؤمن به حال کافر این آثار را داشته باشد، به حال مؤمن چگونه خواهد بود.

و از حریر یامرازم از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هر مؤمنی که معروف و احسانی به برادر مؤمن برساند، پس به تحقیق که به رسول خدا صلی الله علیه وآله رسانیده.

و از کتاب جعفریات مسنداً از حضرت علی بن ابی طالب علیهما الصلوة والسلام نقل شده که کسیکه غضب خود را نگاه دارد و رضای خود را بسط دهد و معروف خود را بذل کند و رحم خود را صله نماید و امانت ادا کند، خدا او را در نور اعظم خود قرار خواهد داد در روز قیامت.

و از کتاب فقه الرضا علیه الصلوة والسلام از عالم علیه السلام روایت شده که هر معروفی صدقه است؛ راوی عرض میکند اگرچه آن کسی که معروف و احسان به او میشود غنی و دارا باشد؛ میفرماید اگرچه دارا باشد. و از امدی علیه الرحمة در کتاب غرر از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که بر شما باد به احسان و نیکی به خلق خدا چه آنکه این عمل خوب زاد و توشه ایست برای آخرت.

و از عیون الاخبار مسنداً از حضرت رضا علیه وعلی_ آبائه و ابنائه الصلوة والسلام روایت شده که رسول خدا فرمود رأس عقل بعد از ایمان تودد یعنی مودت به سوی مردم و احسان نمودن است به هر بر و فاجری. و از ابی القاسم کوفی در کتاب اخلاق نقل شده که جناب عیسی بن مریم علی نبینا وآله وعلیهما الصلوة والسلام به اصحاب خود فرمود که بسیار

کنید از آن چیزی که آتش آنرا نمیخورد؛ گفتند چیست آن فرمود: معروف و احسان.

و از کتاب ثواب الاعمال مسنداً از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خداوند متعال در روز قیامت به فقرا بفرماید تفحص و جستجو کنید میان مردم پس کسیکه به شما احسانی نموده دستش را بگیرید داخل بهشت نمائید. و از امدی علیه الرحمة در کتاب غرر از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام روایت شده که معروف و احسان تمام نمیشود مگر به سه چیز؛ اول کوچک شمردن آن، دوم تعجیل در آن، سوم پوشیدن آن چه آنکه هرگاه کوچک بشمری آن را پس به تحقیق که بزرگ نموده ای آن را و چون تعجیل کنی در آن، پس به تحقیق که گوارا نموده ای آن را بر آن کس که نسبت به او انجام داده ای و چون بیوشی آن را پس به تحقیق که تمام و کامل کرده ای آن را و نیز میفرماید چون احسان به کسی میکنی آن را پنهان دار و هرگاه کسی به تو احسان میکند پس اظهار کن آن را و نیز میفرماید تعجیل در معروف و احسان ملاک آن است.

و از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسنداً از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که معروف را دیدم که تمام و کامل نمیشود مگر به سه چیز؛ کوچک شمردن آن و پنهان کردن و تعجیل در آن، زیرا که

چون حقیر شمردی آن را بزرگ خواهی نمود آن را نزد کسی که آن احسان را به او کرده ای و هرگاه پنهان کنی آن را تمام و کامل نموده ای آن را و چون تعجیل کنی در آن، گوارا نموده ای بر آن شخص و اگر غیر این باشد، آن را کوچک و پست کرده ای.

مؤلف گوید که ما نسبت به خدا تعالی نیز همین جور باید باشیم، یعنی چون طاعت و عبادتی کنیم که به منزله احسان به خدا است، کوچک شمردن و آنرا پنهان کنیم و در بجا آوردن آن تعجیل نمائیم و چون خداوند عالم نعمتی به ما مرحمت بفرماید، آن را بزرگ شمردن اظهار نمائیم و پنهان کردن طاعت و عبادت مخصوص به مستحبات است و اما در واجبات باید آشکارا انجام داد.

فصل دوازدهم

در اهمیت زکوة و احسان به حیوانات

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هفت خانه است که رحمت بر آن خانه نازل نمیشود. اول خانه ای که در آن زن طلاق داده شده باشد، دوم خانه ای که در آن زنی باشد که نافرمانی شوهر کند، سوم خانه ای که در آن خیانتی باشد در امانت، چهارم خانه ای که در آن مالی باشد که زکوة آن داده نشده باشد، پنجم خانه ای که در آن وصیت میتی باشد یعنی مالی که کسی وصیت کرده به مصرفی برسانند و آن مال را به مصرفش نرسانیده باشند، ششم خانه ای که در آن شراب باشد، هفتم خانه ای که در آن زنی باشد که از مال شوهر بدزدد.

و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده که پنج چیز است که هرکس در آن پنج چیز خیانت کند، خدا را در روز قیامت ملاقات خواهد نمود در حالتی که از رحمت خدا بری و محروم باشد و بازگشت او بسوی آتش خواهد بود.

اول کسی که خیانت کند خدا را در وضوء و تمام و کامل بجا نیاورد آن طوری که پیغمبر خدا امر فرموده او را. دوم کسی که خیانت کند در نمازش، پس نمازش را آن طوریکه پیغمبر امر فرموده به جا نیاورد. سوم کسی که خیانت کند در روزه اش، پس روزه را آن طوریکه پیغمبر امر

نموده نگیرد. چهارم کسی که خیانت کند در حج خود و آن را آنجور که پیغمبر امر نموده انجام ندهد. پنجم کسی که خیانت کند در زکوتش، پس آن را نپردازد به آن جوری که پیغمبر دستور داده.

و از معلى بن خنيس عليهما الرحمة از حضرت صادق عليه السلام روايت شده که جناب عيسى بن مريم على نبينا وآله وعلیهما الصلوة والسلام چون از کنار دریا عبور فرمود، یک قرص نان از قوت خود به دریا افکند بعضی از حواریین گفتند یا روح الله و کلمته چرا این کار را کردی، این قرص نان قوت بود؛ فرمود: این قرص نان را در آب انداختم برای آنکه حیوانات دریائی بخورند و ثواب آن در نزد خدا بزرگ است. و از کتاب جعفریات مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه وآله روايت شده که داخل بهشت شدم دیدم در آن کسی را که کلب تشنه ای را آب داده بود. و نیز از جعفریات از رسول خدا صلی الله علیه وآله روايت شده که مشغول وضو گرفتن بود که گربه خانه نزد آن حضرت آمد، پس حضرت دانستند که تشنه است، پس ظرفی که از آن وضو میگرفتند نزد آن گربه گذاشتند، گربه آب آشامید، بعد حضرت به آنچه از آب زیاد آمد وضو گرفتند.

و از کتاب بحار از بعضی کتب مناقب مسنداً از نجیح روايت شده که حضرت امام حسن علیه الصلوة والسلام مشغول غذاخوردن بودند و کلبی

پیش آن حضرت بود، حضرت یک لقمه خودش میخورد و یک لقمه نزد آن کلب -

می انداخت، پس به حضرت گفت: یا بن رسول الله (ص) آیا این کلب را از طعام شما دور نکنم؛ حضرت فرمود: وابگذار او را، من از خدا حیا میکنم که جاننداری به صورت من نگاه کند و من غذا بخورم و به او ندهم.

فصل سیزدهم

در مدح مسرور کردن مؤمن و ذم ناراحت کردن او

بسم الله وله الحمد. از جناب ابی حمزه علیه الرحمة از حضرت باقر از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که مؤمنی را خوشحال کند، مرا خوشحال نموده و کسی که مرا خوشحال کند، خدای عزوجل را خوشحال نموده.

و نیز از آن حضرت روایت شده که تبسم مرد در صورت برادرش حسنه است و برطرف نمودن غم و اندوه از او حسنه است و عبادت نشده خدا تعالی به چیزی که دوست تر باشد به سوی او از خوشنود کردن مؤمن.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که مؤمنی را مسرور کند، خدا او را در روز قیامت مسرور خواهد نمود.

و از کتاب جعفریات مسنداً از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت شده هیچ چیز نزد خدای تبارک و تعالی افضل و بهتر از خوشحال کردن مؤمن یا برطرف نمودن گرسنگی از او یا رفع گرفتاری از او نیست. و از شیخ مفید علیه الرحمة در کتاب اختصاص از حضرت کاظم علیه - الصلوة والسلام روایت شده کسی که مؤمنی را مسرور کند، خدا و پیغمبر و ما را مسرور نموده.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که برادر خود را طوری ملاقات کند که او را مسرور کند، خدا او را در قیامت مسرور خواهد فرمود و اگر به جوری او را ملاقات کند که بدحال کند او را، خدا او را روز قیامت بدحال کند.

و از جعفریات مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که بر مردم رحم نکند، خدا بر او رحم نکند.

و از کتاب مجالس مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده خدای عزوجل، رحیم است و هر رحیمی را دوست میدارد.

و از علامه حلی رحمه الله در رساله سعدیه از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که قسم به آن کسی که جانم بدست او است که رحمت خدا نمیرسد مگر به کسی که با رحم باشد؛ اصحاب گفتند یا رسول الله همه ما رحم داریم؛ فرمود: رحیمی که رحمت خدا مخصوص او است

کسی نیست که فقط بر خود و اهلش رحم کند، بلکه آن کسی است که بر مسلمانان رحم کند.

و نیز میفرماید که خدای تعالی فرموده اگر شما رحمت مرا میخواهید پس رحم کنید. و از جناب صدوق علیه الرحمة در کتاب امالی مسنداً از نوف بکالی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که رحم کن تا رحم کرده شوی.

و از کتاب عوالی از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که رحمن یعنی خداوند عالم رحم میفرماید بر رحم کنندگان، رحم کنید بر کسانی که در زمین میباشند تا کسانی که در آسمان هستند بر شما رحم کنند

در مجمع البحرین میفرماید و در خبر است که خدا رحم میفرماید از بندگان کسانی را که دارای رحم باشند و نیز میفرماید و در خبر است کسی که رحم نکند، رحم کرده نمیشود.

فصل چهاردهم

در فضیلت و مدح صله رحم

بسم الله وله الحمد. از حکیم بن حزام علیه الرحمة روایت شده که از رسول خدا صلی الله علیه وآله سؤال میکند از بهترین صدقه، حضرت میفرماید بر قوم و خویشی که دشمن و از تو روگردان میباشد. و از شیخ - ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیر خود از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که صدقه تو بر یک فقیر، یک صدقه است و برخویشان دو صدقه؛ زیرا که هم صدقه است و هم صله رحم. و از آن جناب علیه وآله السلام نیز روایت شده که نیست صدقه ای و حال آنکه رحمی باشد محتاج و از جعفریات مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که صدقه ده برابر است و قرض الحسنه هجده برابر و صله برادران دینی بیست برابر و صله رحم بیست و چهار برابر. و از جناب ابی بصیر علیه الرحمة.

و از حضرت رضا از حضرت صادق علیهما الصلوة والسلام روایت شده که صله رحم بجا بیاور ولو بشریت آبی باشد و بهترین صله رحم خودداری کردن از اذیت او است.

و از اسحق_ بن عمار علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که صله رحم و احسان به خلق، حساب را آسان میکند و شخص را از گناه نگاه میدارد پس صله ارحام بجا آورید و به برادران دینی خود احسان کنید ولو به حسن سلام و جواب آن.

و روایت شده که به رسول خدا صلی الله علیه وآله گفته شد که بهترین مردمان کیست؛ فرمود: باتقوی ترین آنان و جدی ترین آنها در صله رحم و نیز میفرماید خدای تعالی وصیت میفرماید شما را به پدر و مادرهاتان، به درستی که خدا وصیت میکند شما را به فرزندان تان و ذوی الارحامتان الاقرب فالاقرب.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که ضامن شود برای من یک خصلت را، من ضامن میشوم برای او چهار خصلت را. آن یک خصلت صله رحم است. کسی که صله رحم بجا آورد، خدا او را دوست بدارد و روزی او وسیع گردد و عمر او زیاد شود و خدای تعالی داخل کند او را در بهشتی که به او وعده داده.

و روایت شده که حضرت موسی بن_ جعفر علیهما الصلوة والسلام یک روزی وارد شدند بر هارون الرشید، آن ملعون گفت قسم به خدا که تو را خواهم کشت؛ حضرت فرمود: این کار را مکن، چه آنکه من از آباء خود شنیده ام که رسول خدا فرموده که بنده صله رحم بجا میآورد و از اجل

او سه سال باقی مانده باشد، پس خدا آن را سی سال قرار میدهد و قطع رحم میکند و از اجل او سی سال باقی مانده، خدا آن را سه سال قرار میدهد. هرون گفت این حدیث را از پدرت شنیده ای؛ فرمود: بلی؛ پس هارون امر نمود صدهزار درهم به حضرت دادند و حضرت را برگردانید بسوی منزلش.

از جناب احمد بن فهد علیهما الرحمة در کتاب عدة الداعی از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که روز قیامت، امانت و رحم در دو طرف پل صراط خواهند بود. پس کسی که صله رحم بجا آورده و اداء امانت نموده از صراط بگذرد و داخل بهشت شود و کسی که در امانت خیانت نموده و قطع رحم کرده با این دو صفت هیچ عملی به او نفع ندهد و از صراط بیافتد میان جهنم.

و از جابر بن یزید علیهما الرحمة از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که سه خصلت است که زیاد نمیفرماید خدا برای کسی که دارای آن سه خصلت باشد مگر خیر و خوبی؛ اول عفو و گذشت از کسی که ظلم نموده باشد بر او، دوم عطا نمودن به کسی که محروم کرده باشد او را، سوم وصل کردن با کسی که قطع نموده از او.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هیچ قدم برداشتنی محبوبتر نیست به سوی خدا از دو قدم برداشتن، یکی رفتن به جهاد در راه خدا و دیگر رفتن به سوی رحمی که قطع کرده برای صله او.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز روایت شده که از جناب جبرئیل علیه السلام سؤال میفرماید از صدقه، پس جبرئیل علیه السلام میگوید صدقه پنج جور است. اول یکی به ده، دوم یکی به هفتاد، سوم یکی به هفتصد، چهارم یکی به هفتاد هزار، پنجم یکی به صد هزار. اما اول صدقه ایست که بدهی آن را به مردی که دست و پا و چشمش صحیح و سالم باشد، دوم صدقه ایست که بدهی آن را به زمین گیر، سوم صدقه ایست که بدهی آن را به والدین، چهارم صدقه ایست که بدهی آنرا به اموات پنجم صدقه ایست که بدهی آن را به طالب علم.

مؤلف گوید که احسان و نیکی به هر نحوی که باشد، صدقه است.

مطلب سوم

در فضیلت قرض دادن و مدح هدیه و تعارف

و در این مطلب چند فصل است

فصل اول

در فضیلت قرض دادن

بسم الله وله الحمد. از جناب فضیل بن یسار علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده هیچ مؤمنی نیست که به مؤمنی قرض بدهد برای خدا مگر آنکه حساب میشود برای او حساب صدقه تا وقتی که مالش به او برگردد.

و از جابر بن یزید علیهما الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده هیچ مسلمانی نیست که به مسلمانی قرض بدهد خالصاً لوجه الله مگر آنکه برای او باشد از اجر حسنات صدقه تا آنکه مالش به او رد شود.

و از جناب شیخ صدوق علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که هر که در بهشت نوشته شده که صدقه ده برابر و قرض هجده برابر و جهت اینکه ثواب قرض از صدقه بیشتر است آن است که قرض نمیخواهد مگر محتاج و لکن صدقه ممکن است داده شود به غیر محتاج.

و از عقاب الاعمال مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که به برادر مسلمانش قرض بدهد، خواهد بود برای او از اجر به هر درهمی به وزن کوه احد از کوه های رضوی و طور سیناء حسنات و اگر در مقام مطالبه به رفق و مدارا رفتار کند، روز قیامت از صراط مانند برق خاطف لامع خواهد گذشت بدون حساب و عذاب. و کسی که برادر مسلمانش نزد او شکایت کند و با امکان قرض به او ندهد، خدا بهشت را بر او حرام میفرماید در روزی که به نیکوکاران جزا میدهد.

و از عقاب الاعمال از رسول خدا صلی الله علیه وآله نیز روایت شده کسی که به درمانده ای قرض بدهد و در مطالبه اش خوب رفتار نماید، عمل خود را را سربگیرد یعنی گناهانش آمرزیده میشود و عطا میفرماید خدا به او به هر درهمی هزار قنطار از بهشت.

فصل دوم

در مدح مهلت دادن معسر و فضیلت آن

بسم الله وله الحمد. از معویة بن عمار از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که سه مرتبه فرمود کسی که میخواهد خدا او را در سایه خود قرار دهد، در روزیکه سایه ای جز سایه او نیست، پس باید مهلت بدهد معسر را یا آنکه از حق خود بگذرد.

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که یک روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله بالای منبر تشریف برد پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ایها الناس حاضرین به غائبین برسانند آگاه باشید کسی که مهلت بدهد، معسری را خواهد بود برای او بر خدای عزوجل در هر روزی صدقه ای مثل آنچه قرض داده تا وقتی که مالش به دستش بیاید.

و نیز از حضرت صادق از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که جایز نیست برای مسلمان اینکه سخت بگیرد بر برادر مسلمان و کسی که معسری را مهلت بدهد، خدا او را در سایه خود قرار دهد روزیکه سایه ای جز او نباشد.

و از عبدالله بن سنان از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده همان طوریکه حلال نیست برای کسی که از او طلب داری مداخله و مسامحه

در دادن طلب با امکان، همینطور برای تو هم حلال نیست سخت گیری
در صورتیکه بدانی معسر است.

فصل سوم

در مدح بخشیدن دین به مدیون و حلال کردن میت

بسم الله وله الحمد. از ابی الجارود علیه الرحمة از حضرت باقر از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که خوشحال میکند او را که خدا نکه دارد او را از نفحات جهنم، پس باید مهلت بدهد معسر را یا حق خود را واگذار کند به او.

از جابر بن یزید جعفی علیه الرحمة از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که یک روزی رسول خدا صلی الله علیه وآله در غرفه خود بود مردی را دید ملازم مرد دیگر و در عشای آن روز نظر کرد دید همانطور ملازم او است پس از غرفه پائین آمده فرمود چه شده شما را که اینجا هستید؛ یکی از آن دو گفت یا رسول الله (ص) من حقی به گردن این مرد دارم حقم را نمیدهد؛ دیگری گفت یا نبی الله بر من حقی دارد لکن من معسر و بخدا قسم ندارم بدهم.

پس رسول خدا (ص) فرمود کسی که میخواهد خدا او را از فوح جهنم در سایه قرار دهد، در روزی که سایه ای جز سایه او نیست، پس باید مهلت دهد معسر را یا باید حق خود را به او واگذارد. پس آن مرد گفت ثلث طلبم را فعلاً بده و ثلث دیگر تا یکسال مهلت و یک ثلث را به تو بخشیدم. پس حضرت فرمود: چه کار خوبی است این کار.

و از ابی الفتوح رازی علیه الرحمة در تفسیرش از ابی هریره از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که معسری را مهلت دهد یا از حق خود بگذرد، خدا او را در سایه عرش خود جای دهد روزی که سایه ای نباشد غیر از سایه عرش.

و از ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از ابن زبیر روایت شده که به امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام عرض کرد من در حساب پدرم یافتم که از پدر شما هشتاد هزار درهم طلبکار است؛ حضرت فرمود: پدرت راستگو می باشد و وجه را به او دادند. بعد آمد گفت من اشتباه کردم، پدر شما از پدر من طلبکار است؛ پس حضرت فرمود: پدرت را حلال کردم و آنچه گرفتی از من پس مال تو باشد. و از ابراهیم بن _عبد الحمید علیهما الرحمة روایت شده که به حضرت باقر علیه السلام عرض نمودم که برای عبدالرحمن بن سیابه دینی است بر مردی و آن مرد فوت کرده و از عبدالرحمن خواستیم که او را حلال کند، اباء و امتناع نمود. حضرت فرمود: وای بر او آیا نمیداند که اگر او را حلال نماید، به هر درهمی ده درهم خواهد بود و اگر حلال نکند، به هر درهمی یک درهم خواهد بود. مؤلف گوید که این مدح و فضیلت اختصاص به حق مالی ندارد، بلکه شامل حق جانی و عرضی نیز میشود یعنی اگر کسی به جان یا آبروی ما ضرر برساند، حلال کردن او ممدوح است و فضیلت دارد.

فصل چهارم

در فضیلت هدیه و تعارف

بسم الله وله الحمد. از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده نیکو چیزی است هدیه پیش از حاجت خواستن، و نیز از آن حضرت روایت شده که هدیه به یکدیگر بدهید و محبت و دوستی را با یکدیگر به واسطه آن جلب کنید.

و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده که به دیدن یکدیگر بروید که زیارت یکدیگر مودت و دوستی را زیاد میکند و هدیه و تعارف به یکدیگر بدهید که هدیه دادن عداوت و دشمنی را از بین میبرد.

و نیز از آن جناب روایت شده که هدیه و تعارف خوب چیزی است چه آنکه هدیه، مفتاح و کلید حوائج است.

و از حضرت علی علیه الصلوٰة والسلام روایت شده که هدیه و تعارف جلب میکند محبت و دوستی را.

و از کتاب جعفریات مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هدیه و تعارف سه جور است. یک جور هدیه مکافات یعنی کسی برای شخص هدیه آورده، شخص به عنوان تلافی برای او هدیه میفرستد و جور دیگر هدیه مصادعه است یعنی شخص برای کسی هدیه میفرستد

که او هم برای او هدیه بفرستد. و جور سوم هدیه ای است که نه مکافات است و نه مصانه بلکه برای خدا است.

مطلب چهارم

در فضیلت مهمانی کردن و مدح طعام دادن و در این مطلب دو فصل است

فصل اول

در فضیلت ضیافت و مدح گرامس داشتن مهمان

بسم الله وله الحمد. از کتاب جامع الاخبار از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوٰة والسلام روایت شده هیچ مؤمنی نیست که صدای مهمان را بشنود و خوشحال شود مگر آنکه گناهانش آمرزیده شود اگرچه بین زمین و آسمان را پر کرده باشد.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که مهمان دلیل است به سوی بهشت. و از کتاب عاصم از حضرت علی علیه السلام روایت شده که هیچ مؤمنی نیست که مهمان را دوست داشته باشد مگر آنکه از قبر بیرون بیاید در حالتی که صورتش مانند ماه شب چهارده باشد.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که چون خدا اراده بفرماید برای بنده خیری را، هدیه ای برای او بفرستد. گفتند آن هدیه چیست؛ فرمود: مهمان، روزی خود را می آورد و گناهان اهل آن خانه را میبرد.

و نیز میفرماید هیچ مؤمنی نیست که مهمانی بر او وارد شود و او به صورت آن مهمان نگاه کند مگر آنکه چشمش بر آتش حرام شود.

و از شاذان بن جبرئیل در کتاب فضائل مسنداً از عبدالله بن مسعود علیهم الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که بر در چهارم بهشت نوشته بود لا اله الا الله، محمد رسول الله (ص)، علی ولی الله (ع) کسی که ایمان به خدا و روز آخر دارد، پس باید اکرام کند مهمان خود را.

از جناب محمد بن یعقوب علیهما الرحمة مسنداً از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که رسول خدا نهی فرموده از ولیمه ای که اختصاص داده شود به آن ولیمه اغنیاء و فقرا ترک شوند.

و از قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده اجابت دعوت کسی که در ولیمه او اغنیاء حاضر میشوند دون فقرا کراحت دارد.

فصل دوم

در فضیلت اطعام و طعام دادن

بسم الله وله الحمد. روایت شده که حضرت ابراهیم علی نبینا وآله وعلیه الصلوة والسلام عرض کرد پروردگارا کسی که گرسنه ای را طعام بدهد، جزای او چیست؛ خدای تعالی فرمود جزای او غفران و آمرزش است اگرچه گناهان او پر کرده باشد مابین آسمان و زمین را. و روایت شده که مردی به رسول خدا_صلی الله علیه وآله گفت یا رسول الله(ص) کدام عمل افضل و بهتر است؛ فرمود: اطعام طعام و پاکیزگی کلام. و نیز میفرماید از چیزهایی که موجب مغفرت و آمرزش پروردگار میشود اطعام طعام است.

و از حضرت علی بن الحسین_علیهما الصلوة والسلام روایت شده کسی که طعام بدهد مؤمنی را، خدا او را از میوه های بهشت اطعام خواهد فرمود.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده هیچ مؤمنی نیست که طعام بدهد مؤمنی را چه دارا باشد و چه نادار، مگر اینکه خواهد بود برای او ثواب آزاد نمودن بنده ای از فرزندان اسماعیل علیه السلام.

و از حضرت علی علیه السلام روایت شده که قوت اجساد طعام است و قوت ارواح اطعام و طعام دادن.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که دوست ترین اعمال بسوی من مسلمان گرسنه ای را سیر کردن و دین او را اداء نمودن و غم و اندوه او را برطرف کردن است.

و از حضرت حسن بن علی علیهما الصلوة والسلام روایت شده که اگر تمام دنیا را یک لقمه کنم و بدهم به کسی که از روی خلوص عبادت میکند خدا را هرآینه خود را مقصر میبینم.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که بپوشاند مؤمنی را به جامه ای پیوسته در رحمت خدا خواهد بود مادامی که از آن جامه چیزی باقی باشد. و کسی که شربتی آب به او بچشاند، خدا از رحیق مختوم به او خواهد چشانیید. و کسی که او را سیر کند، خدای عزوجل او را از میوه های بهشت اطعام فرمود.

و نیز از آن جناب علیه السلام روایت شده کسی که طعام بدهد مؤمنی را تا اینکه سیر کند او را احدی از خلق خدا نمیداند آنچه را که برای او است از اجر در آخرت، نه ملک مقربی و نه نبی مرسل مگر خدا پروردگار عالمیان. و نیز میفرماید کسی که گرسنه ای را سیر کند بهشت برای او واجب شود.

و روایت شده اگر صد هزار درهم صرف طعامی شود و یک مؤمنی از آن طعام بخورد، هرآینه اسراف نخواهد بود.

و از جعفریات مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که بدون دعوت جائی که طعام میدهند برود داخل میشود در حالتی که گناه کار باشد و آنچه بخورد حرام خورده و از آن محل خارج شود در حالتی که مورد سخط باشد.

و از دعائم الاسلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که کسی که بخورد طعامی را که دعوت نشده به سوی آن، پس میخورد درجوفش شعله از آتش را و نهی فرمود از اینکه شخص از طعامی که دعوت شده به سوی آن بدون اذن صاحب طعام به کسی بدهد. و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که بخورد از طعامی که به سوی آن دعوت نشده، پس قطعه ای از آتش را خورده.

و نیز از آنجناب علیه السلام روایت شده که هرگاه یکی از شما را دعوت کنند به سوی طعامی فرزند خود را همراه خود نبرد، اگر این کار را کرد حرام خورده و داخل شده گناهکار.

و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده هشت نفرند که اگر اهانت و بی احترامی به آنها شد پس ملامت نکنند مگر خود را. اول آن کسی که برود بسوی مائده و سفره ای که به سوی آن دعوت نشده، دوم کسی که صاحب خانه را امر به چیزی کند، سوم کسی که از دشمنش خیر و خوبی بخواهد، چهارم کسی که از مردمان لئیم و بخیل توقع

احسان داشته باشد و از آنها بخواهد، پنجم کسی که داخل شود بین دو نفر در سری که او را داخل نکرده باشند در آن، ششم کسی که به سلطان استخفاف برساند، هفتم کسی که بنشیند در جایی که اهل بیت آن جا را نداشته باشد هشتم کسی که حرف بزند با کسی که گوش به حرفش نمیدهد.

مطلب پنجم

در فضیلت حفر یعنی کندن چاه و ساختن جانی در جاده ها

برای استفاده عابرین و غرس یعنی نشاندن درخت و زراعت
بسم الله وله الحمد. از راوندی علیه الرحمة در کتاب لب اللباب از
رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که حفر کند چاهی یا
حوضی را در صحرائی، درود بفرستند بر او ملائکه آسمان و خواهد بود
برای او به هر کسی که بیاشامد از آب آن چاه، هزار حسنه ی قبول شده.
و نیز از آن حضرت روایت شده کسی که چاه آبی حفر کند، تا به آب
بیاید و بذل کند آن را برای مسلمین، خواهد بود برای او مانند اجر
کسانیکه از آب آن چاه، وضوء بگیرند و نماز بخوانند.
و نیز از آن جناب علیه وآله الصلوة والسلام روایت شده هیچ مسلمانی
نیست که درختی بنشاند یا زراعتی زرع کند، پس از آن درخت و
زراعت انسانی یا حیوانی بخورد مگر آنکه برای او باشد ثواب صدقه.
و از ابی ایوب انصاری علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله
روایت شده کسی که درختی بکارد، پس آن درخت میوه بدهد، عطا
میفرماید خدا به او از اجر بقدر میوه ای که از آن درخت بعمل بیاید.
و نیز از آن حضرت (ص) روایت شده کسی که بنائی بنا کند یا غرس
کند درختی بدون ظلم و تعدی خواهد بود برای او اجر جاری مادامی که
احدی از خلق به آن منتفع شود.

مطلب ششم

در فضیلت ساختن مسجد و جاروب کردن و فرش نمودن

آن و روشن کردن چراغ در آن

بسم الله وله الحمد. از قطب راوندی علیه الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که کسی که بنا کند مسجدی به اندازه جایگاه کبوتری، بنا میفرماید خدا برای او خانه ای در بهشت.

و از شاذان بن جبرئیل در کتاب فضائل مسنداً از عبدالله بن مسعود علیهم الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که در شب معراج دیدند که بر در ششم بهشت نوشته است لا اله الا الله محمد رسول الله (ص) علی ولی الله.

کسی که دوست دارد قبرش وسیع باشد، پس باید بنا کند مساجد را. و کسی که دوست دارد حشرات زمین بدن او را نخورند پس باید مساجد را جاروب کند و تمیز نماید.

و کسی که دوست دارد لحدش روشن باشد، پس باید مساجد را روشن کند. و کسی که دوست دارد بدنش تر و تازه بماند و کهنه نشود، پس باید فرش برای مساجد بخرد.

از جناب محمد بن حسن علیهما الرحمة مسنداً از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که در مسجدی از مساجد خدا چراغی

روشن کند، پیوسته ملائکه و حمله عرش برای او طلب مغفرت و
آمزش کنند مادام که در آن مسجد روشنائی آن چراغ باشد.

هذا آخر ما اردنا ابراهه في هذه الوجيزة ولنختمها بذكر بعض الاخبار
الشريفة والاثار المنيفة وارجو من الله ان يتقبلها بقبول حسن و يجعلها
ذخرا ليوم الفاقه و المحن ثم الصلوة والسلام على محمد وعلى وآلهما
ورحمة الله و بركاته على مواليتهم و محبيهم و لعنة الله على اعدائهم و
مبغضيتهم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم.

خبر اول

از جناب سدید علیه الرحمة روایت شده که خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم، پس مذاکره مؤمن و آنچه از حق او واجب است به میان آمد، پس حضرت متوجه من شده فرمود یا ابالفضل آیا خبر ندهم تو را از حال مؤمن در نزد خدا، عرض کردم چرا خبر ده مرا فدایت شوم؛ فرمود: چون خدا روح مؤمن را قبض فرماید، دو ملکی که موکل نوشتن اعمال او بودند به آسمان بالا رفته عرض کنند پروردگارا بنده تو که خوب بنده ای بود، سریع بود در طاعت تو، بطیء و کند بود در معصیت تو، و او را به سوی خود قبض نمودی، وظیفه ما بعد از او چیست؛ پس خداوند جلیل جبار بفرماید بروید به سوی دنیا و نزد قبر او باشید و مرا تمجید و تسبیح و تهلیل و تکبیر کنید و بنویسید آن را برای بنده من تا وقتی که او را از قبرش مبعوث گردانم.

خبر دوم

از جناب ام سلمه علیها الرحمة از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که به حضرت علی علیه السلام میفرماید یا علی بدرستی که دوستان تو در سه جا خوشحال میشوند. یکی در وقت بیرون رفتن جانهایشان و تو در آنجا حاضر میشوی. و دیگر در نزد سؤال قبر و تو آنجا حاضر شده، او را تلقین میکنی. سوم وقت عرض بر خدا و تو در آنجا معرفی میکنی او را.

خبر سوم

از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده که خدای تبارک و تعالی میفرماید داخل بهشت میشوید به رحمت من و از آتش نجات می یابید به عفو من و بهشت را قسمت میکنید به اعمال خود.

مؤلف گوید بنابراین هرچه اعمال و اقوال نیکوی شخص بیشتر باشد، بهره او از بهشت بیشتر باشد. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده قسم به آنکسیکه کتاب یعنی قرآن را بر محمد نازل فرموده اهل بهشت هرآینه از حیث حسن و جمال رو بزیادی خواهند بود همچنانیکه در دنیا رو به پیری و قبح منظر میباشند. مؤلف گوید: برای اینکه لکل جدید لذة مصداق پیدا کند.

خبر چهارم

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خدا خلق نفرموده خلقی را مگر آنکه قرار داده برای او منزلی در بهشت و منزلی در آتش. پس چون اهل بهشت در بهشت و اهل آتش در آتش ساکن شوند، منادی ندا کند ای اهل بهشت مشرف شوید بر آتش، چون مشرف شوند منازلشان را به آنها نشان دهند. و به آنها بگویند که این منزلها جای شما بود که اگر معصیت و نافرمانی میکردید داخل آن میشدید. پس اگر بنا بود کسی

از شادی بمیرد، هرآینه اهل بهشت از فرح و خوشحالی میمردند به واسطه آنچه از عذاب از آنها برگردانیده شده.

بعد اهل آتش را ندا کنند که ای اهل آتش سرهای خود را بلند کنید و نظر کنید به سوی منزلهای خود در بهشت و آنچه در آن است از نعمتها، پس به آنها گفته شود که این منزلها مال شما بود که اگر اطاعت میکردید، جای شما اینجا بود. پس اگر بنا بود کسی از حزن و اندوه بمیرد، هرآینه اهل آتش در آن روز از حزن و اندوه میمردند.

پس منازل اهل بهشت را که در آتش دارند به اهل آتش به ارث بدهند و منازل اهل آتش را که در بهشت دارند به اهل بهشت بدهند.

خبر پنجم

روایت شده که مردی به نام مجاشع نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده عرض نمود راه معرفت حق یعنی خدای تعالی چیست؛ فرمود: معرفت نفس، عرض کرد راه به سوی موافقت حق چگونه است، فرمود: مخالفت نفس، عرض کرد راه به سوی رضا و خوشنودی حق تعالی چگونه است؛ فرمود: سخط نفس یعنی دشمن داشتن آن، عرض کرد راه به سوی وصل حق چگونه است؛ فرمود: هجرت نفس، عرض نمود راه بسوی طاعت حق کدامست؛ فرمود: عصیان نفس، عرض کرد طریق به سوی یاد حق چیست؛ فرمود: فراموش نمودن نفس، گفت راه به سوی

نزدیک شدن به حق کدام است؛ فرمود: دوری نفس، عرض نمود راه به سوی انس با حق چگونه است؛ فرمود: و حشت از نفس، عرض نمود راه به سوی همه اینها چیست؛ فرمود: استعانت به حق بر نفس.

خبر ششم

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که طلب کردم قدر و منزلت را پس نیافتم مگر به علم، تحصیل کنید علم را تا آنکه قدرتان بزرگ شود در دنیا و آخرت و طلب نمودم کرامت را پس نیافتم مگر به تقوی، پس تقوی داشته باشید تا آنکه مکرم باشید و طلب کردم غنی و بی نیازی را پس نیافتم مگر به قناعت، بر شما باد به قناعت تا آنکه بی نیاز باشید و طلب کردم راحت را پس نیافتم مگر به ترک خطله و آمیزش با مردم برای دنیا، ترک کنید دنیا و آمیزش با مردم را تا آنکه در دنیا و آخرت راحت باشید و از عذاب نیز ایمن باشید و طلب کردم سلامتی را پس نیافتم مگر به طاعت خدا، اطاعت کنید خدا را تا آنکه سالم باشید و طلب کردم خشوع را پس نیافتم مگر در قبول حق چه آنکه قبول حق دور میکند شخص را از تکبر و طلب نمودم عیش را پس نیافتم مگر به ترک هوی و هوس، پس ترک کنید هوی و هوس را تا آنکه زندگانی شما طیب و پاکیزه شود و طلب کردم مدح را پس نیافتم مگر به

سَخاوت، پس سخی باشید تا ممدوح باشید و طلب نمودم نعیم دنیا و آخرت را پس نیافتم مگر به این خصلت هائی که ذکر کردیم آن را.

خبر هفتم

بسم الله وله الحمد. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که طلب کردم بهشت را، پس یافتم آن را در سخاوت.

و طلب کردم عافیت را، پس یافتم آن را در عزلت و کناره گیری از خلق.

و طلب نمودم ثقل و سنگینی میزان را، پس یافتم آن را در شهادت به اینکه نیست خدائی جز خدا و اینکه محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا است.

و طلب کردم سرعت در دخول بهشت را، پس یافتم آن را در عمل برای خدای تعالی.

و طلب کردم حب موت را، پس یافتم آن را در پیش فرستادن مال خالصاً لوجه الله و طلب نمودم حلاوت و شیرینی عبادت را، پس یافتم آن را در جوع و گرسنگی و عطش و تشنگی.

و طلب کردم نورانی بودن قلب را، پس یافتم آن را در تفکر و گریه.
و طلب کردم گذشتن از صراط را، پس یافتم آن را در صدقه دادن.
و طلب کردم نورانی بودن صورت را، پس یافتم آن را در نماز شب.
و طلب کردم فضیلت جهاد در راه خدا را، پس یافتم آن را در کسب کردن برای عیال.
و طلب کردم محبت خدا را، پس یافتم آن را در دشمن داشتن اهل معاصی.
و طلب کردم ریاست و سروری را، پس یافتم آن را در نصیحت و خیرخواهی برای بندگان خدا.
و طلب کردم فراغت قلب را، پس یافتم آن را در کمی مال و طلب کردم شرف را، پس یافتم آن را در علم.
و طلب کردم عبادت را پس یافتم آن را در ورع و پرهیزگاری.
و طلب کردم راحت را، پس یافتم آن را در زهد و طلب کردم رفعت و بلندی را، پس یافتم آن را در تواضع.
و طلب کردم عزت را، پس یافتم آن را در صدق.
و طلب کردم بی نیازی را، پس یافتم آن را در قناعت.
و طلب نمودم انس را، پس یافتم آنرا در قرائت قرآن.
و طلب نمودم صحبت مردم را پس یافتم آن را در حسن خلق.

و طلب کردم رضا و خوشنودی خدا را، پس یافتم آن را در بر و نیکی
به والدین.

خبر هشتم

بسم الله وله الحمد. روایت شده که حضرت آدم علی نبینا وآله وعلیه السلام در جائی نشسته بود؛ پس شش نفر آمدند نزد او، سه نفر طرف راست و سه نفر طرف چپ نشستند. سه نفرشان سفید و سه نفرشان سیاه.

آدم به یکی از سفیدها گفت تو کیستی، گفت من عقم. آدم گفت: جای تو کجا است، گفت: دماغ.

به دومی گفت: تو کی هستی، گفت من شفقت و مهربانیم، آدم گفت: مقام تو کجا است، گفت قلب.

به سومی گفت تو کیستی، گفت حیا، گفت: جایگاه تو کجا است، گفت چشم. پس آدم(ع) به طرف چپ توجه نموده فرمود: به یکی از سیاهان تو کی هستی؛ گفت من تکبر میباشم، فرمود جای تو کجا است، گفت دماغ، فرمود: آیا عقل هم آنجا هست، گفت چون من داخل شوم، عقل خارج شود.

به دومی فرمود: تو کی میباشی، گفت من حسد فرمود مقام تو کجا است، گفت قلب، فرمود: آیا شفقت در آنجا هست، گفت: چون من داخل شوم، شفقت بیرون رود.

پس به سومی فرمود تو کیستی، گفت من طمع میباشم، فرمود جای تو کجا است، گفت چشم، فرمود: آیا حیاء در آنجا هست، گفت چون من داخل شوم، حیاء بیرون رود.

خبر نهم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که علامت شقاوت چهار چیز است: اول فراموش کردن گناهان گذشته و حال اینکه در نزد خدا محفوظ است؛ دوم به یاد داشتن حسنات گذشته و حال آنکه نمیداند قبول شده یا رد شده؛ سوم اینکه در امر دنیا نظر به بالاتر از خود داشتن؛ چهارم در امر دین نظر به پائین تر از خود داشتن.

و علامت سعادت نیز چهار است: اول به یاد داشتن گناهان گذشته؛ دوم فراموش نمودن حسنات گذشته؛ سوم در امر دین نظر به بالاتر از خود داشتن؛ چهارم در امر دنیا به پائین تر از خود نظر داشتن.

خبر دهم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که جناب موسی بن عمران علیهما السلام به ابلیس فرمود خبر ده مرا به آن گناهی که هرگاه فرزند آدم (ع) مرتکب آن شود، تو بر او مسلط میشوی؛ گفت هرگاه نفسش او را به عجب آورد، یعنی به نفس خود عجب کند و دیگر آنکه عمل خیر خود را بسیار بشمرد، سوم آنکه گنااهش در نظرش حقیر و کوچک بیاید.

خبر یازدهم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خدا عبادت کرده نشده به چیزی که افضل و بهتر باشد از عقل و مؤمن عاقل نمیشود تا آنکه ده خصلت در او جمع شود.

اول آنکه خیر از او مأمول باشد، یعنی رفتارش طور نیست که مردم از او توقع و انتظار خیر و خوبی دارند.

دوم آنکه از شرش ایمن می باشند.

سوم آنکه خیر کم را از غیر بسیار می شمرد.

چهارم آنکه خیر بسیار را از خود اندک می شمرد.

پنجم آنکه از طلب علم در طول عمرش سیر و ملول نمیشود.

ششم آنکه از مراجعه حاجتمندان به او منزجر و ناراحت نمیشود.

هفتم آنکه ذلت دوست تر است به سوی او از عزت.

هشتم آنکه فقر دوست تر است به سوی او از غنی کنایه از آنکه طالب عزت و ثروت نیست.

نهم آنکه نصیب و بهره او از دنیا قوت است، یعنی از دنیا اکتفا میکند به آنچه احتیاج به آن دارد.

و دهم چه دهمی آنکه احدی را نمی بیند مگر آنکه میگوید او بهتر است از من و باتقوی تر. چه آنکه مردم دو جورند یک جور کسی است که از

او بهتر و باتقوی تر است و جور دیگر کسی است که بدتر و پست تر است از او، پس چون ببیند کسی را که از او بهتر و باتقوی تر است، پس تواضع میکند برای او برای اینکه ملحق شود به او و هرگاه ببیند کسی را که از او بدتر و پایین تر است، پس میگوید شاید باطنش خوب باشد ولو ظاهرش بد است و ممکن است عاقبتش ختم به خیر شود، پس چون مؤمن این جور باشد مجد او عالی و سیادت بر اهل زمانش پیدا خواهد کرد.

خبر دوازدهم

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که مردی را دیدند خیلی جزع و فرع می کند در موت فرزندش، فرمود: یا هذا برای مصیبت کوچک یعنی موت فرزندی جزع میکنی و از مصیبت بزرگ غافل، اگر خود را مهیا میکردی برای سفری که فرزندت رفته است، هرآینه جزعت شدید نمی شد بر فرزندت، پس مصیبت تو به واسطه مهیا نشدن برای این سفر بزرگتر است از مصیبتی که به واسطه موت فرزندت بر تو وارد شده.

خبر سیزدهم

روایت شده که از حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام سؤال نمودند از استعداد و مهیا شدن برای مرگ، حضرت سه چیز فرمودند. اول اداء فرائض و واجبات، دوم اجتناب و دوری از محرّمات، سوم دارا

بودن اخلاق کریمه؛ بعد چنین شخصی باک ندارد از اینکه مرگ بر او واقع شود یا او بر مرگ.

خبر چهاردهم

از عمر بن یزید روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال میکند که آیا از طرف میت نماز بخوانیم؛ میفرماید بلی حتی اینکه بسا هست میت در مضيقه باشد، پس وسعت داده شود بر او آن مضيقه و به او گفته شود این تخفیفی که داده شد بر تو از این مضيقه بواسطه نماز برادرت بود از طرف تو. عرض میکند آیا دو نفر را در نماز شریک قرار بدهم، میفرماید بلی.

و نیز میفرماید که میت هرآینه خوشحال میشود به رحمت فرستادن بر او و استغفار برای او کما اینکه شخص حی و زنده، فرهنگ میشود به هدیه ای که برای او فرستاده شود و نیز میفرماید داخل میشود بر میت در قبرش نماز و روزه و حج و صدقه و دعا و نوشته میشود اجر آن برای کسی که این عمل ها را به جا آورد و از برای میت و نیز میفرماید کسی که از مسلمین عمل صالحی از جانب میت به جا بیاورد خدا اجر او را برای او مضاعف میفرماید و به آن عمل میت را هم نفع میدهد.

خبر پانزدهم

از امدی علیه الرحمة از حضرت علی علیه السلام روایت شده کسی که عطا کند برای خدا و منع کند، یعنی خودداری کند از عطا کردن برای خدا و دوست بدارد برای خدا و دشمن بدارد برای خدا، پس به تحقیق که ایمانش کامل است.

و نیز میفرماید حضرت باقر علیه السلام آگاه باشید کسی که دوست بدارد برای خدا و دشمن بدارد برای خدا و عطا کند برای خدا و منع کند برای خدا، پس او از اصفیاء خدا است.

خبر شانزدهم

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که به فرزند خود محمد بن حنفیه می فرماید: احسان و نیکی کن بسوی تمام مردم کما اینکه دوست داری که آنها احسان کنند به تو، و بیسند برای مردم آنچه را که برای خود میپسندی و میپسند برای مردم آنچه را که برای خود نمیپسندی. و خلق خود را با مردم نیکو کن بطوریکه اگر از ایشان غایب شوی به یاد تو باشند. و هرگاه بمیری بر تو گریه کنند و بگویند انا لله و انا الیه راجعون. و نباش از کسانیکه در نزد موتش بگویند الحمد لله رب العالمین که مرد.

و بدانکه رأس عقل بعد از ایمان به خدای عزوجل مدارا نمودن با مردم است و خیری نیست در آن کسی که معاشرت نکند به معروف با کسانیکه لابد است از معاشرت با آنها تا وقتی که خدا او را از شر آنها خلاص کند چه آنکه من یافتم جمیع آنچه را که مردم به واسطه آن خوش میگذرانند کیلی که دو قسمت آن احسان به مردم است و یک قسمت آن تغافل ورزیدن از بدی کردن مردم نسبت به او.

خبر هفدهم

از جعفر بن احمد قمی علیهما الرحمة در کتاب غایات از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده آیا خبر ندهم شما را به شریرهایتان، عرض کردند چرا یا رسول الله (ص)؛ فرمود: کسانی میباشند که از خطای برادر دینی خود نمی گذرند و عذر معذرت خواه را قبول نمی کنند و از لغزش او چشم نمیپوشند.

و نیز میفرماید یا علی (ع) کسی که عذر برادر خود را چه صادق باشد در عذری که می آورد و چه کاذب قبول نکند، به شفاعت من نخواهد رسید.

خبر هجدهم

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که حسنه ای را پنهانی بجا بیاورد، پنهانی نوشته میشود. و چون نزد مردم گفت محو میشود و عمل آشکارا نوشته میشود. و چون دومرتبه گفت، محو میشود و عمل ربائی نوشته میشود.

خبر نوزدهم

از ابی علی در کتاب نزهه از حرث همدانی علیهما الرحمة از حضرت علی علیه السلام روایت شده که کفایت میکند تو را از کمال مرد ترک او کار و گفتار غیر جمیل را و از حیای او اینکه چون با کسی تماس میگیرد، کاری نکند که او را ناراحت کند و از عقل او حسن رفق و

مدارایش و از ادب او علم او است به آنچه لابد است از آن و از ورع او عفت بصر و بطن او است و از حسن خلق او اذیت نکردن او است و از سخاوت، نیکی او است نسبت به کسی که حقش واجب است بر او و از کرم او ایثار غیر است بر خود و از صبر او قلت شکایت او است و از عدالت او انصاف او است و ترک غضب او است در نزد مخالفت با او و قبول حق هرگاه ظاهر شود بر او حقانیت آن و از حفظ جوار پوشانیدن عیوب همسایگان و هرگاه کار ناراحت کننده ای از آنها صادر شود، آنها را بر آن کار سرزنش نکند و از حسن مصاحبت با مردمان، زحمت ندادن آنها است و از صداقت او بسیاری موافقت او است با مردمان و از صلاح او شدت خوف او است از گناهانش و از شکر او معرفت او است به احسان کسی که احسان کند به او و از تواضعش معرفت او است به قدر خود و از حکمت او شناسائی او است به ذاتش و از مخافت او یاد آخرت است به قلب و زبانش و از سلامتش قلت تحفظ او است عیوب دیگران را و توجهش به اصلاح عیوب خود.

خبر بیستم

از حضرت امام حسن از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که اگر بچه سقط شده ای را پیش از خود بفرستم، دوست تر است به سوی من از صد فرزند که بعد از من در راه خدا جنگ کنند.

خبر بیست و یکم

از حضرت علی از رسول خدا صلی الله علیهما وآلهما روایت شده که تراشیدن ریش از مثله است و کسی که مثله کند فعلیه لعنة الله.

خبر بیست و دوم

از قطب راوندی علیه الرحمة در کتاب دعوات از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که با وضو بخوابد اگر در آن شب بمیرد، شهید مرده است.

و در حدیث دیگر میفرماید کسی که با وضو بخوابد فراش او برایش مسجد باشد و خوابش نماز.

و در روایت دیگر میفرماید کسی که با وضو بخوابد، پس گویا شب را احیاء داشته است.

خبر بیست و سوم

از جناب ابی بصیر علیه الرحمة از حضرت صادق علیه السلام روایت شده کسی که هنگام وضو گرفتن نام خدا را ببرد، تمام بدنش از گناه پاک میشود. و اگر نام خدا را نبرد، فقط جاهائیکه آب وضو رسیده پاک میشود.

خبر بیست و چهارم

از کتاب جامع الاخبار از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام روایت شده کسی که بعد از وضو قرائت کند آیه الکرسی را، یک مرتبه عطا میفرماید خدا به او ثواب عبادت چهل سال و بلند میفرماید برای او چهل درجه و تزویج میفرماید به او چهل حوریه را.

خبر بیست و پنجم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که مردی را دیدند میگوید خدایا بیامرزد و نمییمنم که پیامرزی. حضرت فرمود: چرا بخدا گمان بد میبری. عرض کرد برای اینکه من هم در جاهلیت یعنی قبل از اسلام گناه کرده ام و هم در اسلام. حضرت فرمود: اما آنچه در جاهلیت کرده ای، پس ایمان آن را محو کرد و آنچه در اسلام کرده ای، نماز تا نماز کفاره است برای آنچه در بین مرتکب شده ای. مؤلف گوید فائده ها و ثوابهایی که برای نماز و باقی اعمال صالحه، چه واجب و چه مستحب بیان شده مشروط است به اینکه مطابق دستور باشد.

خبر بیست و ششم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل شده که به اصحاب خود میفرماید آیا خبر ندهم شما را به چیزی که اگر آن را یاد بگیرید، شیطان از شما دور شود مانند دوری مشرق از مغرب. عرض شد چرا.

فرمود: آن روزه است که صورت شیطان را سیاه میکند و صدقه پشت او را میشکند و دوستی در راه خدا و معاونت و یاری بر عمل صالح قطع میکند دنباله او را و استغفار و طلب آمرزش قطع میکند رگ و تین او را و برای هر چیزی زکوتی است و زکوة بدنها، روزه است.

خبر بیست و هفتم

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که از برای روزه دار دو فرح و خوشحالی میباشد، یکی در وقت افطار و دیگر در هنگام ملاقات پروردگار.

خبر بیست و هشتم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده هیچ مؤمنی نیست که ماه مبارک رمضان را روزه بگیرد خالصاً لوجه الله مگر آنکه خدای تبارک و تعالی واجب فرماید برای او هفت خصلت را. اول آنکه گوشتی که از حرام در بدن او روئیده شده آب شود.

دوم آنکه نزدیک است به رحمت خدای عزوجل.
سوم آنکه جبران و تلافی باشد برای خطای پدرش حضرت آدم علیه السلام.

چهارم آنکه خدا آسان بفرماید بر او سکرات موت را.
پنجم آنکه امان باشد برای او از گرسنگی و تشنگی روز قیامت.

ششم آنکه عطا کند خدا به او برأت از آتش را؛ هفتم آنکه بخوراند به او از غذاهای طیب و پاکیزه بهشت.

خبر بیست و نهم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که ماه مبارک رمضان روزه بگیرد و فرج خود را حفظ کند و زبان خود را نگاه دارد و اذیت و آزارش به مردم نرسد، خدا بیامرزد گناهان گذشته و آینده او را و او را از آتش آزاد نماید و او را جای دهد در بهشت.

خبر سی ام

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که بهشت مشتاق است بسوی چهار نفر. اول طعام دهنده به گرسنگان، دوم حفظ کننده زبان، سوم تلاوت کننده قرآن، چهارم روزه گیرنده در ماه رمضان.

خبر سی و یکم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که خدای تعالی روزه ماه مبارک رمضان را در شرایع قبل واجب فرموده بود، مگر بر انبیاء علیهم الصلوٰة والسلام و بر شما واجب فرمود آنچه را که بر انبیاء و رسولان خود که پیش از من بودند نموده بود بواسطه گرامی داشتن و فضیلت دادن شما بر سایر امت ها.

خبر سی و دوم

از حضرت باقر علیه الصلوة والسلام نقل شده که برای خداوند عالمیان ملائکه ای میباشند که موکل میباشند بر روزه دارها که طلب مغفرت میکنند برای آنها در هر روز از ماه رمضان تا آخر آن و ندا میکنند روزه دارها را در وقت افطار که بشارت باد شما را ای بندگان خدا، اندکی گرسنگی دیدید لکن به سیری بسیار خواهید رسید.

خبر سی و سوم

از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که یک نماز فریضه و واجب افضل و بهتر است از بیست حج و یک حج افضل است از یک خانه پر از طلا که تصدق داده شود تا تمام شود.

خبر سی و چهارم

از معویة بن وهب علیهما الرحمة روایت شده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال میکند از بهتر و دوست تر عملی که تقرب میجویند بندگان به آن بسوی خداوند عالم جل و علا. حضرت میفرماید بعد از معرفت، عملی را بهتر از نماز نمیدانم. آیا نمیبینی بنده صالح عیسی بن مریم علیهما السلام را که میگوید وصیت فرموده یعنی خدای تعالی مرا به نماز و زکوة مادامی که زنده باشم.

خبر سی و پنجم

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده سه چیز است که اگر مؤمن آنها را یاد بگیرد، موجب طول عمر و بقاء نعمت میشود. عرض شد آن

سه چیز کدام است؛ فرمود: طول دادن رکوع و سجود خود را در نماز و طول دادن نشستن بر سر سفره طعام و نیکی به اهل و عیال.

خبر سی و ششم

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چون مؤمن عمل خود را نیکو کند، خدای تعالی عمل او را مضاعف می فرماید به هر حسنه ای هفتصد، پس نیکو کنید اعمالی را که برای ثواب خدا بجا می آورید.

خبر سی و هفتم

از حضرت علی علیه الصلوة والسلام روایت شده که جناب خالد علیه الرحمة آمد خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله و عرض نمود یا رسول الله وصیت و سفارشی بفرما مرا و مختصر کن شاید به خاطرم بماند؛ حضرت وصیت فرمود او را به پنج خصلت: اول به یأس و ناامیدی از آنچه در دست مردم است، چه آنکه این ناامیدی بی نیازی میباشد حاضر؛ دوم دور بودن از طمع چه آنکه طمع فقری است حاضر؛ سوم آنکه طوری نماز بخواند کانه با نماز وداع میکند یعنی آخرین نماز او است؛ چهارم آنکه کاری نکند و حرفی نزند که محتاج شود به معذرت خواهی؛ پنجم آنکه دوست بدارد برای برادر خود آنچه را که برای خود دوست دارد.

خبر سی و هشتم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که هیچ نمازی نیست که وقت آن حاضر شود مگر آنکه ملکی بین یدی الله ندا کند که برخیزید بسوی آتشی که بر پشتهای خود افروخته اید پس خاموش کنید آن را به نماز خود. و از حضرت صادق علیه الصلوة والسلام روایت شده که فضیلت وقت اول بر وقت آخر مانند فضیلت آخرت است بر دنیا.

خبر سی و نهم

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که خدا عبادت کرده نشده به چیزی که مثل خاموشی و رفتن بسوی مساجد باشد. و از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده کسی که برود بسوی مسجدی از مساجد، برای او باشد به هر قدمی که بر میدارد و میگذارد تا وقتی که برگردد به خانه اش ده حسنه و محو میشود از او ده سیئه و بلند میشود برای او ده درجه.

و نیز به جناب ابی ذر علیهما الرحمة میفرماید: یا اباذر بدرستی که خدا عطا میفرماید به تو مادامیکه در مسجد باشی به هر نفسی درجه ای در بهشت و ملائکه بر تو رحمت و درود بفرستند و نوشته شود برای تو به هر نفسی ده حسنه و محو شود از تو ده سیئه و گناه.

خبر چهلیم

از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت شده که جبرئیل علیه السلام پیوسته مرا وصیت میکرد درباره زنها که گمان کردم طلاق دادن آنها

جایز نیست. و به همسایه تا آنکه گمان کردم وارث من قرار داده خواهد شد. و به نماز جماعت تا آنکه گمان کردم که خدا نماز را قبول نمیفرماید مگر به جماعت. و به ذکر خدا که گمان کردم که گفتاری نافع نیست مگر ذکر خدا.

و از حضرت باقرعلیه وعلی آبائه و ابنائه الصلوة والسلام روایت شده که فضل نماز جماعت بر نماز فردای بیست و پنج درجه است در بهشت.